

# باشگاه مسجد

نشریه مسجد - ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی

شماره ۱۹۳ - ربیع الثانی ۱۴۳۸

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه: معاونت فرهنگی اجتماعی

مدیر مسئول: سعید کرمی

قائم مقام مدیر مسئول و سردبیر:

محمد صادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری

دبیران سرویس

پیشخوان: مهدی رزاقی

مسجد: سعید فیاضی

منبر: یاسر شریعتی

نگاه: حسن علی آبادی

همکاران این شماره: رضا راحمی، علی بیگی

گروه هنری

طراح و گرافیک: احسان حسینی

عکاسان: حمید دستمال چی

ویراستاران: جعفر مروچی، محسن صابری

بازخوانی: مهدی کریمی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان سعدی

شمالی، پایین تر از بیمارستان امیر اعلم، کوچه شهید

صفا منش، پلاک ۱، مجتمع محراب، معاونت فرهنگی

اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

تلفن: ۶۶۳۴۶۹۲۴

پست الکترونیکی: farhangi@masjed.ir

## ۲۶-۳ | پیشخوان

اقتصاد درون زاد در آیه های سوره قیش | ۴ |  
اقتصاد مقاومتی فرهنگ و مدیریت را توأمان می خواهد | ۶ |  
مقاومت اقتصادی در مسجد | ۱۹ |  
روز بصیرت و حماسه نهم دی ماه در کلام مراجع تقلید | ۲۶ |



## ۵۶-۲۷ | مسجد

اعتیاد با داروی معرفت تیمار می شود | ۳۰ |  
مسجد و مهار آسیب های اجتماعی | ۳۴ |  
مسجد ثار الله پناهگاه مشکلات اجتماعی | ۴۳ |  
دانش کافی نیست، امام جماعت باید دلی بزرگ داشته باشد | ۴۴ |



## ۶۶-۵۷ | منبر

در انتظار خورشید | ۵۴ |  
تشیعمان را مدیون امامزادگانیم | ۵۸ |  
آداب منبر | ۶۲ |  
نقشه جامعه ایمانی | ۶۴ |



## ۸۰-۶۷ | نگاه

خداوند از علماء پیمان گرفته تا در مقابل خلافتی ها بایستند | ۶۸ |  
چون که صد آید، نودهم پیش ماست | ۷۲ |  
علمای امامیه و ارتباط با حکومت ها | ۷۴ |  
ولایت فقیه؛ ولایت قانون | ۷۹ |



# آیا این موضوع نیاز به گفتمان سازی دارد؟!

- این گفتمان دچار شعارزدگی نشود و در دام همایش زدگی و... نیفتد.
- این گفتمان دچار بیماری علم زدگی و تئوری پردازی نشود؛ بلکه با توجه به ظرفیت های موجود به دنبال راهکار باشد.
- گفتمان مقدمه ایجاد تفکر در جهت پیدا کردن راهکار است؛ پس نباید در گفتمان ماند که خود آسیب زای می باشد.

**۵** **ا**ئمه جماعات در ایجاد و تقویت گفتمان اقتصاد مقاومتی در بین امت و تقویت روحیه مطالبه گری از کارگزاران حکومتی، نقش شایسته ای دارند که در ذیل به آن اشاره می شود:

- ایجاد گفتمان قناعت، تعادل در مصرف، سودرسانی به هموعان و... در بین مأمومین و همسایگان مسجد در قالب منبر و خطابه. بر امامان جماعت و مرکز رسیدگی به امور مساجد است تا با غور در منابع معرفتی و علمی از جهت محتوایی به منظومه ای از سرفصل های مرتبط با اقتصاد مقاومتی دست یابند و آن را در قالب های مختلف به جامعه پیرامون مسجد انتقال دهند.

- تقویت روحیه تولید در بین خانواده ها از جمله مواردی است که می تواند سرلوحه برنامه های محتوایی و فرهنگی مساجد قرار گیرد. تولید در منزل از جمله سنت های دیر باز در تمدن اسلامی ایرانی بوده است. بسیاری از صنایع دستی در بستر همین سنت به رشد و بالندگی رسیدند. خیاطی، قالی بافی، حصیر بافی، گلیم بافی و... از جمله صنایع زودبازده هستند که ترویج آنها می تواند از مسجد و تشکل های مسجدی و هیئات محلی شروع شود. برون داد این فعالیت اقتصادی تشکیل بازار چای در سایه مسجد است. چنانچه در تهران به عنوان پایتخت ایران هر ماه یا هر هفته در روز خاصی بازارچه هایی در جهت تقویت اقتصاد خانواده با مدیریت مساجد تشکیل شود، می تواند در گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی و حتی فرهنگ سازی اقتصاد درون ز اهمیت و افری داشته باشد.

- تشکیل جلسات آموزشی با محوریت راهکارهای تقویت اقتصاد مقاومتی در مدیریت اقتصادی خانه و خانواده، از جمله پیشنهادها به همسایگان مسجد می باشد.

- تبادل تجربیات اقتصادی در بین خانواده های همسایه مسجد با حضور کارشناسان، موجب تقویت مهارت های اقتصادی خانواده با رویکرد اقتصاد مقاومتی می شود.

- اگر خرید احتیاجات مساجد مثل لامپ ها، شیر آلات، وسایل گرمایشی و سرمایشی، چای، برنج و خواربار، در جهت اقتصاد درون زا صورت پذیرد، خود قدم قابل توجهی در این راستا خواهد بود.

- پیشنهاد شما در جهت ایجاد گفتمان مسجد محور در موضوع اقتصاد مقاومتی چیست؟

**۱** اینکه یک نیاز مهم حکومتی از حالت صرفاً علمی و پرداخت های کلیشه ای، در آمده و به مسئله روز مردم تبدیل شود، بسیار اهمیت دارد. طی سال های اخیر در بسیاری از موارد به مطالبات رهبر فرزانه انقلاب نگاه شعاری شده است. سازمان های مسئول سعی وافر نموده اند با یک بنر تبلیغاتی بی رنگ و آب یا حداکثر برگزاری همایش و نشست های تکراری و بدون برون داد، سر و ته قضیه را هم آورند و آخر سال گزارشی پر و پیمان به مقامات بالا دهند. غافل از اینکه حاکمیت در مقام شعار نیست، بلکه خط و مشی آینده را مشخص می کند.

**۲** اقتصاد مقاومتی از آن دست مطالباتی است که نباید به دام شعارزدگی بیفتد. تأکید رهبری انقلاب در چند ساله اخیر و تبیین ابعاد مختلف این راهبرد اقتصادی نشان از نگاه جدی حاکمیت به این مقوله دارد. اقتصاد درون زا بر ظرفیت ها و استعداد های داخلی، احیاء و ظرفیت سازی اقتصادی، مدیریت سرمایه های انسانی، رشد علم و فناوری در راستای اقتصاد درون زا، کنترل سرمایه های مالی و... تکیه دارد.

**۳** اقتصاد درون زا به گفتمان سازی نیاز دارد. گفتمان زمانی در جامعه محقق می شود که تک تک اعضای امت نیاز به موضوع را درک کنند، مجامع علمی نیاز را بفهمند و دولتیان به اولویت نیاز واقف باشند. شناخت این نیاز مشترک زمینه های گفتمان را در بین طبقات مختلف جامعه فراهم می آورد. در سال های جنگ، مردم، مسئولان و فعالان علمی و فرهنگی، نیاز به دفاع مقدس را فهمیدند. آنگاه گفتمان جهاد و شهادت در رگ های ایران اسلامی جریان یافت و شمیم جان بخش حیات طیبه بر کالبد نظام دمیده شد.

**۴** در طول این چند سال همه خانواده های ایرانی مزه تلخ و کود اقتصادی را چشیدند، مجامع صنعتی از تولید بیمناکند، کارگران هر روز اضطراب عدم تمدید قراردادشان را دارند، فعالان عرصه علم و فرهنگ نشانه های اقتصاد تک محصولی و سست بنیان را در آسیب های اجتماعی می بینند.

اکنون زمان گفتگو درباره اقتصاد مقاومتی است تا این موضوع به یک مسئله فرهنگی اجتماعی تبدیل شود. اما این گفتمان زمانی به قله های پیروزی می رسد که موارد زیر در آن رعایت شود:

- زنگ خطر این گفتمان از جایی زده می شود که تئوری پردازی، ایجاد راهبرد و ارائه راهکار را بیرون از مجامع علمی دنبال کنیم. این گفتمان نباید دچار محافل غیر علمی و عوام زدگی شود.
- این گفتمان نیازمند است تا با سیاست و تدبیر پیش رود و دچار سیاست زدگی و مستمسکی برای دعوای سیاسی نشود.



یادداشت سردبیر



## پیشخوان

اقتصاد مقاومتی - سوای مباحث تخصصی اقتصادی - در جوامع اسلامی و به طور خاص در جامعه ایران، باید به عنوان یک مقوله فرهنگی نیز، مورد توجه قرار گیرد. از این حیث نمی‌بایست انتظار داشت که تنها دستگاه‌های اقتصادی کشور، درگیر چگونگی پیاده‌سازی و بسترسازی اجرایی آن باشند. فرهنگ پنداشتن مبحث اقتصاد مقاومتی، یعنی آماده‌سازی جامعه برای مردمی کردن اقتصاد؛ مردم رکن رکن اقتصاد مقاومتی هستند و آماده‌سازی آنها، نه به معنای آماده‌سازی برای ریاضت، که به معنای آماده‌سازی جهت تشریک مساعی و مشارکت اقتصادی در جامعه است. هم‌چنین این مشارکت، نباید تنها به معنای سرمایه‌گذاری تلقی گردد؛ بلکه سرمایه‌گذاری در تولید و ایثار اقتصادی، همان قدر در اقتصاد مقاومتی اهمیت دارد، که حساسیت بر سر مصرف انرژی‌های طبیعی و بازیافت زباله‌ها و خرید کالای ساخت داخل اهمیت دارد. دقت ائمه جماعات در چگونگی تبیین فرهنگ اقتصاد مقاومتی و فرهنگ‌سازی در این مورد، گام مهمی در اجرای اقتصاد مقاومتی است.



موقعیت ژئوپلیتیک، منابع زیرزمینی، انرژی فراوان و... را به عنوان عوامل مؤثر بر اقتصاد، از دریچه مبانی مقاوم سازی اقتصاد، مورد تحلیل قرار داده ایم، که توجه شما را به آن جلب می کنیم.

تکیه بر ظرفیت های داخلی در اقتصاد مقاومتی، از آن جهت حایز اهمیت است که اساس استقلال اقتصادی را فراهم می سازد؛ و چه کسی است که نداند استقلال اقتصادی، هدف تام و تمام اقتصاد مقاومتی است. نیروی انسانی، امکانات،



تفسیر سوره ایلاف



پیشخوان



“ ایلاف ایرانی چه زمانی محقق می شود؟ زمانی که در میان ما صرفه جویی رایج شود؛ صرفه جویی در برق، صرفه جویی در آب و... ایلاف ایرانی به این است که ما مصرف بنزین را کاهش دهیم، از حمل و نقل عمومی استفاده کنیم و خودروی تک سر نشین آن قدر در خیابان ما نباشد

۶

## اقتصاد درون زادر آیه های سوره قریش

همبستگی ملی که شما اهل قریش برای امرار معاش و گذراندن زندگی تان دارید، از لطف و کرم خداوند است؛ این نعمت فکر اقتصادی را خدای متعال در ذهن شما ایجاد کرده است. حالا که فهمیدید این موهبت از طرف خدای متعال است، باید به سرمنشأ آن بی تفاوت باشید؟ خیر! حالا که این چنین است، باید خدای متعال را شکر گزار باشید و رب این بیت را اطاعت کنید.

«الذی أطعمهم من جوع» همان خدایی که شما گرسنه بودید - به طوری که ملخ بیابان و سوسمار و این چیزها را از گرسنگی می خوردید - این طرح اقتصادی را به ذهن های شما آورد و آن انسجام ملی را در شما ایجاد کرد، تا شما در مقابلش او را پرستش کنید.

«وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» شما در معرض تهدیدها و غارتها و توهینها بودید. همیشه در خوف و استرس و اضطراب زندگی می کردید؛ اما خدای متعال به شما امنیت و عزت و آرامش داد. قریش به علت اینکه

لِإِيْلَافِ قُرَيْشٍ (۱)  
 إِيْلَافِهِمْ رَحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)  
 فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)  
 الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

آیت الله مهدی  
 شب زنده دار  
 عضو فقهای شورای  
 نگهبان

مکه یک بیابان بی آب و علفی بود که در آن هیچ زراعتی امکان پذیر نبود و نیست. معیشت اهالی مکه و قریش، به دو عامل بستگی داشت؛ یک. مکه محل زیارت بود و از اطراف و اکناف برای زیارت بیت الله به آنجا مشرف می شدند و آمدن زوار، به آنجا جنبه بازار می داده است. دو. مسئله تجارت، که شغل فصلی آنها به حساب می آمد. تجارت آنها به گونه ای بود که «رَحَلَتِ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ» داشتند؛ زمستان ها به یمن می رفتند و در آنجا حوائج یمنی ها را تأمین می کردند و از آنجا حوائج خودشان را به مکه می آوردند و در تابستان ها هم همین برنامه را در تجارت با شام داشتند.

خدای متعال در این سوره می گوید: حواس تان باشد همین عزم

## نقشه راه

### اقتصاد درون‌زا و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی از خلال بیانات رهبری

#### همة آنچه می‌خواهیم وجود دارد

به کوشش  
پیمان حیدری

اگر ما بخواهیم به آن نقطه‌الگوی آمدنیت اسلامی برسیم، راه چیست؟ راه این است: تکیه بر مقدرات و امکانات داخلی و

ظرفیت‌های خود این ملت... ما خیلی ظرفیت داریم. این ملت ظرفیت‌های استفاده نشده زیاد دارد؛ اینکه ما در سیاست‌های برنامه، رشد هشت درصدی را در نظر گرفتیم و گفتیم باید کشور در طول برنامه به رشد هشت درصدی برسد، به خاطر ظرفیت‌های بی‌شماری است که در داخل وجود دارد. اول برنامه بعضی می‌گفتند رشد هشت درصدی در زمینه مسائل اقتصادی ممکن نیست، بعد خود مسئولین آمدند به ما گفتند نخیر! همین که شما نوشتید درست است؛ رشد هشت درصدی امکان‌پذیر است؛ منتها خوب کار لازم دارد، سیاست درست لازم دارد، راهبرد صحیح برنامه‌ریزی شده لازم دارد، با تنبلی و بی‌کاری و اعتماد به دیگران نمی‌شود؛ باید با برنامه‌ریزی پیش رفت. این به خاطر ظرفیت کشور است؛ ظرفیت کشور خیلی بالا است. از جمعیت حدود هشتاد میلیونی ما، بیش از سی درصد این جمعیت عمرشان بین ۲۰ سال تا ۳۵ سال است؛ یعنی در عتقوان جوانی هستند. جوانی مظهر تحرک است، مظهر نشاط است. ما این همه جوان در کشور داریم. در بین این جوان‌ها، میلیون‌ها نفر تحصیل کرده و باسواد و متخصص و دارای ابتکار وجود دارند. امکانات زیرساختی ما در طول این ۳۷ سال امکانات بسیار فراوانی است. ما در زمینه‌های مختلف، زیرساخت‌های فوق‌العاده مؤثر و کارآمدی را در کشور به وجود آورده‌ایم - ما که عرض می‌کنم یعنی مسئولین کشور به وجود آوردند؛ بنده که کاره‌ای نیستم - همه چیز آماده است برای حرکت کردن، پیشرفت کردن. (۱۳۹۵/۰۵/۱۱)

#### به داشته‌های خودتان چشم‌بندید

● [بنده به صراحت می‌گویم که] برای گشایش مسائل کشور و مشکلات کشور، از جمله مشکلات اقتصادی، نگاه به درون باشد.

(۱۳۹۲/۰۸/۱۲)

● کشور باید با نیروی درونی اداره بشود؛ یعنی با استعدادها و درونی ما، نیروی انسانی ما، هوش جوانان ما، با اینها باید اداره بشود. اگر این شد، هیچ قدرتی در دنیا قادر نخواهد بود که سرنوشت اقتصادی کشور را در دست بگیرد و ملعبه خودش قرار بدهد. (۱۳۹۳/۰۷/۳۰)

● از جمله بزرگترین مسئولیت‌های مسئولین کشور، همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه‌ای وارد نشود. راه آن چیست؟ راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم. (۱۳۹۲/۱۰/۱۷)

در مکه ساکن بودند و از بیت‌الله می‌آمدند، در میان تمام جزیره‌العرب و حتی در میان غارتگران و طراران، صاحب احترام بودند و متاعشان در راه‌ها غارت نمی‌شد.

این امنیت و تفکر اقتصادی که خدا به شما داده، که هم گرسنگی و تنگدستی و مشکلات مادی را بر طرف کنید و هم در آرامش باشید، باید باعث شود که شما شکر خدا را کرده و او را عبادت کنید.

در واقع پیام این سوره، مسئله توحید است که ما باید به آن قائل باشیم و از سویدای قلب‌مان به باورمان آمده باشد که همه چیز از خدای متعال است. خالق اوست، رب هم اوست. حتی چیزهایی که آدم به حسب زندگی متعارف و معمولش غفلت دارد، از اوست.

حالا تفسیر این سوره برای ما چیست؟ این است که اسلام از ما می‌خواهد در غفلت زندگی نکنیم؛ همه داشته‌هایمان را در رابطه با خدای متعال و از نعمت و وجود او ببینیم. یک نمونه‌اش برای ما، این امنیتی است که در ایران - بحمدالله تبارک و تعالی - وجود دارد. این سوره مبارکه که به ما چه می‌گوید؟ «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ؛ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»؛ یعنی ما تا حالا شده یک سجده کنیم، بگوییم خدایا تو را شکر می‌کنیم که این امنیت را به ما دادی؟ این کار را کردیم؟ این سوره مبارکه می‌خواهد ما را توحیدی بار بی‌آورد و متوجه کند که همه نعمت‌ها، از خدای متعال است. اگر شما می‌بینید یک اقتصاد روانی دارید و جامعه به سمت خیر می‌رود و تدبیرهای خوبی به کار گرفته می‌شود، اینها همه از طرف خدای متعال است.

نکته دیگر این سوره برای ما این است که ببینید که مشکلات اقتصادی چگونه حل می‌شود؟ با عزم ملی و همبستگی همگانی. این «ایلاف قریشی» باعث شد که شما «حلت شتاء و صیف» با دمنطقه تجاری آن روزها - که یمن و شامات باشد - داشته باشید.

بنابراین این سوره این پیام را به ما می‌دهد که این اقتصاد مقاومتی که رهبری معظم روی آن پافشاری می‌کنند و اقتصاددان‌ها هم می‌گویند راه حل معقول پیش روی ماست است، چگونه محقق می‌شود. زمانی که ما یک ایلاف ایرانی درست کنیم. یعنی چه؟ یعنی همه با هم همبستگی پیدا کنند و هر کسی نقش خود را در این میان به نحو احسن ایفا کند. حالا باید ببینیم که یکی از نقش‌ها چیست؟ یکی این است که ما مقید بشویم جنس ایرانی بخریم. آنکه سرمایه‌دار است، مقید بشود به جای اینکه سرمایه‌اش را بگذارد در بانک و بخواهد سودش را بگیرد، آن را در یک فعالیت اقتصادی قرار بدهد که بتواند تولید کشور را بالا ببرد. راحت طلبی نکند که حالا ما سرمایه را می‌گذاریم آنجا و به ما یک سودی می‌دهند و... نه! این عزم ملی و ایلاف ایرانی را محقق نمی‌کند. ایلاف ایرانی یعنی هر کسی جنسی می‌خواهد بخرد، برای ایجاد همبستگی ملی سعی کند تا آنجا که می‌شود، جنس ایرانی تهیه کند.

ایلاف ایرانی چه زمانی محقق می‌شود؟ زمانی که در میان ماصرفه‌جویی رایج شود؛ صرفه‌جویی در برق، صرفه‌جویی در آب و... ایلاف ایرانی به این است که ما مصرف‌بنزین را کاهش دهیم، از حمل و نقل عمومی استفاده کنیم و خودروی تک‌سرنشین آن قدر در خیابان ما نباشد. بنابراین یک مجموعه‌ای از ایلاف، به قصد قربت باید در میان ما باشد تا حکومت الهی و اسلامی، یک حکومتی باشد که در میان جهان قابل عرضه باشد.

66

اگر شما

می‌بینید یک

اقتصاد روانی

دارید و جامعه

به سمت

خیر می‌رود

و تدبیرهای

خوبی به کار

گرفته می‌شود،

اینها همه از

طرف خدای

متعال است

6



پیشخوان



گفت و گو با دکتر سیدحسین میرمعزی، ریاست انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم، دانشیار دانشگاه و رئیس شورای علمی مرکز راهبردی مطالعات اسلامی اقتصاد مقاومتی

# اقتصاد مقاومتی فرهنگ و مدیریت را توأمان می خواهد

اقتصاد مقاومتی، برای استقرار و اجرا در نظام اقتصادی جامعه اسلامی، نیازمند دو فاکتور مهم است، که عبارتند از یک؛ ظرفیت‌های بالقوه داخلی و دو. اهتمام و مشارکت تمامی افراد جامعه به موضوع اقتصاد مقاومتی. در کشور ما فاکتور اول، نیاز به مدیریت و فاکتور دوم، نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. جریان این دورادرفکتور و گو با دکتر سیدحسین میرمعزی، مؤلف کتاب فلسفه علم اقتصاد و عضو شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح کردیم، که در ادامه می‌آید.

به کوشش:  
مهدی کریمی

است که اقتصاد مقاومتی درون‌زا است؛ یعنی اهداف آن را بر اساس ظرفیت‌های درونی در کشور تأمین می‌شود.

**پیشگامان** این ظرفیت‌ها در واقع چه مواردی را شامل می‌شود؟

اولین ظرفیت داخلی ما عبارت است از جمعیت جوان؛ ما در موقعیت «پنجره جمعیتی» قرار داریم. ظرفیت دوم، ظرفیت علمی موجود در ایران است که ظرفیت بسیار بالایی است. موضوع دیگر، بحث ظرفیت سرمایه‌های معدنی است که مهم‌ترین آن، نفت و گاز است؛ ما سرزمینی بسیار غنی از این لحاظ هستیم. موضوع دیگر، سرمایه‌های زیربنایی و امکانات کشور است؛ موضوعی که در توسعه و پیشرفت مطرح می‌شود و بسیار هم مهم است. مواردی مثل سد، راه، ریل و زیرساخت‌های این گونه، ما در کشور، از حجم بالایی از سرمایه‌های زیربنایی برخورداریم.

بحث دیگر در ظرفیت‌های بالقوه، بحث مزیت جغرافیایی کشور است؛ ما از جهات مختلف در یک مکان جغرافیایی قرار گرفته‌ایم که دارای مزیت‌های بسیار زیادی، مثل مزیت تنوع اقلیمی است. ظرفیت آخر -که از میان ده‌ها مورد دیگر اشاره می‌کنم- بحث ظرفیت انرژی‌های پاک هست. ما در انرژی‌های خورشیدی، انرژی آب و انرژی هسته‌ای، از امکانات خوبی برای این مسایل برخورداریم. البته هر کدام از اینها،

**پیشگامان** در موضوع اقتصاد مقاومتی، موضوع ظرفیت‌های داخلی، به عنوان ستون مقاومت مطرح می‌شود؛ مبنایی که مقام معظم رهبری هم به کرات مطرح فرموده‌اند. برای خوانندگان بفرمایید که کلیات این ظرفیت‌ها چیست و چگونه باید موضوع آن را طرح کرد؟

همان‌طور که فرمودید، یکی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی -بر اساس آنچه مقام معظم رهبری طرح و تبیین کردند- درون‌زایی است؛ یعنی اقتصاد مقاومتی باید اهدافش را از طریق ظرفیت‌هایی که در درون کشور وجود دارد، تعقیب کند. هدف نهایی اقتصاد مقاومتی این است که ما به توان اقتصادی‌ای دست یابیم که از سوی قدرت‌های استکباری، قابل تهدید نباشد. برای رسیدن به چنین هدفی، مقام معظم رهبری در بیان سیاست‌های کلی، دو هدف را ابلاغ فرمودند: یکی بحث «رشد پویا» و دیگری «بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی». اینها منجر به قدرت اقتصادی می‌شود. ما برای رسیدن به این اهداف، دو مسیر را پیش رو داریم: یک مسیر آن است که ما به آنچه که در خارج از مرزهای ما وجود دارد تکیه کنیم؛ یعنی تکیه اصلی ما به سرمایه‌ها، نیروی‌های انسانی یا علم و دانشی باشد که در خارج از مرزهای ما وجود دارد و راه دوم، این است که به ظرفیت‌های علمی و سرمایه‌ای و مدیریتی و امکاناتی داخلی تکیه نماییم. تبیینی که مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی داشتند، این

66  
اولین ظرفیت داخلی ما عبارت است از جمعیت جوان؛ ما در موقعیت «پنجره جمعیتی» قرار داریم. ظرفیت دوم، ظرفیت علمی موجود در ایران است که ظرفیت بسیار بالایی است

## ایثار در اقتصاد

مردم با انگیزه سود وارد فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند و هر جا سود نباشد، از دخالت در آن خودداری می‌کنند. در نظام اسلامی و در سیستم اقتصاد مقاومتی، برای تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، باید انگیزه‌ها را از طریق سیستم تربیت و فرهنگ و در مسجد و مدرسه، به سمت انگیزه‌های ایثار گرانه اقتصادی هدایت کنیم. قدم‌های ایثار گرانه اقتصادی به معنای ضرر و سوخت سرمایه مؤمنین نیست، بلکه در بدترین حالت، یک سرمایه در گردش به حساب می‌آید که سودی پائین تر از تراز سود بازار را برای فرد در پی دارد، انگیزه‌ها و قدم‌های ایثار گرانه به عنوان میانبرهای اقتصادی، به مقاومت و استحکام اقتصاد در جامعه اسلامی کمک شایانی می‌کند و ائمه جماعات در این بخش، می‌توانند تأثیر گذاری زیادی داشته باشند و این انگیزه‌ها را در جامعه تقویت کنند.



فصل مفصلی است که من چند موردش را سعی می‌کنم به صورت خیلی مروری بیان کنم.

**پنجه** برای شروع از جمعیت جوان آغاز کنیم. چگونه چنین موضوعی می‌تواند یک ظرفیت به حساب بیاید؟

در بحث جمعیت جوان، هفتاد درصد جمعیت مادر سنین بین بیست و پنج تا شصت هستند؛ یعنی در سنین فعالیت و کار. اگر کشوری از مزیت بالا بودن جمعیت فعال برخوردار باشد، می‌گویند دارای «فرصت جمعیتی» یا «پنجه جمعیتی» است، که اگر درست از این استفاده شود، یکی از عوامل اصلی توسعه و پیشرفت در کشور خواهد بود. ما از سال ۱۳۸۵ به این پنجه جمعیتی وارد شدیم؛ یعنی جمعیتی که بین ۱۵ تا ۶۵ سال هستند. تا سال ۱۴۲۵ هم این پنجه جمعیتی بسته می‌شود؛ حدود ۴۰ سال. ما الان در سال ۱۳۹۵ هستیم، یعنی ده سال از این پنجه جمعیتی گذشته است؛ ولی ۳۰ سال مانده و ظرفیت بسیار بالایی است که باید از آن استفاده کرد. البته این حاصل باروری در دهه شصت بوده است و اگر ما از این فرصت استفاده نکنیم، دوباره وارد یک مرحله از جمعیت می‌شویم که این پنجه جمعیتی را از دست می‌دهیم.

**پنجه** این پنجه جمعیتی با رشد علمی هم پیوند دارد؟  
 بله! قبلاً به این مسئله توجه نداشتند که دانش در پیشرفت تأثیر دارد. بیشتر به سرمایه و نیروی کار توجه بود؛ ولی امروزه در بحث علم و دانش، مشخص شده است که این عامل، نقش به سزایی در پیشرفت دارد و ما از جهت علمی، ظرفیت‌های بسیار بالایی داریم. معیارهایی که برای سنجش رشد علمی کشور وجود دارد؛ مثلاً «میزان اعتبارات تحقیقاتی» که در دهه اخیر در کشور ما صرف اعتبارات تحقیقاتی شده است بین ۲ تا ۷ درصد از تولید ناخالص ملی بوده است. این عدد نسبت به کشورهای پیشرفته پایین است؛ اما در سطح کشورهای هم‌تراز، ما جزء کشورهایی هستیم که بیشترین اعتبارات تحقیقاتی را تخصیص داده‌ایم. یا مثلاً «تعداد مقالات چاپ شده در مجلات معتبر علمی» معیار دیگری برای سنجش رشد علمی کشورها است. به عنوان نمونه تعداد مقالات علمی مادر مراکز علمی معتبر مثل ISI، بسیار پیشرفت بالا رفته است.

**پنجه** اگر موافق باشید وارد بحث سرمایه‌های معدنی شویم. رشد علمی ما در زمینه استخراج این منابع هم می‌تواند به کار بیاید؟ و آیا این حلقه‌ها به هم متصل هستند؟

۶۶  
 اگر کشوری  
 از مزیت بالا  
 بودن جمعیت  
 فعال برخوردار  
 باشد، می‌گویند  
 دارای «فرصت  
 جمعیتی»  
 یا «پنجه  
 جمعیتی»  
 است، که اگر  
 درست از این  
 استفاده شود،  
 یکی از عوامل  
 اصلی توسعه  
 و پیشرفت در  
 کشور خواهد بود  
 ۶



پیشخوان



«مردم‌بنیاد» بودن، یعنی تکیه اقتصاد به مردم باشد. یعنی مردم در متن اقتصاد نقش آفرینی می‌کنند و دولت باید نقش راهبر، هدایت کننده، نظارت کننده و حمایت کننده را نسبت به فعالیت‌های مردم داشته باشد. در اقتصاد، به این مدل از دولت، «دولت مکمل» می‌گویند؛ یعنی متن فعالیت‌ها را مردم و بخش خصوصی انجام می‌دهد و دولت مکمل فعالیت‌ها است و نواقص این فعالیت‌ها را به نوعی برطرف می‌کند. به صورت کلی نقش دولت در اقتصاد مقاومتی این گونه است که در مرحله اول، دولت باید به اصطلاح «هادی» باشد؛ هدایت کننده و ناظر و حمایت کننده باشد و موانع را از سر راه مردم بردارد. دولت در این مدل، در مواردی که مردم انگیزه ندارند، یا توان ندارند و یا مصلحت نیست، به فعالیت اقتصادی وارد می‌شود. در حقیقت ما سه ملاک برای ورود دولت به صورت یک تصدی گر در اقتصاد داریم. منظورم از دولت، تنها قوه اجرایی نیست؛ منظور حکومت اسلامی است که در رأس آن، رهبری قرار دارد. دولت باید -همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند- در کنار جذب امکانات خارج از کشور، اما بدون اینکه تکیه اقتصاد کشور بر آنها باشد، به سمت ظرفیت‌های داخلی برود و آنها را مدیریت کند. در چنین شرایطی است که ما به اهداف اقتصاد مقاومتی دست پیدا خواهیم کرد.

بله دقیقاً! اینها حلقه‌های متصل به هم هستند. سرمایه‌های معدنی و ذخایر زیرزمینی، در رشد اقتصادی کشور بسیار مؤثرند؛ چرا که ما در آمدی که از طریق این سرمایه‌های معدنی می‌توانیم به دست بیاوریم، آن سرمایه‌های لازم را برای پیشرفت کشور ایجاد می‌کند و این یک فرصت طلایی است. مادر مرکز قطب انرژی جهان قرار داریم. کارشناسان، اسم قطب انرژی جهان را «بیضی انرژی» گذاشته‌اند. ما در مرکز این بیضی قرار داریم. این منطقه - که شامل شمال کشورهای حوزه خلیج فارس و حوزه دریای خزر است - حدود ۶۵٪ از ذخایر نفت خام جهان و بیش از ۷۰٪ ذخایر گاز طبیعی جهان را در بردارد. می‌دانید که منابع سنگ آهن، ذغال سنگ، منگنز، سرب، روی، گوگرد، طلا، مس، اورانیوم، نفت و گاز در کشور ما بسیار غنی است و ما جزء کشورهای هستیم که در سطح جهان، رتبه بسیار عالی را در اختیار داریم. وقتی به اینها، سرمایه‌های زیربنایی را در قالب بزرگراه‌ها، خطوط راه آهن، فرودگاه‌ها، اسکله‌ها، سدها، مجتمع‌های پتروشیمی و... اضافه کنید، مزیت افزوده آن مشخص می‌شود. این ظرفیت از جمله ظرفیت‌هایی است که به تنهایی می‌تواند پایه اقتصاد مقاومتی باشد.

**پیشگامان دولت‌ها در اقتصاد مقاومتی چه نقشی ایفا می‌کنند؟**

ای کاش این، سؤال اول شما بود! یکی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی، این است که اقتصاد مردم‌بنیاد است. درک این موضوع به فهم اینکه دولت در استفاده از ظرفیت‌ها، چه راه‌هایی پیش رو دارد، کمک می‌کند.

**پیشگامان آیا ظرفیت‌هایی که در خارج از کشور وجود دارند، برای مدل اقتصاد مقاومتی، تنها سرمایه‌ها را در بر می‌گیرد؟ شرایط استفاده از آنها چگونه باید باشد؟**  
ظرفیت‌هایی که در خارج از کشور وجود دارد، دو بخش اند: یکی

«مردم‌بنیاد» بودن، یعنی تکیه اقتصاد به مردم باشد. یعنی مردم در متن اقتصاد نقش آفرینی می‌کنند و دولت باید نقش راهبر، هدایت کننده، نظارت کننده و حمایت کننده را نسبت به فعالیت‌های مردم داشته باشد

۶



## ظرفیت علمی کشور

ما با وجود اینکه مورد تحریم شدید قرار گرفته‌ایم، در رشته‌های متعددی از فناوری‌های نوین، جزء ده کشور اول دنیا هستیم. برای مثال در رشته مهندسی هوا و فضا، جزء کشورهای پیشرو هستیم و کشورهایی مثل هلند، استرالیا و اسکانلند، بعد از ما قرار گرفته‌اند. در مهندسی شیمی نیز در رتبه هشتم دنیا هستیم و کشورهای پیشرفته‌ای مثل کانادا، فرانسه، انگلیس، استرالیا و ایتالیا، همگی بعد از ما قرار دارند.

ظرفیت‌های اقتصادی هستند، که اگر ما بخواهیم از آنها استفاده کنیم باید از مواضع ارزشی خودمان دست برداریم و کوتاه بیاوریم. ولی بسیاری از ظرفیت‌ها هم هستند که مشروط به این شرط نیستند و ما می‌توانیم از آنها استفاده کنیم؛ ظرفیت‌های خارجی که در دست کشورهای غیراستکباری است و می‌شود از آنها استفاده کرد. به عنوان مثال از ظرفیت کشورهایهایی که در همسایگی ما هستند، می‌شود استفاده کرد. اما باز تکرار می‌کنم، باید حواسمان باشد که ما آن بنیان حرکت را بر ظرفیت داخلی بگذاریم.

## موفقیت اقتصادی موفق عمل نکرده است؟ با این کارنامه آیا می‌شود روی این بخش در اقتصاد مقاومتی حساب باز کرد؟

بخش خصوصی موفق نبوده است؛ اما مفهوم بخش خصوصی در وضعیت اقتصاد مقاومتی، با سایر وضعیت‌ها متفاوت است. ما وقتی می‌گوییم بخش خصوصی، نگاه ما بیشتر یک نگاه سرمایه‌داری است و به همین جهت، در اقتصاد مقاومتی اصلاً اصطلاح بخش خصوصی به کار نمی‌بریم. می‌گوییم «مردم» مردم فعال در صحنه اقتصاد. شما می‌گویید این مردم در بهره‌برداری از ظرفیت‌ها موفق نبودند؛ اولاً باید دید که چرا موفق نبودند. منشأ اینکه اینها موفق نبودند، چیست؟

## موفقیت با چنین تعریفی، برداشت شما از این عدم موفقیت چیست؟

یکی از علل اصلی عدم موفقیت مردم در مباحث اقتصادی، این است که دولت (به معنای عام آن)، آنها را بد هدایت کرده است. ما در حقیقت بسترهای قانونی و بسترهای فرهنگی لازم را برای اینکه مردم وارد عرصه بشوند و خوب فعالیت کنند، فراهم نکردیم. ما تنگناهای زیادی در مسیر تولید داریم. من در جمع‌هایی شرکت می‌کنم که مسئولین اقتصادی ابراز می‌کنند که ما موانع زیادی جلوی راه تولید کننده گذاشته‌ایم. بخش خصوصی، سرمایه‌هایش را وقتی می‌خواهد به سمت تولید سرریز کند، می‌بیند که با کوهی از موانع و مشکلات مواجه است و بالاخره یک جایی از مسیر، می‌پرد و سرمایه‌ها را به سمتی و به کارهای دیگری که بسیار ساده می‌تواند به سودهای خوب دست پیدا کند، هدایت می‌کند.

## موفقیت این گونه است که بهبود فضای کسب و کار صورت نمی‌پذیرد...

به هر حال ما فکر می‌کنیم که بحث بهبود فضای کسب و کار، یکی از محورهای اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. یک بخش بحث رفع موانع قانونی برای تولید و صادرات، مربوط به دولت است و یک بخش آن هم به طور اخص موضوع کلان فرهنگی است.

## موفقیت فکر می‌کنم بحث استفاده از کالای ایرانی را می‌فرماید.

بله! شما فرض کنید که این کالای ایرانی تولید بشود - که همین تولید هم با هزار اما و اگر است و اگر یک آمار از بنگاه‌های تولیدی کشور بگیرید، متوجه می‌شوید که بسیاری از آنها ورشکست شده‌اند و یک تعداد از آنها سینه خیز و با بیست سی درصد ظرفیت، تولید می‌کنند، به امید اینکه شرایط بهتر شود - فرض کنیم این بنگاه‌ها همه با صد درصد ظرفیت هم تولید کنند و کالاهایشان را در بازار بریزند، حالا اگر تقاضا برای این تولیدات وجود نداشته باشد، بی‌فایده است؛ چرا که این کالاهادر انبارها می‌ماند و هزینه تولیدشان را هم نمی‌توانند در بیاورند و دوباره به رکود برمی‌گردیم. بنابراین تقاضا باید برای کالاهای داخلی وجود داشته باشد؛ تقاضای داخلی ما به سمت کالاهای خارجی و به سمت حتی کالاهای قاچاق است. این یک بحث فرهنگی است که باید برای نیل به اقتصاد مقاومتی، حل بشود. حقیقتش این است که مردم، فرهنگ استفاده از کالاهای خارجی دارند؛ مثل اینکه برند خارجی برای مردم یک ارزش شده است و این واقعاً تأسف بار است.

## موفقیت به نظر شما مسجد می‌تواند محل و بستر این فرهنگ سازی باشد؟

اصلاً کار کرد اصلی مسجد در موضوعات فرهنگی، مواردی از این دست است. مردمی که به مسجد می‌آیند، به عنوان الگوی استفاده از کالای ایرانی و امام جماعت به عنوان فرهنگ‌ساز، می‌توانند مسجد را به یکی از ستون‌های اقتصاد مقاومتی تبدیل کنند.

تبیین مسائلی اقتصاد مقاومتی در قالب نشست‌هایی با شرکت متخصصان اقتصادی و مردم و توجه مردم به عنوان رکن اقتصاد مقاومتی می‌تواند در مسجد صورت بپذیرد، باز هم تکرار می‌کنم که مردمی کردن اقتصاد یعنی فعال کردن مردم در اقتصاد مقاومتی بسیار اهمیت دارد که در این روند مسجد و امام جماعت، ایفاگر نقش بسیار مهمی است.

ما کشورها و ملل دیگری مثل هند، چین و ژاپن را دیده‌ایم که در مرحله‌ای متوجه این موضوع بودند که حیات اقتصادی‌شان، در دستیابی به قدرت اقتصادی است و با همین درک در حمایت از کالاهای داخلی، کالاهای خارجی را تحریم کردند؛ حتی زمانی که کیفیت کالاهای داخلی‌شان بسیار پایین بود و قابل رقابت با کالاهای خارجی، هم نبود.

اینجا هم دلایل ما کامل است؛ چون مسئله حفظ مسایل جامعه اسلامی و مسلمین و نظام اسلامی است. مسئله مسئله نفع و سود نیست که بگوییم چون آن کیفیتش بالاتر است و قیمت‌اش پایین‌تر، پس من بروم آن را بخرم. اینها از رئوس و مواردی است که ائمه جماعات مساجد می‌توانند از طریق آن، به تبیین موضوع اقتصاد مقاومتی و ضرورت آن بپردازند.

“  
یکی از علل اصلی  
عدم موفقیت  
مردم در مباحث  
اقتصادی، این  
است که دولت  
(به معنای  
عام آن)، آنها  
را بد هدایت  
کرده است.  
ما در حقیقت  
بسترهای قانونی  
و بسترهای  
فرهنگی لازم را  
برای اینکه مردم  
وارد عرصه  
بشوند و خوب  
فعالیت کنند،  
فراهم نکردیم  
”

دیدگاه مراجع تقلید در مورد ملزومات فرهنگی، اجتماعی-سیاسی اقتصاد مقاومتی

# زیست اقتصادی، اقتصاد دینی



اقتصاد مقاومتی  
و گفتمان انقلاب



حجت الاسلام والمسلمین جواد فاضل لنکرانی

## اقتصاد برای مردم

از نکاتی که به عنوان اقتضات اقتصاد مقاومتی مطرح است و تا این به انجام نرسد اقتصاد مقاومتی معنا ندارد این است که اقتصاد باید بر دوش آحاد مردم باشد همین که از آن تعبیر به خصوصی سازی می کنند. اقتصاد باید از تمرکز در یک مجموعه بیرون بیاید خصوصاً اگر آن مجموعه دولت باشد.

این مطلب ریشه دینی دارد، وقتی ما به قرآن کریم مراجعه می کنیم خدای متعال در سوره مبارکه حشر آیه ۷ می فرماید: «مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» این آیه راجع به قضیه ی فیء است، بعد از اینکه می فرماید این فیء برای خدا، رسول، ذی القربی، یتامی، مساکین و ابن سبیل هست یک تعبیری که به منزله تعلیل است ذکر می کند. «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» یعنی گردش ثروت نباید در دست یک گروه باشد، ثروت نباید در یک جا متمرکز باشد و فقط در دست یک گروه بچرخد، ذیل این آیه اقتضا می کند که حتی دولت هم حق ندارد ثروت یک جامعه را در انحصار خودش قرار دهد.

نهادهای مربوط به دولت حق ندارند اقتصاد کلان یک جامعه را منحصر به خودشان کنند، اسلام با تمرکز ثروت در یک بخش از جامعه مخالف است، یکی از اساسی ترین مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی همین است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

این یکی از اساسی ترین اقتضات و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی است که باید به آن توجه شود. حتی می توان گفت از ارکان اقتصاد مقاومتی است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

## کنترل مصرف

عزیزان من، در نظر داشته باشید که با اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی، تحریم های دشمن بی اثر می شود. مسئله صرف جویی در نعمت های الهی، از اصول مسلم اسلام است. باید بدانیم منابعی که روی زمین است، به هیچ وجه فناپذیر نیست و باید در مصرف آن صرفه جویی کرد؛ تا جامعه امروز و آیندگان دچار مشکل نشوند. مصرف بی رویه منابع آب و دیگر نعمت های الهی، برای آیندگان خسارت آفرین است. اگر در مصرف نعمت های الهی، اعم از آب و گاز و دیگر منابع، افراط شود ممکن است حتی عده ای جان خود را از دست دهند. در آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) دستورات بسیار زیادی در زمینه پرهیز از اسراف داریم و این مسئله تنها به خوراک اختصاص ندارد. قناعت، گنجی گرانبها است و در آموزه های دینی داریم که کسی که اعتدال و میانه روی را رعایت کند فقیر نمی شود؛ اگر جامعه و کشوری صرفه جویی را رعایت کند هیچ گاه محتاج نمی شود. مصرف بی رویه، منابع کشور را در شرایط خطرناکی قرار می دهد. باید با استفاده از منابع قرآنی-روایی و تبیین سیره انبیا و اولیای الهی و بزرگان دینی، فرهنگ مصرف را در جامعه اصلاح کرد. باید در نظر داشت که ما امروز در شرایط تحریم هستیم و معلوم نیست تحریم ها کی برداشته می شود؛ از این رو، برای مبارزه با تحریم دشمن، با اقتصاد مقاومتی و صرفه جویی می توانیم توطئه دشمنان را خنثی کنیم و سیلی به صورت آنها بزنیم و به دشمنان نشان دهیم ما به واسطه تحریم ها مستأصل نشده ایم.



بررسی ظرفیت‌های ژئوپولیتیک کشور و نقش آن در خودکفایی اقتصادی

## پشتوانه عزت

می‌توان یک کشور را در میان کشورهای دیگر جهان مانند یک انسان دانست در برابر انسان‌های دیگر، از این منظر یک کشور موجودی دارای روح و کالبد است. روح یک کشور حاکمیت، فرهنگ و رویکردهای آن و کالبد کشور سرزمین اش با ویژگی‌های مختص خود خواهد بود. ژئوپولیتیک واژه‌ایست که برای توصیف این مفهوم ابداع شده است. ترکیبی از ژئو به معنای جغرافیا و پولیتیک به معنای سیاست، که رفتار سیاسی یک کشور را با در نظر گرفتن ویژگی‌های جغرافیایی بررسی می‌کند و رابطه‌ی بین منابع زیرزمینی و موقعیت جغرافیایی یک کشور را با وضع و موقعیت سیاسی آن بیان می‌کند.

یاسر صابری،  
مؤلف و کارشناس  
ارشد علوم سیاسی  
از دانشگاه علامه  
طباطباتی

### موقعیت ژئوپولیتیک ایران

کشور ایران دارای ویژگی‌های خاص ژئوپولیتیکی است. خصوصیات جغرافیایی سرزمین ایران، از مهمترین عوامل موثر بر موقعیت ژئوپولیتیک آن به شمار می‌رود. دریای خزر در شمال ایران و همسایگی ایران با آسیای مرکزی و قفقاز، قرار داشتن خلیج فارس در جنوب و احاطه ایران بر تنگه هرمز، بر خورنداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و بخش قابل توجهی از انرژی جهان به نحوی که ایران را در زمره ده کشور اول جهان و از مهم ترین کشورهای عضو یک قرار داده است، موقعیت ترانزیتی ایران به مثابه نزدیک ترین راه از منطقه خاور و جنوب شرقی آسیا به اروپا و شمال آفریقا و دارا بودن وسعتی که ایران را از این منظر در رده ی ۱۶ یا ۱۷ کشور جهان قرار داده است، از عوامل مهم طبیعی و جغرافیایی و ظرفیت‌های برتری ژئوپولیتیک ایران است.

ج.ا.ایران با توجه به ویژگی‌های خاص ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، یک کشور مؤثر بین‌المللی و بسیار فراتر از کشوری منطقه‌ای و محلی است. ایران علاوه بر آنکه یک قدرت منطقه‌ای به حساب می‌آید، کشوری بین‌المللی و حتی در برخی ویژگی‌ها جهانی است؛ یعنی حرکات، رفتار و فعالیت‌های آن نه تنها در منطقه و پیرامون آن خلاصه نمی‌شود، بلکه برخی از آنها در کل جهان نیز بازتاب پیدا می‌کنند، همچنان که تحولات جهانی نیز بر آن تاثیر گذار است. در طول تاریخ و تا پیش از انقلاب اسلامی بهره برداری از این ظرفیت‌های ژئوپولیتیک، در انحصار و یا اختیار غیر مستقیم قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده است. تسلط انگلستان بر سواحل جنوب و روس‌ها بر سواحل خزر، توسعه طلبی روس‌ها و تحمیل عهدنامه‌های گلستان و ترکمن‌چای و حذف بحرین از استان‌های کشور در دوره پهلوی از

“  
ایران علاوه  
بر آنکه یک  
قدرت منطقه‌ای  
به حساب  
می‌آید، کشوری  
بین‌المللی و  
حتی در برخی  
ویژگی‌ها جهانی  
است؛ یعنی  
حرکات، رفتار  
و فعالیت‌های  
آن نه تنها در  
منطقه و پیرامون  
آن خلاصه  
نمی‌شود، بلکه  
برخی از آنها  
در کل جهان  
نیز بازتاب پیدا  
می‌کنند”

با تولیدات متنوع نیز می‌تواند هم به افزایش درآمد از فروش نفت و گاز و هم تأمین امنیت خلیج فارس کمک کند. در کنار اینک که دارای اهمیت فراوانی در اقتصاد جهانی است، اکو به عنوان یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای نیز باید تقویت و کارآمد شود.

### ایران شاهراه تجارت جهانی

از نظر اقتصادی بزرگ‌ترین شاهراه‌های تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند. ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است و دسترسی ایران به سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای عمان و سواحل دریای خزر برای قدرت‌های اقتصادی جهان حائز اهمیت بسیار است و در صورتی که برخی مسیرهای ریلی و جاده‌ای تکمیل شود، ایران می‌تواند از عبور و ترانزیت کالا درآمد سرشاری داشته باشد.

به عنوان نمونه در حال حاضر دو کشور هند و چین در رقابت باهم برای جلب بازارهای مصرف جهان هستند. هند برای دستیابی به جایگاه سومین کشور جهان از نظر تولید و جلب بازارهای اوراسیا، نیازمند جاده‌های مواصلاتی است. کشورهای آسیای مرکزی و منطقه خزر دسترسی به آب‌های آزاد ندارند و از سویی هند با چین و پاکستان مشکلات جدی دارد و مسیر روسیه و دریای سیاه نیز طولانی و زمان‌بر است، بنابراین تنها ایران با جایگاه ممتاز ژئوپولیتیک خود می‌تواند مسیر ترکیبی حمل و نقل دریایی-ریلی و جاده‌ای را تکمیل نموده و کوتاه‌ترین و امن‌ترین مسیر برای انتقال محصولات باشد. بهره‌برداری از راه آهن ترانزیتی شرق دریای خزر به عنوان کریدور ریلی شمال به جنوب می‌تواند به این مهم کمک کرده و حدود ۱۰ هزار کیلومتر راه زمینی تجارت جهانی میان شرق و غرب جهان را کوتاه‌تر نماید. کریدور شمال-جنوب سواحل ایران راز سه طریق به اوراسیا وصل می‌کند.

در جنوب کشور استان سیستان دارای ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با آب‌های آزاد بین‌المللی از طریق دریای عمان و بحر مکران است که یک راه غیرقابل چشم‌پوشی برای کشورهای محصور در خشکی به شمار می‌رود. در این منطقه راه‌اندازی یک محور ترانزیتی از بندر چابهار تا آسیای میانه می‌تواند به توسعه و خودکفایی کشور و جلب منفعتی پایدار کمک کند. بندر چابهار یکی از چهارراه‌های اصلی کریدور جنوبی تجارت جهانی است که جایگاه ویژه‌ای در مبادلات بین ایران و سایر نقاط منطقه دارد و می‌تواند در صورت توسعه تجهیزات مدرن و سیستم‌های حمل و نقل و جذب سرمایه، سهم بیشتری از بازار کانتینری خلیج فارس را به ایران اختصاص دهد چرا که از موقعیت ممتاز تری نسبت به بنادر گوادر و امثال آن دارد.

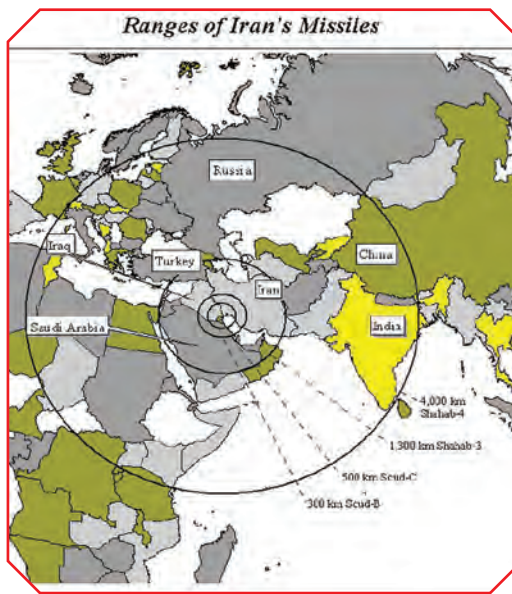
بهره‌گیری درست و حساب‌شده از ظرفیت‌های ژئوپولیتیک کشور و دستیابی به توسعه پایدار و خودکفایی کشور نیازمند برنامه‌ریزی منطقی و بلندمدت با در نظر گرفتن منافع ملی بخصوص برای نسل‌های آینده است. از آنجا که بسیاری از این ظرفیت‌ها ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای دارند تعامل دوجانبه و چندجانبه میان ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای شرط لازم بازیگری و میدان‌داری با عزت ما خواهد بود و هر گونه رفتار سیاسی که انزوای بین‌المللی و منطقه‌ای ایران را در پی داشته باشد و کشور ایران را ناامن و غیرقابل اعتماد جلوه دهد می‌تواند کشور را از بهره‌گیری اقتصادی از ظرفیت‌های ژئوپولیتیک اش محروم سازد.

نمونه‌های نفوذ در موقعیت ژئوپولیتیک ایران است. استقلال سیاسی به دست آمده پس از انقلاب اسلامی، موقعیت ژئوپولیتیک نوینی را برای ایران رقم زد. موقعیتی که در صورت بهره‌گیری درست از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی آن می‌تواند جایگاه ژئوپولیتیک کشور را ارتقا دهد.

### منابع انرژی و خودکفایی

برخورداری ایران از ذخائر عظیم نفت و گاز یکی از مزیت‌های ژئوپولیتیک است. سوق دادن درآمد فروش انرژی به سوی تولید و توسعه پایدار می‌تواند کشور را به سوی خودکفایی رهنمون کند. ذخیره بخشی از این درآمد در صندوق توسعه ملی با همین هدف، در صورتی که از دست اندازی و قانون شکنی در امان باشد، راهکاری مفید خواهد بود. از سوی دیگر قرار گرفتن خلیج فارس به عنوان منبع مهم انرژی جهان می‌تواند عواید اقتصادی بسیاری برای کشور داشته باشد. خلیج فارس بیش از ۶۰ درصد ذخایر نفت جهان و ۳۰ درصد تجارت جهانی نفت را در اختیار دارد. در سال ۲۰۰۳ کشور‌های عضو سازمان همکاری‌های صنعتی، روزانه ۱/۶ میلیون بشکه نفت یعنی ۴۶ درصدی مایحتاج نفتی خود را از این منطقه تأمین کرده‌اند. این حوزه سطح اتصال تعاملات اقتصادی هفت واحد سیاسی قدرتمند از نظر منابع انرژی با سیستم اقتصاد جهانی است و بنابراین تأمین امنیت آن اهمیت دارد. نقش بالقوه‌ی ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی جهان باعث شده است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی باشند. تقویت یک قدرت دریایی هماهنگ و متأثر از قدرت‌های دریایی دنیا در خلیج فارس، هم‌ثبات سیاسی و هم توسعه اقتصادی پایداری را برای ایران در پی خواهد داشت.

تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای کارآمد با کارکرد ویژه اقتصادی بر مبنای نفت و گاز و توسعه و تجهیز بنیان‌های اقتصادی کشورهای عضو



پیشخوان



۶۶  
از نظر اقتصادی بزرگ‌ترین شاهراه‌های تجاری جهان در دریا و خشکی یا از نزدیکی ایران می‌گذرند. ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است و دسترسی ایران به سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای عمان و سواحل قدرت‌های اقتصادی جهان حائز اهمیت بسیار است

۶

جستاری کوتاه در باب مشکلات پیش روی نیروی کار، به عنوان مهم ترین ظرفیت داخلی

# اقتصاد کارگر

مقدمه

سید فخرالدین  
فخر حسینی،  
مؤلف، دکترای  
اقتصاد و استاد  
دانشگاه آزاد  
اسلامی

نیروی کار در هر کشوری، از ظرفیت‌های بالقوه‌ای محسوب می‌شود که در سایه بالفعل کردن آن، می‌توان به خود کفایی و توسعه دست یافت. ایران امروز به لطف طرح‌های افزایش جمعیت خود در دهه‌های ۵۰ و ۶۰، از امکان فوق العاده‌ای در استفاده از این آیتم توسعه‌زا، برخوردار است؛ اما موانعی در این میان وجود دارد که مانع از بهره‌برداری مفید نیروی کار در ایران است. اولین عامل، فقدان مهارت در نیروی کار ایرانی است. آموزش در ایران، در دوره‌های پیش از تحصیلات عالی و هم‌چنین در دوران دانشگاه، مبتنی بر تئوری‌های غیرمهارتی است. این موضوع هر چند در دهه گذشته با طرح‌های ایجاد نظام‌های مهارت‌محور، چون دبیرستان‌های کار و دانش و هنرستان در مقطع پیش از دانشگاه و البته دانشگاه‌های علمی کاربردی در نظام تحصیلات عالی، روند خوبی را آغاز کرده؛ اما هنوز به علت فقدان نظام پست‌تحصیلاتی برای جذب نیروهای فارغ التحصیل این دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و هم‌چنین عدم اقبال محصلان از این طرح‌ها، به سرانجام خوبی نرسیده است. علاوه بر عامل فوق، فقدان مسئولیت‌پذیری در روحیه نسل جدید، مانع از استفاده بهینه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران صنعتی و نظام اقتصادی و صنعتی کشور از سرمایه‌گذاری در این عرصه‌ها گشته است. بنابراین مقدمه، باید دریافت که اشتغال پایدار و ارزش‌افزا که منجر به خودکفایی اقتصادی می‌گردد، در ایران موانع جدی را در مقابل خود دارد که در ادامه به تحلیل این موضوع خواهیم پرداخت.

برای دست پیدا کردن به تصویری شفاف و واقعی از رویکردهای اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی و سیاسی یک کشور، باید به تحلیل مؤلفه‌های بازار کار، مانند نرخ بیکاری، نرخ مشارکت بر حسب سطح تحصیلات، شهر و روستا، جنسیت و استان‌ها و نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار و بار تکفل و... پرداخت. لذا اعتدال در سطح جامعه، زمانی حاکم خواهد شد که تعادل در بازار کار حاصل شود. در ادبیات توسعه، یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد رفاه اجتماعی و فقرزدایی، رویکرد مبتنی بر رشد اقتصادی، اشتغال و افزایش بهره‌وری می‌باشد. اشتغال محصول یک سیستم است. هیچ‌گاه نباید انتظار داشت که یک سیاست اقتصادی بتواند اشتغال را تولید کند؛ بلکه اشتغال، محصول ترکیبی از سیاست‌ها در چارچوب یک نظام فکری و اجرایی است. بنابراین دانستن این موضوع لازم است که اشتغال محصول یا خروجی یک سیستم یا نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

شاخص توانمندی اقتصاد در ایجاد اشتغال، به عنوان شاخص کنترل‌پذیر و توانمند سیستم اقتصادی معرفی می‌شود. آمار تغییرات بازار کار و اشتغال در کشور آمریکا، به صورت هفتگی اعلام می‌شود، در حالی که در

ایران آمار تغییرات اشتغال هر سال، با یک سال تأخیر اعلام می‌گردد. از این گذشته متأسفانه در همه دولت‌های پس از جنگ، مفهوم اشتغال را با مفهوم «فرصت شغلی» اشتباه گرفته‌اند و البته این خطا، در دولت قبل شدیدتر و بدتر رخ داده است. ایجاد فرصت شغلی در اقتصاد، یعنی ایجاد کردن تعدادی جایگاه شغلی تا چند نفر مشغول به کار شوند. مثلاً با دادن تسهیلات به فردی، کارخانه تولیدی زده و از این طریق مثلاً چند هزار فرصت شغلی در زمینه مورد سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود. اما باید توجه



پیشخوان



### علل بیکاری

نمود که ممکن است همزمان کارگران یک بخش دیگر مانند کشاورزی، به دلیل واردات محصولات خارجی، از کار بیکار شوند؛ پس اشتغال بالا نرفته است. بنابراین «اشتغال» یعنی برآیند کل افزایش‌ها و کاهش‌های فرصت‌ها و تهدیدهای بازار کار اقتصاد. اشتغال کل، معیار پتانسیل اقتصادی یک کشور است. حالادقت کنیم که در هفت سال اول دولت پیشین، بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد ایران تزریق شده است. اما طبق اطلاعات منتشر شده در سایت مرکز آمار، اشتغال کل در طول سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، بین ۲۰ میلیون تا ۲۰ میلیون و پانصد هزار نفر نوسان داشته است. یعنی آماری که دولت طبق آن ادعای کند دو میلیون شغل ایجاد کرده‌ایم، اگر درست باشد، «فرصت شغلی» بوده است، نه «اشتغال». یعنی همزمان در بخش‌های دیگر، فرصت‌های شغلی در حال تخریب بوده است. بنابراین این مسئله - که با وجود تزریق پول و ارز به اقتصاد ایران، اقتصاد تکان نمی‌خورد- نشان‌دهنده کاهش کنترل‌پذیری و کاهولت آن است. اقتصاد ایران، امروز مشکل پول و نقدینگی ندارد. مهم این است که این پول‌ها به کجا می‌رود. نقدینگی کل در ایران از ۷۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴، به ۱۰۱۷ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۱۳۹۴ رسید؛ یعنی بیش از چهارده برابر. اما می‌بینیم این حجم عظیم پول، هیچ تحرکی در اقتصاد ایران ایجاد نکرده است. اینها نشانه‌های از دست رفتن کنترل‌پذیری و انعطاف‌ناپذیری اقتصاد است.

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که پیامدهای مختلفی را در زمینه‌های مختلف به دنبال دارد. به طوری که در سال‌های اخیر، به ویژه در حال حاضر، اقتصاد ایران علاوه بر معضل بیکاری، گریبان‌گیر پیامدهای آن و مشکلاتی نظیر ناامنی، فقر، ناهنجاری‌های روانی، بزه‌کاری، مهاجرت و... است. بیکاری همواره -از ابتدای انقلاب- مسئله‌ای جدی و مهم در کشور محسوب می‌شود؛ ولی با روند بسیار کند اشتغال‌زایی در سال‌های اخیر، به عنوان یکی از چالش‌های اقتصاد ایران به حساب می‌آید. در لایحه برنامه ششم توسعه که تقدیم مجلس شده است، رشد اقتصادی متوسط سالیانه ۸ درصد در سال پایانی برنامه، مورد تأکید قرار گرفته است. هم‌چنین متوسط رشد سالانه اشتغال تا پایان برنامه ششم توسعه، ۳/۹ درصد پیش‌بینی شده است. عدم کاهش نرخ بیکاری، به ویژه با عنایت به ساختار جوان جمعیت و نسبت ۷۰/۹ درصدی جمعیت بالقوه فعال اقتصادی، این فرصت طلایی را به تهدیدی امنیتی و اجتماعی برای کشور تبدیل می‌کند. از مهم‌ترین دلایل اصلی انباشت سطح بیکاری، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱. کاهش رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری کل عوامل تولید
۲. شکل‌گیری جمعیت ۳۶ میلیون نفری زیر ۲۵ سال در دهه ۷۰ و ۸۰
۳. مهاجرت از روستاها به شهرها و تشکیل دوگانگی توزیع منابع طبیعی در کل کشور و تمرکز منابع انسانی در شهرها
۴. مهاجرت ممتد نخبگان و نوآوران اقتصادی، علمی، اجتماعی و تهی‌شدن عرصه فعالیت‌ها از کارآفرینان
۵. گسترش آموزش عالی و فقدان شکل‌گیری نظام یادگیری و نوآوری در سطح ملی، مناطق و بنگاه‌ها

۶. تشنج‌ها و تنش‌های سیاسی در سطح محیط بین‌المللی و داخلی
۷. بی‌اهمیت شدن اقتصاد متکی بر تولید ملی، در مقابل اقتصاد مبتنی بر سوداگری
۸. سیاست‌های ناصحیح مالی، اعتباری و پولی سال‌های اخیر و تغییرات سریع و بی‌ثباتی آنها

### چشم انداز بازار کار در سال ۱۴۰۰

طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته از آمار و ارقام بازار کار برای سال ۱۴۰۰ در اقتصاد ایران، جمعیت فعال یا عرضه نیروی کار حدود ۳۵ میلیون نفر خواهیم داشت. برای رسیدن به جمعیت شاغل هدف‌گذاری شده بالغ بر ۳۱/۵ میلیون نفر، با فرض نرخ بیکاری ۱۰ درصد، بازار کار اقتصاد ایران نیازمند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۷ درصد در هر سال و هزینه ۸۰۰ میلیون تومان برای ایجاد هر فرصت شغلی در کشور است. براساس نظرات متخصصان و کارشناسان اقتصادی، مسیر رشد بالاتر از چهار الی پنج درصدی تولید ناخالص داخلی برای این دهه، بسیار دور از انتظار است. حال برای رسیدن به تولید و اشتغال مطلوب، میزان نرخ رشد سرمایه‌گذاری باید بیش از ۷ درصد، البته با کارآیی بالا، باشد. به اعتقاد کارشناسان اقتصادی، نرخ مشارکت منابع انسانی در فعالیتهای اقتصادی کشور، هنوز وضعیت چندان مطلوبی ندارد و بسیاری از شاغلان دارای شغل مولد و مورد انتظار نیستند و حجم زیادی از ایشان، مشاغل پاره وقت و نیمه وقت دارند. لذا تحقق رشد تولید برای اقتصاد ایران، بسیار دشوار و دور از ذهن است.

حال در جامعه‌ای که نیاز دارد برای ۵۰ درصد نیروی کار خود، در یک مدت کوتاه، شغل ایجاد کند و به ۳۵ میلیون نفر عرضه نیروی کار در سال ۱۴۰۰ برسد، چه الزامات و اقداماتی لازم است؟ با وجود وضعیت بازار کار ایران، اعمال سیاست‌های مناسب برای حل این معضل خطراً آفرین و نگران‌کننده، بسیار ضروری است. توصیه‌های سیاستی و راهکارهای مناسب برای برون رفت از وضعیت حاد کنونی و حل این مسایل را می‌توان این گونه مطرح نمود:

- افزایش سطح تولید ناخالص داخلی به عنوان بهترین علاج اشتغال
  - افزایش سرمایه‌گذاری به صورت کمی و کیفی
  - اشتغال‌زایی در مقیاس خانگی، خرد و کوچک
  - حرکت به سمت تولید در بنگاه‌های اقتصادی بزرگ مقیاس
  - ساماندهی نظام داده و اطلاعات بازار کار
  - گسترش و تقویت بخش‌های تحقیق و توسعه و گسترش نوآوری در محصول و فرآیند تولید
  - اتخاذ سیاست‌های اقتصاد کلان مؤثر، توسط دولت بر بازار کار (نظارت جدی بر امر صادرات و واردات، نرخ پایین تورم و نرخ پایین سود تسهیلات بانکی)
  - اتخاذ سیاست‌های فعال، حمایتی و تنظیم بازار کار
- می‌توان امیدوار بود که اقتصاد کشور و مسئولان اقتصادی، با درک مزایای توجه به عامل اشتغال در خودکفایی و توجه به ظرفیت داخلی، بتوانند در آینده‌ای نه چندان دور، به بهره‌برداری از سایر ظرفیتهای اقتصادی، ژئوپولوتیک و... دست یابند. برای این موضوع، شاید به صداقت در ارائه آمار دقیق و غیر فریبنده و دوری از شعارزدگی بیشتری نیاز باشد.

«  
امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که پیامدهای مختلفی را در زمینه‌های مختلف به دنبال دارد  
»



از خلال پیام حضرت آیت‌الله جوادی آملی  
به همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین

# «مال» یک ظرفیت اقتصادی داخلی، برای خود کفایی و مقاومت اقتصادی

اقتصاد مقاومتی از منظر دین در چند عنصر خلاصه می‌شود: اولادین، «مال» را معرفی کرد. ثانیاً خطر «فقر» را بازگو کرد. ثالثاً «راه تنظیم اقتصاد» را عاقلانه و عادلانه ارائه داد.

## معرفی مال توسط قرآن

عنصر اول؛ فرمود: مال، عامل قیام و قوام یک ملت است: «لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵). ملت اگر بخواهد قائم و مقاوم باشد، چاره‌ای نیست که کیف و جیبش پر باشد. ملتی که دستش تهی است، از ستون محروم است، از قیام و مقاومت طرفی نمی‌بندد. این مال است که عامل قیام یک ملت است. در همین زمینه فرمود: این ستون را نباید به دست لرزان افراد سفیه و بی‌عرضه سپرد، آن مدیر سفیه و آن مدبر لرزان، خود را نمی‌تواند تأمین کند، خود ایستادگی را فراموش کرده، چه رسد به اینکه بتواند ستون ملت و مملکتی را نگهداری کند.

مطلب بعدی؛ فرمود: مال که ستون است، باید خیمه‌ای را بر فراز خود افراشته نگه دارد که بتوان همه ملت را زیر پوشش این خیمه نگه داشت: «كَيْ لَئِيكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷، ۵۹). دولت را دولت گفتند، چون تداول می‌شود؛ این تداول و این ثروت که دست به دست هم می‌گردد، نباید در یک منحنی محدود دور بزند، باید در کل این مدار ۳۶۰ درجه بگردد؛ مثل خونی است که باید جریان داشته باشد و اگر در یک منحنی خاص بگردد، بقیه از جریان این خون محروم باشند؛ فلج هستند؛ ملت فقیر فلج است. ملتی که جیبش خالی است، کیفش خالی است، تهیدست است، بدهکار است، مدیون است، فلج است و ملت فلج، قدرت قیام ندارد، چه رسد به مقاومت.

## خطر فقر

مطلب بعدی خطر تلخ فقر است. به کسی که گداست و چیزی ندارد، نمی‌گویند «فقیر»، بلکه به او می‌گویند «فاقد»؛ یعنی مال ندارد. فقیر بر وزن «فعلیل»، به معنی مفعول است. فقیر، یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است، کسی که گرفتار حادثه تلخ «فاقره الظهر» شد - که در آیه ۲۵ سوره قیامت آمده است - این می‌شود فقیر؛ همان طوری که قتیل به معنای مقتول است، فقیر هم به معنی مفعول است؛ یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است. ملتی که جیبش خالی است،

دستش تهی است، زمین گیر است؛ البته اول «مسکین» است بعد فقیر. مسکین، یعنی گرفتار سکون و بی‌حرکتی؛ ملت تهیدست از حرکت و پویایی ایستاده است و محروم است. یک، در اثر شکسته بودن ستون فقرات، زمین گیر است و مبتلا به نشستن است. دو، از این جهت گفتند فقیر، بدتر از مسکین است. بنابراین اگر ملتی شغل نداشته باشد، بدهکار باشد، گرفتار بانک‌های ربوی باشد، این ملت هرگز قائم نیست؛ چه رسد به مقاومت، چه رسد به ایستادگی در برابر حوادث تلخ.

## پدیده چابلوسی

مطلب بعدی که قرآن کریم از این راه گوشزد می‌کند، می‌فرماید: ملتی که سفره‌اش خالی است و بدهکار است و فرزند بیکار دارد و خودش هم باز نشسته است، این ملت دهنش به چابلوسی باز است، هرگز اهل نقد نیست، هرگز اهل اعتراض نیست. در دو جای قرآن کریم از ملت تهیدست به «املاق» یاد کرده است. فرمود: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِمْلَاقٍ تَحْنُ تَرزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (اسرا: ۱۷، ۳۱)، یا «تَرزُقُكُمْ وَإِيَّاكُمْ» (انعام: ۶، ۱۵۱). در یک جا، مخاطب مقدم بر مغایب است و در یک جا مغایب مقدم بر مخاطب است. در هر دو جا، سخن از املاق است. املاق، یعنی تملق‌گویی، چابلوسی. ممکن نیست ملتی تهیدست باشد، زبانش به اعتراض و نقد و پاسخ‌گویی و مسئله‌دانی و مسئله‌خواهی و طلب‌خواهی، باز باشد. دهن ملت وقتی فقیر باشد، به چابلوسی باز است، کمر او شکسته است.

این مسئله را هم می‌دانید، ملت را با شغل و کارگری و با مزدوری اداره کردن، مکروه است. هرگز دین نمی‌خواهد ملت مز دور باشد. شما به کتاب‌های فقهی مراجعه کنید، می‌بینید این باب را مرحوم صاحب وسائل در کتاب اجاره منعقد کرد که مکروه است انسان مزدور باشد، هر کس باید برای خود کار کند، تقویت تعاونی همین‌طور است، دامداری و کشاورزی همین‌طور است. این کشوری که هزارها هکتار همسایه دیوار به دیوار دریا است، وقتی علوفه را وارد می‌کند، این ملت هرگز توان مقاومت ندارد. مدیریت منزه از سفاهت، مدیریت میرای از سفاهت، مدیریت و مدیریت میرای از اختلاس و سرقت و رشوه و رومیزی و زیرمیزی، ملت منزه از بانک ربوی - که «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا» (بقره: ۲، ۲۷۶) - این ملت صد در صد مقاوم است، صد در صد قائم است. به امید آنکه این ملت این معارف را خوب درک کند، باور کند، در خود تمرین کند و به جامعه منتقل کند؛ به امید آن روز!

“

اگر ملتی شغل  
نداشته باشد،  
بدهکار باشد،  
گرفتار بانک‌های  
ربوی باشد،  
این ملت هرگز  
قائم نیست؛ چه  
رسد به مقاومت،  
چه رسد به  
ایستادگی در  
برابر حوادث تلخ

”

منبع:

پایگاه اطلاع‌رسانی  
اسرا، ۱۸ اردیبهشت  
۱۳۹۳



پیشخوان

اقتصاد مقاومتی  
و گفتمان انقلاب

تبیین نقش صنعت در بازل اقتصاد مستقل، با تکیه بر استعدادهای داخلی

## صنعت خود کفا، خود کفایی صنعتی

با توجه به مفهوم استقلال اقتصادی، روشن می شود که دستیابی به این معنا، تنها در حرکت همه جانبه تمامی بخش های اقتصاد به صورت همزمان، امکان پذیر است. بنابراین، در دستیابی به استقلال اقتصادی، نمی توان به راهبردهای تک بعدی اکتفا نمود و مسیر توسعه اقتصاد را تنها در پیشرفت صنعت، کشاورزی یا خدمات دانست. پیشرفت و استقلال اقتصادی، تصویری است که از کنار هم قرار گرفتن قطعات پازل بخش های اقتصادی نمایان می شود.

نوشته حاضر قصد دارد به نقش صنعت در دستیابی به استقلال اقتصادی بپردازد. بخش صنعت، نقش پویایی را در پیشرفت اقتصادی و دستیابی به استقلال اقتصادی ایفا می کند و در برخی راهبردهای توسعه، به عنوان موتور محرک به حساب می آید. بخش صنعت، می تواند فرصت های شغلی بیشتری را در اختیار اقتصاد قرار دهد و پشتیبان سایر بخش ها، هم چون کشاورزی باشد؛ بدون صنعت پیشرفته، امکان پیشرفت کشاورزی وجود ندارد. بازدهی بالا و انباشت سرمایه، از دیگر مزایای بخش صنعت می باشد. با این حال در توجه به بخش صنعت می بایست نکاتی را مدنظر قرار داد:

۱. همان گونه که عنوان شد مقوله پیشرفت، یک مقوله همه جانبه است

یک نظام مستقل زمانی می تواند ایجاد گردد و به حیات خود ادامه دهد که زیر نظام های آن، از جمله اقتصاد، سیاست و فرهنگ هم مستقل باشد. به عبارت دیگر، اقتصاد مستقل لازمه حیات یک نظام مستقل است و بدون اقتصاد مستقل،

سعید مهدوی وفا،  
طالعه حوزه علمیة قم  
و دانشجوی دکتری  
اقتصاد

امکان بروز یا دوام یک نظام مستقل وجود ندارد.

مفهوم استقلال اقتصادی را می توان با دو معیار روشن ساخت: نخست آنکه اقتصاد بتواند تا حد امکان، نیازهای اساسی خود را تأمین نماید و دوم آنکه در تعاملات اقتصادی، به اندازه های بزرگ باشد که به راحتی نتوان آن را نادیده انگاشت و حذف آن هزینه قابل توجهی را برای حذف کنندگان به همراه داشته باشد.

اگر اقتصادی نتواند نیازهای اساسی خود را تأمین کند، بسیار ضربه پذیر خواهد شد و قطعاً نمی توان آن را به صفت استقلال متصف نمود. از سوی دیگر، اگر به اندازه کافی در تعاملات اقتصادی قابل توجه نباشد، ضربه پذیر خواهد بود و به راحتی دست خوش نوسانات می شود، حتی در صورتی که بتواند نیازهای اساسی خود را تأمین نماید؛ چراکه نیازهای یک اقتصاد، محدود به نیازهای اساسی نیست.

“  
طراحی و  
پیاپی سازی  
پیشرفت  
صنعتی در پازل  
اقتصاد مستقل،  
می بایست در  
چارچوب مبانی  
نظام اسلامی  
و به طور کلی  
در قالب الگوی  
اسلامی ایرانی  
پیشرفت صورت  
گیرد تا بتواند  
نقش خود را به  
خوبی ایفا کند  
”



مدیریت بر امکانات در جامعه دینی

# ابزار تحقق مقاومت اقتصادی

مقدمه

محمد حسین  
باقری فرد  
نویسنده و دانشجو  
دکتری مدیریت دولتی

انقلاب اسلامی ایران، سر آغاز فصلی نو در تحقق مدینه فاضله دینی محسوب می شود. از این رو با تدبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب، دهه چهارم انقلاب، به عنوان «دهه پیشرفت و

عدالت» نامگذاری شد. اما در سال های اخیر و به موازات افزایش تحریم های اقتصادی، موضوع «اقتصاد مقاومتی» به عنوان راهبرد اصلی نظام، جهت تحقق پیشرفت و عدالت معرفی شده است. بی تردید یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، امکانات و توانمندی هایی است که به عنوان موتور محرکه پیشرفت محسوب می گردد. لذا مدیریت صحیح امکانات، نقش اساسی در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می کند. اما مدیریت بر امکانات چیست و ابعاد آن کدام است؟

## رویکردهای مدیریت بر امکانات

مدیریت بر امکانات را از دو بعد یا رویکرد می توان تحلیل نمود: رویکرد اقتصادی و رویکرد فرهنگی.

### الف. رویکرد اقتصادی

رویکرد اقتصادی، به مدیریت امکانات، همان طور که از نام آن پیداست، در قالب مفاهیم اقتصادی فهم می شود. مفاهیمی مانند کارایی، اثربخشی و بهره‌وری. «کارایی» به معنای استفاده بهینه از امکانات است. بهینه استفاده نمودن از امکانات، حداقل در دو معنا قابل بررسی است: معنای حسابداری و معنای مدیریتی. در معنای حسابداری آن؛ یعنی به گونه‌ای از امکانات استفاده کنیم که نسبت هزینه به فائده آن، حداقل شود. به عبارت دیگر حداقل هزینه به سیستم بار گردد. در مفهوم مدیریتی، کارایی به معنای جایابی بهینه امکانات است. به عنوان مثال اینکه نباید امکانات در استان های مرکزی کشور متمرکز باشد؛ بلکه باید به طور عادلانه در کل کشور توزیع شود. با امکانات مازاد بر نیاز یک منطقه، به منطقه دیگری که نیاز دارد، منتقل گردد. یا در نگهداری از امکانات، ویژگی های جغرافیایی هر منطقه، مدنظر قرار گیرد. مسائلی از این دست، مبین مفهوم مدیریتی کارایی است. بعد دیگر اقتصادی مدیریت بر امکانات، «اثربخشی» است. اثربخشی برخلاف کارایی، بر خود امکانات و بهینه استفاده نمودن از آن متمرکز نیست؛ بلکه دغدغه تحقق هدف یا اهداف به کارگیری امکانات را دارد. به عنوان مثال، فرض کنید که دولت اقدام به راه اندازی کارخانه‌ای با ماشین آلات تولیدی پیشرفته نماید، اگر دولت این ماشین آلات را با حداقل هزینه و بهترین کیفیت تهیه نماید، می گوئیم به صورت کار آ عمل نموده است. در صورتی که نوع ماشین آلاتی که تهیه می شود در زمینه‌ای باشد که هدف، یعنی کاهش نرخ بیکاری را نیز محقق کند، می گوئیم این اقدام دولت اثربخش نیز بوده است؛ چرا که ممکن است یک ماشین کار انسان را به

و توجه به یک بخش، نباید سبب غفلت از سایر بخش ها گردد. بنابراین، توجه به بخش صنعت، نباید موجب نادیده انگاشتن پیشرفت در سایر بخش ها گردد.

۲. اگرچه پیشرفت در بخش صنعت در ابتدای راه، می تواند از طریق واردات ماشین آلات و خطوط تولید صورت گیرد، ولی با توجه به پویایی این بخش، ادامه آن از این مسیر امکان پذیر نیست. پیشرفت صنعتی، نیازمند موتور محرکی است که پیوسته این بخش را پیشران و بالنده نگاه دارد؛ علم و فناوری، موتور محرک بخش صنعت است. توجه و تأکید به اقتصاد دانش بنیان از سوی مقام معظم رهبری و درج آن در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، ناظر به همین بحث است. در واقع تکیه بر توان داخلی و جوش پیشرفت صنعتی از درون را، می توان شاه بیت بحث اقتصاد دانش بنیان و توجه به آن در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی دانست.

۳. در نگاه به بخش صنعت در پازل اقتصاد مستقل، می بایست به پیوسته های فرهنگی و تمدنی آن توجه ویژه داشت. صنعت و تکنولوژی، یک صورت ظاهری نیست؛ بلکه به همراه خود، عقیده فرهنگی و تمدنی خود را به دنبال دارد. توسعه به شکل و مفهوم امروزی آن، مسیر به ظاهر تکاملی را طی کرده و از نگاه تک بُعدی رشد اقتصادی، به نگاه به سایر ابعاد هم چون آموزش، بهداشت، آزادی و... رسیده است. با این حال باید توجه کرد این توسعه بر مبنای لیبرالیسم و نگاه تک بُعدی به انسان شکل گرفته است. روشن است که چنین نگاهی در تمامی بخش های نظام، از جمله اقتصاد و صنعت رسوخ کرده و مسیر اقتصاد و صنعت را با نگاه خاص خود، ریل گذاری می کند؛ نگاهی که الزاماً مورد قبول نظام اسلامی و مبانی برگرفته از آن نیست. انسان در نظام اسلامی، دارای دو بُعد مادی و معنوی است که همزمان باید مورد توجه قرار گیرد. تغییر در نگرش به انسان، به عنوان محور توسعه و پیشرفت، الگوها، راهبردها و راهکارهای متفاوتی را به همراه دارد.

طراحی و پیاده سازی پیشرفت صنعتی در پازل اقتصاد مستقل، می بایست در چارچوب مبانی نظام اسلامی و به طور کلی در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صورت گیرد تا بتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند.

۴. بخش صنعت، زمانی می تواند نقش خود را در پازل اقتصاد مستقل ایفا کند که مورد حمایت قرار گیرد. چرا که تولیدات چنین بخشی، به علت نوپا بودن، قابل مقایسه با سایر رقبا نیست. این نوشته در مقام احصای سیاست های حمایتی نیست؛ اما دو نکته را در این بحث حائز اهمیت می داند: نخست آنکه حمایت از بخش صنعت باید هدفمند و زمان دار باشد. حمایت بدون هدف در بخش خودرو، گویای لزوم توجه به این نکته است. دوم آنکه نقش بخش مصرف در حمایت از صنعت، نقش پررنگی است. اهتمام به مصرف کالاهای تولید داخل، راهکار بسیار مؤثری در بالندگی بخش صنعت است. تأکیدات فراوان مقام معظم رهبری بر مصرف کالاهای تولید داخل، ناظر به همین بحث است که متأسفانه پیگیری جدی از سوی مسئولین و بالطبع مصرف کنندگان صورت نگرفته است. به عنوان مثال پس از گذشت چندین سال از بیان چنین راهکاری از سوی معظم له، هنوز مباحث ابتدایی، هم چون مفهوم «کالای تولید داخل»، دچار ابهام است و حتی کسانی که مقید به پیروی از این راهکار هستند، در شناخت کالای تولید داخل دچار مشکل اند. این بحث نشان می دهد که عزم جدی در این بخش وجود ندارد.

“  
انسان در نظام  
اسلامی، دارای  
دو بُعد مادی و  
معنوی است که  
همزمان باید  
مورد توجه قرار  
گیرد  
”

منجر می‌شود. به طور مثال در آیات و روایات بدین موارد اشاره شده است: تأثیر نماز به ویژه نماز جماعت در مسجد (به عنوان یک عمل کم زحمت) در کاهش فحشا و منکر، معرفی صدقه (به عنوان یک عمل کم هزینه) به عنوان عامل افزایش روزی، تأکید بر صلۀ ارحام (به عنوان یک اقدام معمولی) در افزایش عمر و ثروت، معرفی نتیجه زکات (به عنوان عملی که موجب کاهش درآمد است) در افزایش ثروت، فوائد بسیار زیاد اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و... امر به معروف و نهی از منکر و بسیاری از آموزه‌های دیگر دین که تمامی آنها در یک چیز مشترک هستند: «دستیابی به نتایج شگرف در اثر عمل به یک آموزه دینی به ظاهر کم زحمت» و این یعنی ویژگی اهرمی دین.

اما ویژگی هوشمندی، بدین معناست که عمل به آنها، خود رهنمون اقدامات و تدابیر بعدی است که شاید در قدم اول به ذهن متبادر نشود. چنانچه قرآن کریم در آیه ۶۹ سوره مبارکه عنکبوت می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» یعنی تبعیت از آموزه‌های دین، چراغ راه هدایت و پیمودن ادامه مسیر است. برای روشن تر شدن این ویژگی، بیان این مثال واقعی بی‌فائده نخواهد بود. مسجد صنعتگران مشهد، یکی از مساجد بسیار موفق در حوزه فعالیت‌های فرهنگی و جذب جوانان به مسجد است (در مقایسه با وضعیت فعلی اکثر مساجد کشور که توفیق چندانی در این خصوص ندارند). راز موفقیت این مسجد، پیاده‌سازی پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین تئوری‌ها و مدل‌های رفتاری و جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی نیست؛ بلکه علت اصلی پیشرفت شگفت‌آور آنها بسیار ساده بود: عمل به سنت‌های مسجد؛ سنت‌ها و آموزه‌هایی مانند: طول ندادن نماز، پر کردن صفوف اول نماز، زود آمدن امام جماعت و دیر رفتن از مسجد و... نکته جالب‌تر اینکه اگر مسجد در آموزه‌های دینی دارای مثلاً سنت یا آداب باشد، اعضای این مسجد، پنج سنت آن را آگاهانه عمل کردند؛ یعنی آگاهی داشتند که در روایات بدان‌ها اشاره شده است. پنج سنت دیگر رانمی دانستند که جزء آداب مسجد است؛ اما بدان عمل می‌کردند. یعنی عمل به برخی آموزه‌های دینی آنها را به سمت دیگر آموزه‌های دینی هدایت نموده است.

بر این اساس، رویکرد فرهنگی به مدیریت امکانات، یعنی امکانات و ظرفیت‌هایی که در جامعه دینی خاصیت پیش‌برندگی دارند، شناسایی شده و نقش محوری در برنامه‌ریزی‌ها ایفا کنند. این پیشران‌ها، در متن آموزه‌های دینی نهفته‌اند و دارای دو ویژگی اهرمی و هوشمندی هستند.

بهترین شیوه انجام دهد که در نتیجه باعث حذف کارگران از خط تولید شود. باید به این موضوع تأکید کرد که ورود ماشین برای بالا بردن بهره‌وری، اگر منجر به بیکاری گردد، اگر چه ممکن است بهره‌وری اقتصادی را به دنبال داشته باشد، اما قطعاً موجب افزایش بهره‌وری اجتماعی نخواهد شد. پس اثربخشی مدیریت بر امکانات، حضور ماشین بدون افزایش بیکاری نیروی انسانی است.

اما شاخص «بهره‌وری» به عنوان بعد سوم رویکرد اقتصادی به مدیریت امکانات، از جمع‌کاری و اثربخشی حاصل می‌گردد. در بسیاری از اوقات، حفظ کارآیی ممکن است منجر به کاهش اثربخشی شود و بالعکس. این موضوع را می‌توان به خوبی در مثال قبلی مشاهده نمود. چراکه به هر میزان که از تکنولوژی پیشرفته‌تری استفاده شود، منطق اقتصادی حکم می‌کند برای کاهش هزینه‌ها، نیروی انسانی بیشتری تعدیل گردد. لذا باید بتوان توازن منطقی صحیحی میان کارآیی و اثربخشی ایجاد نمود. بر این مبنا هر میزان که این توازن بیشتر باشد، بهره‌وری بیشتری حاصل خواهد شد.

### ب: رویکرد فرهنگی

علاوه بر رویکرد اقتصادی، مدیریت بر امکانات را از بعد فرهنگی نیز می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در رویکرد اقتصادی، واژه «امکانات» عمدتاً در معنای فیزیکی و مادی آن به کار برده می‌شود. اما در رویکرد فرهنگی، فراتر از تجهیزات فیزیکی، ظرفیت‌ها، نهادها و توانمندی‌های کشور نیز نوعی از امکانات در جهت پیشرفت محسوب می‌شوند. این امکانات فرهنگی مورد تأکید آموزه‌های دینی نیز می‌باشند؛ هم تأکید کمی و هم تأکید کیفی. یعنی یا در موارد متعدد بدانها اشاره شده یا مزایا و فوائد بسیاری برای آنها ذکر شده است. این رویکرد، بر خلاف رویکردی است که معتقد است در مسیر رشد و پیشرفت، دین و آموزه‌های دینی حداکثر خطوط قرمز را مشخص می‌کنند و لذا اگر موضوعی یا روشی یا نهادی یا امکاناتی مغایرتی با دین نداشت و از خطوط قرمز تجاوز ننمود، مشروع خواهد بود. در حالی که دین صرفاً چارچوب‌های کلی و خطوط قرمز را مشخص نمی‌کند؛ بلکه آموزه‌های دینی ویژگی پیش‌برندگی دارند. یعنی به عنوان پیشران‌های جامعه دینی محسوب می‌شوند. پیش‌برندگی این دسته از آموزه‌های دینی، ناشی از دو ویژگی آنهاست: ویژگی اهرمی و ویژگی هوشمندی. کارویژه اهرم این است که با صرف توان و انرژی کم، نتیجه بزرگی به دست می‌آید. عوامل پیش‌برنده نیز همانند اهرم عمل می‌کنند. یعنی عمل به آنها، زحمت و هزینه چندانی نخواهد داشت؛ اما به نتایج شگرفی



پیشخوان



تبعیت از آموزه‌های دین، چراغ راه هدایت و پیمودن ادامه مسیر است

۶



نگاهی به فعالیت شرکت اسلامییه در دوره قاجار

## مقاومت اقتصادی در مسجد

### مقدمه

مهدی رزاقی  
طالقانی، نویسنده  
و کارشناس ارشد  
تاریخ ایران دوره  
اسلامی

از شنیده شدن صدای مهیب گام‌های تمدن غرب در جوامع اسلامی، تا اولین واکنش‌های این جوامع - که همان بیداری اسلامی بود، زمان نسبتاً زیادی از دست رفت. واکنش‌هایی که اگر زودتر صورت می‌پذیرفت، شاید امروز نگاه و جهان‌بینی افراد زیادی از جامعه به مسائل پیرامون غرب، نوع و جنس دیگری داشت. ورود غرب به جامعه ایران با مظاهر مادی‌اش خود را نشان داده بود و مادی‌گرایی و مصرف‌زدگی که گام‌های فکری تمدن نوظهور بودند، در ادامه صورت پذیرفت. مظاهر مادی غرب که با اختراع ماشین و انقلاب صنعتی و تولید انبوه، در حال بلعیدن صنایع کوچک دستی جهان بود، هنگامی که وارد ایران شد، منجر به بیکاری و رکود اقتصاد داخلی شد و به تدریج استقلال مالی کشور را از میان برد. دیگر از لباس و کلاه مردم عادی بگیر تا حتی مواد غذایی مردمان از خارج وارد می‌شد و این استقلال سیاسی کشور را هم دچار تزلزل ساخته بود. اتحاد بازار و روحانیت در چنین شرایطی شکل گرفت؛ اتحادی که موجبات ایجاد تشکل‌های رسمی و بعضاً - با توجه به اختناق موجود - غیر رسمی و زیرزمینی فراهم کرد.

از جمله این تشکیلات، «شرکت اسلامییه» بود که توسط حاج آقا نورالله اصفهانی و آقا نجفی اصفهانی و میرزا ابوالقاسم شیرازی و تعدادی از تجار و بازرگانان شهرهای اصفهان و شیراز، در سال ۱۲۷۸ ه. ش. طرح ریزی شد و نمونه منحصر به فردی از الگوی مقاومت و بیداری اسلامی و ملی آن دوران را به نمایش گذاشت.

### الف. دغدغه‌های آغاز

در سال‌های هجوم کالاهای فرنگی به کشور و در برابر سیل از خودبیکانگی فکری و پوششی، تعداد زیادی از صنایع کوچک

منسوجات کشور، به تعطیلی گرائید و محصول بیکاری و یأس ناشی از آن، جامعه را فرا گرفت؛ اما در چشمان تیزبین علما و تجار اصفهان و به خصوص حاج آقا نورالله نجفی (از علمای اصفهان) معضلی بزرگ‌تر یقاً جامعه را گرفته بود و آن وابستگی و نتیجتاً از خودبیکانگی مردم مسلمان بود. جرقه کار از یک اعلامیه آغاز شد که مفاد آن هشدار دهنده هم بود:

۱. از استعمال پارچه‌های خارجی و فرنگی حتی المقدور خودداری شود.
  ۲. علما و طلاب لباس و عمامه خود را از پارچه‌های بافت ایران تهیه کنند و مانیز خود چنین می‌کنیم.
- با این فضا سازی فرهنگی که بی‌گمان عیار جامعه را برای اقدامات بزرگ‌تر نشان می‌داد، شرکت اسلامییه در سال ۱۳۱۶ ه. ق. (۱۲۷۸ ه. ش.) در قالب یک تشکل منسجم اقتصادی - فرهنگی آماده تأسیس می‌شود.

### ب. هدف گذاری با ایدئولوژی مشترک اسلامی - ملی

مؤسسان و سهامداران شرکت اسلامییه، اهداف زیر را که از نظام عقیدتی اسلامی - ملی ایشان نشأت می‌گرفت را به عنوان اهداف اصلی شرکت منتشر کردند، که به نظر می‌رسد حتی چیزی بیشتر از اهداف بود و در حقیقت شامل آرمان‌ها و دغدغه‌های وجودی تشکیلات شرکت اسلامییه می‌شد:

- ایجاد یک شرکت برای حمایت از مشاغل داخلی.
- نظام بخشیدن به رشته گسیخته تجارت داخله ایران.
- رهایی از مصرف‌گرایی و استفاده از کالاهای خارجی.
- جلوگیری از خروج ثروت از ایران در مقابل ورود کالاهای مصرفی.
- جلوگیری از احتکار و بازار سیاه و ایجاد اشتغال برای جوانان ایرانی.

### ج. اساسنامه

“  
شرکت اسلامییه  
که به مدد اهداف  
درست تبیین  
شده و دقیق  
خود و فعالیت  
هوشمندانه  
مؤسسان، حالا  
نامی برای خود  
دست و پا کرده  
بود، در مراسمی  
که توسط ملک  
المتکلمین و با  
حضور هزار نفر از  
روحانیون معروف  
و رجال دولت  
و تجار معتبر و  
مالکین برگزار  
شد، آغاز به کار  
کرد  
”



- شرکت اسلامی در گام ابتدایی به تنظیم و ارائه اساسنامه می پردازد و شفاف، اهداف و خطوط خود را در عرصه های گوناگون نشان می دهد:
۱. دسترسی به سود بیشتر اقتصادی از طریق راه اندازی شرکت،
  ۲. خروج از ذلت احتیاج به امتعه خارجی،
  ۳. تثبیت و تقویت هر چه بیشتر تجارت داخله در برابر تجارت خارجه،
  ۴. جلوگیری از خروج ثروت داخلی به خارج از کشور در مقابل ورود کالاهای مصرفی،
  ۵. جلوگیری از مهاجرت نسل های آینده به خارج از کشور برای مزدوری و کارگری نزد بیگانگان و ایجاد اشتغال برای جوانان ایرانی،
  ۶. تسهیل در امر معیشت مردم، به علت ارزان تر بودن منسوجات و ماکولات داخلی نسبت نوع خارجی آنها،
  ۷. ارائه الگوی تجاری برای آینده ملت و دولت،
  ۸. ایجاد یک شرکت برای حمایت از مشاغل داخلی،
  ۹. نظام بخشیدن به رشته گسیخته تجارت داخله ایران،
  ۱۰. آبادی وطن و شکوفایی و رونق صنایع،
  ۱۱. راهایی از مصرف گرایی و استفاده از کالاهای خارجی،
  ۱۲. ایجاد راه های شوسه و آهن برای سهولت در حمل و نقل،
  ۱۳. جلوگیری از احتکار و بازار سیاه.

**د. جلب مشارکت اجتماعی بر مبنای اخوت ایمانی**

در نظامنامه شرکت اسلامی، برای معرفی مؤسسين آن آمده است که «تجدید اخوت و عقد شراکتی» بین علما، امراء، تجار و کسبه، از خواص و عوام است و بر همین اساس زمینه سازی برای جلب مشارکت اجتماعی را مؤسسان شرکت با جلب نظر علماء عظام در قالب نامه های سرگشاده حمایتی آنها، آغاز کردند و این فعالیت را تا تریغ مردم در مساجد به خرید کالای داخلی و تحریم کالای خارجی توسط روحانیون و مراجع در ماه مبارک رمضان همان سال، ادامه دادند. جلب حمایت علما تا جایی پیش رفت که آخوند خراسانی به نیابت از مراجع وقت و حاج آقا نورالله نجفی و... نامه ای خطاب به مظفرالدین شاه نوشت و خواستار پشتیبانی وی از این کارخانه شدند. «چه بسیار شایسته است که اعلی حضرت شاهنشاه اسلامیان پناه، بذل مراجع ملوکانه در مشیت این شرکت اسلامی که خشنودی حضرت امام عصر - ارواح العالمین له الفداء - و ترویج ملت بیضاء و تقویت دولت عظمی... است، خواهند فرمود. خود آن وجود اقدس در لبس البسه مصنوعه اسلامیة مقدم و به صدور امر ملوکانه در مساعدت این مطلب

مهم، وزرای عظام و اولیای فخام دولت ابد مدت را مفتخر فرمایند. و بر عموم رعایا و قاطبه مسلمین لازم است به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» تأسی و متابعت نمایند و خلع لباس ذلت را از خود بلبس لباس عزت البسه اسلامیة صاحب شرع را خشنود دارند.

کهن جامه خویش پیراستن

به از جامه عاریت خواستن.»

و سید جمال الدین واعظ کتابی به نام «لباس التقوا» در دفاع از راه اندازی این شرکت نگاشت که مهر بسیاری از علما، چون سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و دیگران بر آن خورد.

شرکت اسلامیة شاید اولین شرکت سهامی عام در تاریخ ایران بود که در ابتدای فعالیت خود، یک کرور تومان سهام که به ۵۰ هزار سهم ۱۰ تومانی تقسیم شده بود، آماده کرد و با فروش آن به مردم، سرمایه اولیه خود را در اندک زمانی به ۱۵۰ هزار تومان رسانید و این در حقیقت سرمایه اولیه شرکت به شمار می رفت.

**آغاز به کار**

شرکت که به مدد اهداف درست تبیین شده و دقیق خود و فعالیت هوشمندانه مؤسسان، حالانامی برای خود دست و پا کرده بود، در مراسمی که توسط ملک المتکلمین و با حضور هزار نفر از روحانیون معروف و رجال دولت و تجار معتبر و ملاکین برگزار شد، آغاز به کار کرد. از نکات جالب توجه در این مراسم، سخنرانی جالب توجه بسیاری از علما و بازرگانان در دفاع از تولید داخلی و البته فروش ۹۰۰ هزار تومان سهام شرکت اسلامیة بود.<sup>(۱)</sup>

**گسترش**

با این پیش زمینه ها، شرکت در مدتی کوتاه فعالیت های خود را گسترش داد و به جز تهران، در نوزده شهر مهم دیگر ایران هم و کلابی از طرف شرکت اسلامیة معرفی شدند و نمایندگی هایی تأسیس شد. افزون بر داخل مملکت، در کشورهای انگلستان، هندوستان، عثمانی و روسیه نمایندگی هایی ایجاد شد که عموماً به وسیله تجار ایرانی، به ویژه اصفهانی، اداره می شد.<sup>(۲)</sup> گزارش روزنامه های آن زمان، حاکی از سودده بودن شرکت است. روزنامه «حبل المتین» در این باره می نویسد: «معلوم و محقق شده است که در این مدت قلیله، این شرکت سود معتابه و منفعت قابلی به شرکاء بخشیده است.»

توجه اعضای اجرایی شرکت اسلامیة به امر تبلیغات، بسیار حائز اهمیت است. مقاله های متعددی در روزنامه های پرورش، ثریا، حکمت و حبل المتین به چاپ رسید و روزنامه های ایران، اطلاع و تربیت در



پیشخوان



تهران، ادب در خراسان و کمال در تبریز نیز مطالبی درباره این شرکت برای اطلاع خوانندگان خود می‌نگاشتند.

«شرکت اسلامیة اصفهان، روز به روز در ترقی است. اهالی اصفهان گویا از خواب بیدار شده باشند و علت بیداری تمام اهل ایران شوند! کمپانی دیگری نیز موسوم به محمودیه دایر شده. امید است عمّاقرب، صدها کمپانی در اصفهان دایر شود و رفع احتیاجات ملیّه از خارجه شود. از جانب انجمن معارف طهران، درصدد افتتاح مدارس در اصفهان نیز می‌باشند. این شاءالله عمّاقرب مدارس ملیّه نیز افتتاح خواهد شد. کم کم رفع تمام نقایص ملت خواهد گردید. اینها را از اثر کلمات علمای اعلام باید دانست. این شاءالله زیاده بر این اثر خواهد بخشید.»

علاوه بر این، شرکت اسلامیة با چاپ کتابچه‌ای که قواعد و اهداف شرکت را در آن نگاشته و به رایگان در اختیار مشترکین قرار می‌داد، سعی کرد تا مردم را با شیوه کار کمپانی آشنا کند.

#### دامنة نفوذ

روزنامه حبل‌المتین از دامنة نفوذ شرکت اسلامیة تا به مدارس علمیه، این گونه خبر می‌دهد: «لباسی که مدرسه به شاگردان می‌دهد، سالی دو لبادۀ زمستانی و تابستانی و عمامه و یک کلاه و زیر عمامه و دو جفت پافزار. و تمام این اجناس باید ساخت داخل ایران باشد. لباده‌هایی که به شاگردان داده می‌شود، همه از شرکت اسلامیة هستند. این لباس را شاگردانی دوخته‌اند که در مدرسه، خیاطی آموخته‌اند و عمامه هم دوخت اصفهان است. اگر مدرسه بیشتر توانایی پیدا کند، پیراهن و شلوار هم برای شاگردان دوخته می‌شود.»<sup>(۳)</sup>

#### مخالفت‌ها

چنین حجم فعالیت، تبلیغات و موفقیت، قطعاً در آن سال‌های شوم وابستگی، با مخالفت‌هایی نیز همراه بود که نامه سفیر انگلستان در تهران، مؤید چنین مطلبی است:

«از قرار اطلاعاتی که از اصفهان می‌رسد، علمای آنجا بر ضد تجارت خارجه می‌باشند. علمای مزبور نه به ملاحظه تعصب مذهبی، بلکه صرفه شخصی به معیت بعضی رؤسای تجار که در شرکت اسلامیة شریک می‌باشند، سعی بلیغ در فروش امتعه خود و رد مال التجارة خارجه دارند... بلکه در مساجد و سایر نقاط علنا می‌گویند که مردم نباید امتعه خارجه را بخرند.»<sup>(۴)</sup>

آدرس اشتباهی که سفیر در این نامه می‌دهد را می‌توان به حجم موفقیت شرکت اسلامیة و توفیق علما در تغییر فضای ذهنی آن دوره مرتبط دانست.

#### نتیجه

شرکت اسلامیة در روند آینده خود در برابر مخالفت‌های داخلی، چون عدم همکاری دولت و فقدان توان رقابتی با سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و دلایلی از این دست، شکست خورد؛ اما همان طور که گفته شد، به توفیق‌های نسبی در مفاهیمی چون استقلال اقتصادی، ایجاد اشتغال و حفظ عزت و شرافت ملی و اسلامی در جامعه، دست یافت که می‌تواند برای امروز، نمونه‌ای موفق در تلاش برای مقاوم نمودن اقتصاد جامعه اسلامی به شمار آید.

#### بیانیه علمی

### اصفهان در ۱۱۴ سال قبل، در اجرای اقتصاد مقاومتی و خود تحریمی مصرف کالاهای خارجی (۱)

## خود تحریمی برای مقاومت

این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن‌الملک، متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهما ممکن بعد ذلک تخلف ننماییم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً قبالحاجات و احکام شرعیّه از شنبه به بعد، روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیآورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضای نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم؛ ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه‌های دیگر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن میت، ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوة بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند. ثالثاً ملبوس مردانه جدید، که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهما ممکن، هر چه بدلی در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوج نماییم و منسوج غیر ایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از منسوج ایرانی بنماییم. تابعین ماها نیز کذلک و متخلف، توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده و داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً مهمانی‌ها بعد ذلک - ولو اعیانی باشد - چه عامه و چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک خورش و یک افشوره. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، ماها را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌نماییم. هر چه کمتر و مختصر تر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم؛ زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»، «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و حدیث «لا ضرر و لا ضرار»، ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده است. بعد از این، هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگریم.

امضای آقایان کرام و علماء فخام کثرالله امثالهم:

۱. ثقة الاسلام آقای حاج آقا نورالله، ۲. حسین بن جعفر الفشارکی، ۳. حجة الاسلام آقاجنقی، ۴. شیخ مرتضی اژه، ۵. آقا میرزا محمد تقی مدرس، ۶. حاجی سید محمد باقر بروجردی، ۷. آقا میرزا علی محمد، ۸. حاجی میرزا محمد مهدی جویبار، ۹. سید ابوالقاسم دهکردی، ۱۰. حاجی سید ابوالقاسم زنجانی، ۱۱. آقا محمد جواد قزوینی، ۱۲. سید محمد رضا شهیر به آقا میرزای مسجدشاهی، ۱۳. حاجی آقا حسین بیدآبادی.

۶۶

شرکت اسلامیة

در روند آینده

خود در برابر

مخالفت‌های

داخلی، چون

عدم همکاری

دولت و فقدان

توان رقابتی با

سرمایه‌گذاری

شرکت‌های

خارجی و دلایلی

از این دست،

شکست خورد؛ اما

همان طور که گفته

شد، به توفیق‌های

نسبی در مفاهیمی

چون استقلال

اقتصادی، ایجاد

اشتغال و حفظ

عزت و شرافت

ملی و اسلامی

در جامعه، دست

یافت

۶

#### پی‌نوشت:

- ۱) منتشر شده در روزنامه حبل‌المتین کلکته، سال چهاردهم، شماره ۲، جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق؛ در تاریخ ۱۲ جمادی‌الأول ۱۳۲۴ به امضار رسیده است.

برجام، باید توسط کارشناسان مورد ارزیابی قرار گیرد و تحلیل شود. یادداشت پیش رو، به برجام و مسایل پیرامون آن در موقعیت فعلی می پردازد و جهت گیری آن در آینده را تحلیل می نماید.

برجام اگرچه یک توافق جامع و کامل نبوده و نیست، اما مشخصاً فرصت مذاکره سرسختانه دیپلماتیک و راستی آزمایی قدرت های جهانی را در سیاست های هسته ای، فراهم آورده است که فرجام آن، با توجه به مواضع جدید

تمدید تحریم هادر سیاست خارجی آمریکا و چالش های فراروی برجام

## فرجام برجام چیست؟

نفتی و مسیرهای انتقال آن به غرب.

با توجه به موارد فوق، مشخص می شود اهداف آمریکا، فراتر از بحث هسته ای است و آمریکا از مذاکرات برجام، برنامه فراگیر و جامعی را مورد هدف داشت. از سوی دیگر، در فرایند مذاکرات مشاهده شد که عربستان و اسرائیل، به شدت نگران پیامدهای برجام بودند و سرانجام عربستان، متعاقب حادثه منا، روابط خود با ایران را قطع کرد. رژیم صهیونیستی نیز از ابتدای انقلاب با ایران تعارض دارد؛ زیرا از منظر ایران، یک دولت اشغال گر و نامشروع است و جایگاهی در منطقه ندارد. آمریکا همواره تمام توان خود را برای حفظ رژیم صهیونیستی و عربستان به کار گرفته است؛ اعمال تحریم های اقتصادی و نظامی علیه ایران، ایجاد نیروهای واکنش سریع در منطقه با تعداد ۴۰۰ هزار نیرو، تحمیل جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، فروش تسلیحات پیشرفته از جمله هواپیماهای پیشرفته آواکس به عربستان، تأسیس شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با انقلاب و مهار قدرت ایران بود.

### ۳. تمدید قانون داماتو و نقض برجام

قانون داماتو، بخشی از تحریم های آمریکا علیه ایران است که تاریخ آن در سال ۲۰۱۶ به پایان می رسد. این قانون از آنجا نقض برجام است که آمریکا نمی تواند تحریم های جدید علیه ایران وضع نماید. به علاوه این قانون، دارای جنبه فراسرزمینی است که ابعاد آن را به شرکت های آمریکایی محدود نمی سازد. سابقه قانون داماتو، به تحریم های آمریکا علیه ایران در زمان کلینتون با دستورالعمل اجرایی ۱۲۹۵۷ در پانزده مارس ۱۹۹۵ برمی گردد که بر اساس آن، هرگونه سرمایه گذاری شرکت های آمریکایی در بخش نفت ایران، متوقف می شد. این دستور عمل زمانی صادر شد که شرکت آمریکایی کنوکو، در آستانه انعقاد قرارداد مربوط به توسعه نفتی جزایر سیریر با ایران بود و این امر، باعث لغو قرارداد با ایران شد. پس از آن، ایران موفق شد که با شرکت نفتی توتال فرانسه قرارداد توسعه نفتی را به امضا برساند. متعاقب آن، قانون داماتو به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ شرکت های غیر آمریکایی در حوزه نفت و گاز ایران تصویب شد. بر اساس مصوبه پنجم اوت ۱۹۹۶ که رییس جمهور آمریکا آن را امضا کرد، شرکت های غیر آمریکایی که در بخش نفت و گاز ایران بیش از چهل میلیون دلار سرمایه گذاری می کردند، مورد تحریم و مجازات آمریکای قرار می گرفتند.

### ۱. سابقه تحریم هادر سیاست خارجی آمریکا

آمریکا همواره از ابزار تحریم در سیاست خارجی خود، برای نیل به هدف استفاده کرده است؛ ابزارهای اقتصادی نسبت به ابزارهای نظامی، از نظر مالی هزینه های کمتری دارد و از جهت سیاسی، کمتر مورد انتقاد قرار می گیرد. تحریم می تواند طیف گسترده ای از کاهش سرمایه گذاری، تأخیر در تحویل قطعات یدکی، ممانعت از انتقال فناوری، کاهش صادرات و جلوگیری از واردات را شامل شود.

متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و قطع نفوذ و سلطه آمریکا بر منابع و سرمایه های کشور، تحریم های آمریکا علیه ایران، جهت مهار انقلاب و ممانعت از ایجاد دولت اسلامی مستقل آغاز شد. کارتر - رییس جمهور وقت آمریکا - چهار روز پس از تصرف سفارت این کشور در تهران، در هشتم نوامبر دستور تعلیق انتقال قطعات یدکی نظامی به ارزش سیصد میلیون دلار را - که در زمان شاه، مبلغ آن پرداخت شده بود - صادر کرد و در دوازده نوامبر، واردات نفت از ایران را متوقف کرد. به علاوه در چهاردهم نوامبر، بر اساس دستور اجرایی ۱۲۱۷۰، تمام دارایی های ایران در آمریکا را مسدود کرد، که تقریباً بالغ بر دوازده میلیارد دلار می شد. با گذشت زمان، بر سطح و میزان تحریم های آمریکا علیه ایران افزوده شد که از جمله آن، می توان به سیاست مهار دو جانبه آمریکا نسبت به ایران و عراق (در سال ۱۹۹۳) و قانون داماتو (در سال ۱۹۹۶) اشاره نمود. پس از حادثه یازده سپتامبر و قدرت یافتن آمریکا پس از اشغال افغانستان، تحریم های آمریکا علیه ایران تشدید شد و به بهانه فعالیت های هسته ای ایران در جهت ساخت سلاح هسته ای، توانست اجماع کشورهای قدرتمند جهان را برای اعمال تحریم های فزاینده علیه ایران، به دست آورد که مهم ترین آن، تحریم های نفتی بود. برجام تحت این شرایط، برای رفع تحریم ها، متعاقب مذاکرات ایران با ۱+۵ به امضا رسید.

### ۲. اهداف آمریکا از برجام

آمریکا از امضای برجام، اهداف متعددی را در نظر داشت که مهم ترین آنها عبارت اند از کنترل قدرت ایران، تغییر رفتار سیاست خارجی ایران، کاهش منزلت ایدئولوژیک ایران، همراه کردن ایران در بازسازی نظم منطقه ای به نفع اهداف آمریکا، حفظ امنیت رژیم اسرائیل و دول وابسته، تثبیت امنیت و صلح منطقه ای برون نگر، حفظ امنیت منابع



پیشخوان

تحلیل  
ماه



دکتر محمد ستوده  
استاد علوم سیاسی  
پژوهشگاه امام باقر  
(علیه السلام)

“  
قانون داماتو، بخشی از تحریم های آمریکا علیه ایران است که تاریخ آن در سال ۲۰۱۶ به پایان می رسد. این قانون از آنجا نقض برجام است که آمریکا نمی تواند تحریم های جدید علیه ایران وضع نماید  
”



شد که نه تنها ایران در پی تولید سلاح هسته‌ای نیست، بلکه ادعاهای آمریکا مبنی بر احتمال انحراف هسته‌ای ایران در گذشته نیز، بی اساس بوده است. در هر صورت اگر آمریکا بر تعهدات خود در برجام پایبند نباشد، تعهدی نیز برای ایران

در اجرای برجام باقی نخواهد ماند. آنچه در رابطه سیاست بحران‌سازی می‌توان پیش‌بینی نمود، بعید است آمریکا در جهت لغای برجام حرکت کند و بیشتر خواهان حفظ برجام تا پایان بخشیدن به آن است.

#### ب. سیاست یک‌جانبه‌گرایی و حفظ برجام

در این راهبرد، ترامپ در پی اعمال فشار و تحریم‌های بیشتر علیه ایران است؛ اما تلاش می‌نماید تا ایران از مزایا و فرصت‌های برجام بهره‌نگیرد، بلکه امتیازات آمریکا در برجام حفظ شده و توافقنامه به صورت یک‌طرفه به نفع آمریکا اجرا شود، به گونه‌ای که پیامد آن، مهار قدرت ایران باشد. در این زمینه، ایران باید تلاش نماید تا از طریق مکانیسم‌های چندجانبه‌گرایی، سایر کشورهای متعهد در برجام را به نقض برجام مطلع و قانع سازد و از طریق اجماع حاصله، نه تنها از سیاست یک‌سویه آمریکا جلوگیری نماید، بلکه از ظرفیت‌های ایجاد شده برای به رسمیت شناختن حقوق ایران استفاده کند. تمرکز بر فرایند اقیانوس‌سازی قدرت‌های بزرگ در نقض برجام - از نقض جزئی تا کلی یا نقض فاحش - تأثیرات زیادی جهت مقابله با سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا دارد. در این رویکرد ایران می‌تواند از گزینه‌های متعددی بر حسب شرایط، از افزایش سنسنتریفیوژها تا افزایش درصد غنی‌سازی و پیش‌شرط‌های مربوط به تصویب پروتکل الحاقی، استفاده نماید.

#### ج. سیاست توسعه‌گرایی و بازنگری در برجام

سیاست توسعه‌گرا، ناظر بر گسترش دامنه برجام به سایر مسایل میان ایران و آمریکا و یا توسعه میزان امتیازات آمریکا در متن برجام است. لازمه این سیاست، بازنگری در برجام و مذاکرات جدید است. بازنگری برای آمریکا از آنجا اهمیت ویژه دارد که اساساً از ابتدای مذاکرات، این کشور در پی اهدافی فراتر از قلمرو هسته‌ای بود. آمریکا بارها نسبت به سلاح‌های موشکی، حقوق بشر، صلح خاورمیانه و حمایت ایران از ملل تحت ستم، واکنش نشان داده و خواستار مذاکره با ایران در این موارد شده است. در شرایط جدید، با توجه به انقلاب‌های عربی، بحران بحرین، یمن و سوریه، نیاز آمریکا برای مذاکره با ایران، رو به تزاید است و مهم‌ترین هدف آن، تثبیت نظم نوین خاورمیانه در جهت سیاست آمریکا در خاورمیانه است. ترامپ جهت غلبه بر موانع پیشبرد سیاست‌های خود در خاورمیانه، ناگزیر از تعامل با ایران و روسیه است؛ لذا در پی رفع تنش با روسیه می‌باشد. همخوان شدن منافع آمریکا با روسیه در مسایل خاورمیانه، می‌تواند بر همکاری‌های ایران و روسیه تأثیر بگذارد. لازم است ایران مراقب وضعیت‌های آینده روابط روسیه و آمریکا بوده و با توجه به آن و تجربه مذاکرات برجام، سیاست‌های خود را طراحی نماید و طیفی از راهبردهای ملایم تا حاد را بر حسب شرایط، برای مواجهه با وضعیت‌های احتمالی آینده به کار گیرد و با تأکید بر اقتصاد مقاومتی، خود را در برابر تحریم‌های آینده مقاوم سازد.

از دیدگاه آمریکا، ایران باید در حمایت از تروریسم جهانی - حمایت از حماس و حزب‌الله، تلاش در تخریب مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، ایجاد تنش از طریق پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی در سودان و سایر کشورها، دستیابی به

تسلیمات متعارف و تلاش برای به دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی، سیاست و رفتار خود را تغییر می‌داد.

قانون داماتو در زمان تصویب، با مخالفت اتحادیه اروپا، جنبش عدم تعهد، گروه ۷۷، سازمان کنفرانس اسلامی و مجمع عمومی سازمان ملل مواجه شد و آمریکا در اعمال مجازات‌های یک‌جانبه و اقدامات فراسرزمینی، عملاً موفق نشد. سؤالی که در وضعیت حاضر مطرح است، ناظر به سیاست خارجی ترامپ نسبت به برجام و پیامدهای آن است و اینکه جمهوری اسلامی ایران چه رویکردی می‌تواند اتخاذ نماید.

#### ۴. سیاست خارجی ترامپ و چالش‌های اجرای برجام

باتوجه به مصاحبه‌ها و رفتارهای دیپلماتیک ترامپ، می‌توان گفت که سیاست خارجی آمریکا در دوره او، دارای رویکرد افراطی و تبلیغاتی، جهت فضا سازی و ایجاد فرصت‌های جدید برای حفظ و گسترش قدرت آمریکا است؛ رویکردی که با حاکمیت جمهوری خواهان در کنگره و سنا، می‌تواند باعث تغییراتی در رفتار سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران و اعمال تحریم‌های بیشتر باشد. در یک دسته‌بندی، می‌توان آینده سیاست آمریکا نسبت به برجام را حداقل به سه صورت بیان نمود:

#### الف. سیاست بحران‌سازی و پایان برجام

سیاست‌های تند ترامپ نسبت به برجام، می‌تواند بیان‌گر آن باشد که در آینده، تحریم‌های بیشتری علیه ایران اعمال شود. این سیاست در قالب مهار قدرت ایران و ایجاد امنیت بیشتر برای اسرائیل و عربستان می‌باشد. بدین منظور، ترامپ می‌کوشد تا بار دیگر فضای منطقه و جهانی را علیه ایران امنیتی و بحرانی سازد و از طریق اجماع میان قدرت‌های ۵+۱، مانع قدرتمندی ایران شود. آمریکا در گذشته توانست از طریق اتهام تلاش ایران جهت تولید سلاح هسته‌ای، این اجماع را به دست آورد و در نتیجه، اتحادیه اروپا و کشورهایمانند روسیه و چین را نیز با خود همراه سازد. در شرایط جدید، با توجه به مواضع ترامپ علیه داعش، ممکن است تحت مقابله با تروریسم و اتهام حمایت ایران از تروریسم با مصادیق مورد نظر خود، علیه ایران بحران‌سازی نماید و یا زمینه‌های اتهام قبلی را فراهم سازد. در عین حال، شرایط بین‌المللی نشان می‌دهد که آمریکا برای رسیدن به این اهداف، مشکلات و موانعی دارد که غلبه بر آنها، نیازمند هزینه و زمان است. ایران می‌تواند بر اهداف خود از توافقنامه برجام و حفظ منافع خود، تأکید نماید و با مدیریت بحران، مانع از ائتلاف قدرت‌های بزرگ با آمریکا شود؛ تأکید بر اهدافی مانند: عادی شدن مبادلات اقتصادی ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی، غنی‌سازی و فعالیت‌های هسته‌ای مسالمت‌آمیز، ایفای نقش فعال در برقراری صلح و امنیت منطقه‌ای. آنچه مسلم است، متعاقب برجام و گزارشات آژانس انرژی اتمی، بر جامعه جهانی مشخص

“

سیاست‌های

تند ترامپ

نسبت به

برجام، می‌تواند

بیان‌گر آن باشد

که در آینده،

تحریم‌های

بیشتری علیه

ایران اعمال

شود

”



پیشخوان



“  
فتنه را در لغت،  
به امتحان و  
آزمودن معنا  
کرده اند. این  
واژه معمولاً  
در باره آن دسته  
از امتحاناتی  
به کار برده می  
شود که با تلخی  
و سختی همراه  
است  
”

نهم دی ماه ۱۳۸۸ - که در تقویم رسمی کشور به عنوان «روز بصیرت» ثبت شده است - تنها یک واقعه و مناسبت تاریخی نیست؛ به منظور آگاه سازی و تجهیز جامعه به مهارت جهت یابی و تصمیم گیری در روزهای پر غبار فتنه، باید تحلیل و

بررسی گردد. اگر جامعه به چنین تحلیلی هایی دست نیابد، در بزنگاه های سیاسی دچار خطای دید و تشخیص می شود. تجهیز مؤمن به بصیرت و تحلیل موقعیت پیش از وقوع فتنه، موضوع مصاحبه پیش رو است.

تحلیل روزگار فتنه و احوال مومن و بایسته های او در کلام امیر مومنان علی (علیه السلام)

## غبار آلودترین هواها فتنه

می روند و آن (انحراف) را مانند سنت خویش می گزینند و هرگاه بخشی از آن به روش درست تبدیل گردد، گفته می شود سنت دگرگون شده است. این در نظر مردم کاری زشت آید و در پی آن، بلا یا شدت یابند و نسل به اسارت برده شود. سپس فتنه و آشوب آنان را بکوبد، چنان که آتش، هیزم را می کوبد و آسیاب طعمه خود را. آنها دین می آموزند اما نه برای خدا، و دانش می جویند اما نه برای عمل؛ و به وسیله کار آخرت، دنیا را می طلبند.

ترسیم ابعاد فتنه در بیانات حضرت علی (علیه السلام) از کاملترین الگوهای چگونگی تصمیم گیری مؤمن در غبار آن لحظات و ابزار او برای گذر از روزهای دشوار فتنه است. یادداشت زیر نگاهی به فتنه بر

حسین ساجدی  
طلبه درس خارج و  
کارشناس ارشد علوم  
سیاسی

اساس آیات نورانی قرآن و احادیث علوی است

### گونه شناسی فتنه های آخر الزمان

حضرت علی (ع)، ضمن چند روایت گونه های متعددی از فتنه های آخر الزمانی را بیان نموده اند که در یکی از آنها ایشان می فرمایند: - چهار فتنه رخ خواهد داد؛ در اولی خون ریزی مباح می شود؛ در دومی خون ریزی و غارت اموال؛ در سومی خون ریزی، غارت اموال و تجاوز به نوامیس؛ چهارمی که حتی اگر در سوراخ روباه پنهان شده باشی دچار آن فتنه خواهی شد.

ایشان در روایتی دیگر فتنه را اینگونه تشریح می فرمایند که:

- خداوند در این امت، پنج فتنه قرار داده است: ابتدا فتنه عمومی، سپس فتنه خواص، پس از آن فتنه سیاه تاریک که مردم در آن بسان چارپایان می شوند، سپس هدنه (صلح میان مسلمانان و کفار در پی جنگ و کشتار) و در نهایت دعوت کنندگان ضلالت و گمراهی می آیند. در آن روز اگر برای خداوند جانشینی ماند در خدمتش باش. و در جایی دیگر حضرتش حیوان سانی مردم را ناشی از فتنه کور، پیچیده و گنگ پنجم خوانده اند.

امام علی علیه السلام در باره منبع آغاز فتنه می فرمایند:

همانا فتنه ها و آشوب ها از هواپرستی آغاز می شود، در آنها، [به وسیله] فرمان های

### معنای فتنه

فتنه را در لغت، به امتحان و آزمودن معنا کرده اند. این واژه معمولاً درباره آن دسته از امتحاناتی به کار برده می شود که با تلخی و سختی همراه است. در قرآن کریم، این واژه علاوه بر این معنا، برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق، شرک و کفر، افتادن در معاصی و نفاق، اشتباه گرفتن و تشخیص ندادن حق از باطل، گمراهی، کشتار و اسارت، تفرقه و اختلاف میان مردم و... به کار رفته است. ... و اما فتنه کجاست؟

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

اگر حق خالص در میان بود، اختلاف به چشم نمی خورد، و اگر باطل محض در میان بود، بر هیچ خردمندی پوشیده نمی ماند، لیکن مشتی از حق و مشتی از باطل گرفته شده و با هم آمیخته گردیده است. اینجاست که شیطان بر دوستداران خود چیره می گردد، و کسانی رهایی می یابند که از طرف خداوند عاقبت نیکی برای آنها رقم خورده باشد.

همانا من از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که فتنه ای شما را در برگیرد که در آن کودکان بیش از آن به نظر رسند که هستند آسن و سالشان بیشتر به نظر می رسد، و جوانان به پیری رسند. مردم به گزراه





## فایده فتنه

خداوند در دومین آیه سوره مبارکه «عنکبوت» می فرماید: «أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (۲) آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!»

این آیه شریفه بیان می دارد که انسانها پس از اظهار ایمان به خداوند یگانه قطعا آزموده خواهند شد؛ و صرف بیان ایمان نه تنها نباید سبب غرور و خود فریبی ما بشود بلکه باید بدانیم که پس از آن باید در انتظار دچار شدن به آزمونها و سختی هایی باشیم که سبب خلوص ایمان ما می شود.

انگونه که راغب در مفردات خود آورده است؛ «فتن» به دو معنای «اختبار و آزمون» و «گرفتاری در شدت و سختی» آمده است و در اصل، به معنای «وارد کردن طلادر آتش، به منظور آشکار شدن خالصی آن از ناخالصی» است و در آزمایش هم استعمال می شود.

البته خداوند متعال خود می داند که کدام ایمان راستین و کدامیک دروغین است؛ چرا که در آیه بعد می فرماید: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۳) ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم) باید علم خدا در مورد کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد.»

در روایتی از امام رضا (ع) ذیل این آیه آمده است:

«عن معمر بن خلاد، قال: سمعت أبا الحسن (ع) يقول: «إم، أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون». ثم قال لي: «ما الفتنة؟». قلت: «جعلت فداك! الذي عندنا الفتنة في الدين». فقال: «يفتنون كما يفتن الذهب!». ثم قال: «يخلصون كما يخلص الذهب! به نقل از معمر بن خلاد: از ابو الحسن علیه السلام شنیدم که می فرماید: «الف، لام، میم! آیا مردم پنداشته اند که تا گفتند: «ایمان آوردیم» ، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟» سپس به من فرمود: «آزمایش چیست؟» گفتم: فدایت شوم! نزد ما آزمایش در دین است. فرمود: «مردم، گداخته می شوند، چنان که طلا [در بوته] گداخته می شود» سپس فرمود: «تصفیه می شوند، چنان که طلا تصفیه می شود.»

الكافي: ج ۱ ص ۳۷۰، الف ۴، الغيبة للعماني: ص ۲۰۲ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۲۱۹ ح ۱۴. دانشنامه قرآن و حدیث، ص ۴۰.

منبع: تسنیم

خود پرداخته با خدا مخالفت می شود و مردانی در عهده دار شدن آنها، به جای مردانی دیگر می نشینند.

### راه رهایی از فتنه های آخر الزمان

امیر مؤمنان (ع) در ضمن خطبه ای بلند راه هایی را برای رهایی از فتنه ها و مصون ماندن از عذاب الهی که فرجام فروافتادگان در آنهاست فراروی مؤمنان نهادند. که در اینجا به مناسبت، به فراز هایی از این سخن گران سنگ توجه می کنیم:

#### ۱. استقامت و تقیه در برابر دشمنان:

... مبادا فریبنده شما را از خدا فریب دهد، اگر بدانید در ماندن شما میان دشمنان و تحمل اذیت ها چه اجری دارید چشم شما روشن شود، و اگر مرانیباید چیزهایی ببینید که آرزوی مرگ کنید از ستم و دشمنی و خودبینی و سبک شمردن حق خدا و ترس، چون چنین شود همه به رشته خدا بچسبید و از هم جدا نشوید، و بر شما باد به صبر و نماز و تقیه.

#### ۲. ثبات و دوری از رنگ به رنگ شدن:

و بدانید که خداوند دشمن می دارد بندگان متلون و همه رنگ خود را، پس از حق و ولایت اهل حق دور نشوید چون هر کس دیگری را جای ما برگزیند نابود است و هر که پیر و آثار ما شود به ما پیوندد، و هر که از غیر راه ما رود غرق شود همانا برای دوستان ما فوج هایی از رحمت خداست و برای دشمنان ما فوج هایی از عذاب خدا، راه ما میانه است، و رشد و صلاح در برنامه ماست، بهشتیان به خانه های شیعیان ما چنان نگاه می کنند که ستاره درخشان را در آسمان می بینند.

#### ۳. شناخت حق امامان معصوم (ع):

چراغ راه مؤمن شناخت حق ماست، و بدترین کوری نابینایی فضیلت ماست که با مابی جهت و بدون گناه به دشمنی برخاسته فقط به جرم اینکه ما او را به سوی حق و دوستی خواندیم و دیگران او را به سوی فتنه دعوت کردند، آنها را بر ما ترجیح داد. ما را پرچی است که هر که در سایه آن در آید، او را جاده دهد و هر که بسوی او پیش تازد پیروز است و هر که از آن واماند نابود، و هر که بدان چنگ زند نجات یابد.

#### ۴. پیشه کردن تقوی:

پس بدانید شما به بهشت نمی رسید مگر به تقوی، و هر که رها سازد پیروی از آنکه خدا فرمان اطاعت او را داده، برانگیخته شود برای او شیطانی که قرین و مونس او گردد.

#### ۵. عدم سازش با ستمکاران:

شمارا چه باشد که به دنیا تکیه کردید، و به ستم خشنودید، و فرو گذاشتید آنچه را که عزت و سعادت شما و نیروی علیه ستمگران در آنست، نه از خدایتان شرم دارید، و نه به حال خود فکر می کنید. خدای بزرگ می فرماید: «و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست باشید و گرنه آتش کیفر آنان در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هرگز کسی، یاری شما نخواهد کرد.»

۶۶  
معنای «اختبار و آزمون» و «گرفتاری در شدت و سختی» آمده است و در اصل، به معنای «وارد کردن طلادر آتش، به منظور آشکار شدن خالصی آن از ناخالصی» است و در آزمایش هم استعمال می شود

۶



# روز شهادت



پیشخوان

تحلیل  
ماه

## روز بصیرت و حماسه نهم دی ماه در کلام مراجع تقلید

زبان‌هایی که دیدیم تصور می‌کنم این حادثه برای مامنان خوبی داشت.

### آیت‌الله نوری همدانی

حماسه مردم در ۹ دی، سیلی محکمی به فتنه‌گران و اربابان آنها بود و در ۲۲ بهمن نیز مردم حرکت خود را تکمیل کردند و وفاداری خود را به نظام اسلامی و مقام معظم رهبری نشان دادند.



برای مقابله با جریانات فتنه مهم‌ترین شرط و مساله داشتن بصیرت و قدرت تشخیص حق از باطل است. بحمدلله ملت هوشیار ایران در عرصه‌های مختلف بصیرت و آگاهی همه جانبه خود را نشان داده‌اند و رسالت خود را به خوبی ایفا کرده‌اند.

### آیت‌الله علوی گرگانی

حماسه مردم در ۹ دی ماه سال ۸۸ آنچنان پرشور و حماسی بود که دشمنان اسلام و انقلاب را حیرت زده کرد و نشان داد که هر کس با ولی خدا، امام حسین (ع) مقابله کند، نابود شدنی است.



خدای متعال انسان‌ها را به حال خود رها نکرده و در برهه‌های مختلف مورد آزمایش قرار می‌دهد و مؤمنین را در امتحانات خود نصرت می‌بخشد؛ البته شاید یاری و نصرت الهی بسیاری از اوقات نیز به چشم ما نیاید، اما باید انسان خود را لایق نصرت الهی قرار دهد. حماسه ۹ دی ماه سال ۸۸ از این قبیل نصرت‌های الهی برای ملت شهید پرور و بزرگ ایران بود که مهم و قابل ملاحظه است.

### مقام معظم رهبری

نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمنده که ناگهان با یک حرکت - که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته از بصیرت است، از دشمن شناسی است، از وقت شناسی است، از حضور در عرصه مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز می‌کنند. مطمئن باشید که روز نهم دی سال ۸۸ هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرایط کنونی - که شرایط غبار آلودگی فضا است - این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هر چه انسان در اطراف این قضایا فکر می‌کند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را می‌بیند. در شرایط فتنه، کار دشوار تر است؛ تشخیص دشوار تر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام می‌کند؛ هیچ وقت نمی‌گذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن مکرر این معنا ذکر شده است. دست اشاره الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز می‌خواهد.



### آیت‌الله مکارم شیرازی

حضور پرشور مردم در راهپیمایی روز ۹ دی ۱۳۸۸، روح دیگری به انقلاب و کشور ما داد؛ راهپیمایی ۹ دی، افزون بر جمعیت بسیار، از نظر کیفیت پرخروش بود و در مقابل همه



“ برای مقابله با جریانات فتنه مهم‌ترین شرط و مساله داشتن بصیرت و قدرت تشخیص حق از باطل است

۶

□ پرونده ای با موضوع مسجد  
و اعتیاد

□ گزارش از فعالیت های  
مسجد ناراالله

## مسجد

یکی از معضلات عمده جهانی در حال حاضر مسئله اعتیاد است. اعتیاد عامل بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی و نابسامانی های خانوادگی و فردی است. سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۹) مساله مواد مخدر اعم از تولید، انتقال، توزیع و مصرف را در کنار سه مساله جهانی دیگر یعنی تولید و انباشت سلاح های کشتار جمعی، آلودگی محیط زیست، فقر و شکاف طبقاتی از جمله مسائل اساسی شمرده است که حیات بشری را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در عرصه جهانی مورد تهدید و چالش جدی قرار می دهد. آمار رو به افزایش مصرف مواد مخدر در دنیا به حدی است که به گفته پژوهشگران اگر غذا را مستثنی کنیم، هیچ ماده ای در روی زمین نیست که به اندازه مواد مخدر این چنین آسان وارد زندگی ملت ها شده باشد. این پدیده خطرناک گریبان گیر بسیاری از خانواده ها و نسل جوان سرزمین ما شده است. به راستی ارگانها و نهادهای زیربنا و همچنین اماکن مذهبی مانند مسجد چه وظایفی در قبال این مسئله به شدت ناراحت کننده دارند؟



# نقش مساجد در کاهش گرایش به معضلات اجتماعی، به ویژه اعتیاد



مسجد

آیا حضور معتادان در مسجد، به ترک اعتیاد آنها کمک می‌کند؟ این اصلی‌ترین مسئله‌ی ما در نگارش این مقاله است که به پاسخ‌هایی برای آن خواهیم پرداخت.

اعتیاد یک بیماری جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی است که مشکلات متعددی را در گستره زندگی بشر به همراه داشته است؛ از جمله افت سلامت عمومی، افزایش مرگ و میر، آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی و از دست دادن فرصت‌های آموزشی و شغلی. پژوهش‌ها نشان می‌دهد دامنه سنی معتادان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر در سطح جهان کاهش یافته است. یافته‌های حاصل از چهار دهه تحقیقات شیوع‌شناسی اعتیاد در ایران نیز نشان می‌دهد با توجه به حجم تهدید مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و شیوع اعتیاد در کشور و به دنبال آن تغییر جنسیت، تأهل، سن، شغل و تحصیلات معتادان، توجه کافی به سوء مصرف مواد در جمعیت عمومی، دانش‌آموزان، دانشجویان و کارکنان صورت‌نپذیرفته و استفاده از ظرفیت مذهب در این زمینه مغفول مانده است. برای تحلیل درست تأثیر مسجد در کاهش آسیب‌های اجتماعی، به ویژه اعتیاد، باید روابط مجموعه مفاهیم اعتیاد و معتاد، نماز و تقیدات دینی و مسجد و فعالیت‌های اجتماعی مذهبی مورد بررسی قرار گیرد.

میشم آزند  
پژوهشگر علوم  
اجتماعی و فعال  
فرهنگی

## رفتار سازی نماز

در صورت برپایی کامل و صحیح نماز به‌عنوان مهم‌ترین دستور الهی، سبک زندگی اسلامی شکل می‌گیرد و این سبک زندگی، جامعه را از هر گونه آسیب و انحراف، چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی، مصون خواهد ساخت.

## بررسی رابطه مسجد و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

مسجد نیز به‌عنوان مقدس‌ترین مکان مؤمنان، علاوه بر اینکه محل برپایی نماز است، کارکردهای اجتماعی فراوان دیگری نیز دارد. اجتماع در مسجد و حضور در نماز جماعت از یک طرف تأثیر نماز را افزایش می‌دهد، از سوی دیگر در ایجاد و تقویت رفتارهای خوب تأثیر دارد. نیاز به ارتباط با خدا، آرامش یافتن، الگوجویی، انس با هم‌نوعان، معرفت و آگاهی، از جمله نیازهای معنوی جوانان است که نماز جماعت و مسجد در برآوردن آنها نقش زیادی دارد. نماز جماعت و حضور در مسجد، دوستی و صمیمیت را در قلب‌ها ایجاد می‌کند. این عوامل تأثیر بسزایی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه دارند.

## بازشناسی کارکردهای مسجد

جامعه‌شناسان عموماً اجزای اصلی تشکیل‌دهنده یک جامعه را به چهار بخش فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تقسیم می‌کنند. مساجد، هم قبل از انقلاب و هم پس از انقلاب، کارکردهایی داشته و دارند که در جدول زیر ارائه گردیده است.



## بررسی رابطه اعتیاد و تقیدات دینی

نقش مذهب در پیشگیری از اعتیاد به گونه‌ای است که بسیاری از نظریه‌پردازان بزرگ جهان مثل فروید، یونگ و ویلیام جیمز مذهب را عاملی مستحکم در مقابل آسیب‌های اجتماعی، از جمله اعتیاد تلقی نموده‌اند. مهم‌ترین نقش مذهب، پیشگیری اولیه از اعتیاد است؛ به این معنا که هر چه فرد از لحاظ اعتقادی در سطح مطلوب‌تری قرار گیرد، کمتر به دام اعتیاد گرفتار می‌شود؛ زیرا بسیاری از دستورهای دینی در کنترل اعتیاد مؤثر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که داشتن اعتقاد مذهبی، نقش مهمی در کاهش سوء مصرف مواد دارد. افرادی که اصول مذهبی را پذیرفته‌اند و به آن احساس پیوستگی می‌کنند، کمتر از افرادی که مذهبی نیستند، مواد مخدر مصرف می‌کنند.

“ افرادی که اصول مذهبی را پذیرفته‌اند و به آن احساس پیوستگی می‌کنند، کمتر از افرادی که مذهبی نیستند، مواد مخدر مصرف می‌کنند ”

بعد از جنگ تاکنون	جنگ تحمیلی	بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	دوران انقلاب اسلامی ایران	صدر اسلام	زمان	کار کردها
+	+	+	+	+	عبادی	۱. نماز جماعت ۲. برگزاری مراسم دعا ۳. برگزاری جلسات سخنرانی
+	+	+	+	+	فرهنگی آموزشی	۱. تبلیغ دین ۲. آموزش علوم دینی (قرآن، احکام و عقاید...) ۳. جلسات پرسش و پاسخ ۴. کلاس‌های سواد آموزی ۵. کلاس‌های علمی ۶. کلاس‌های ورزشی ۷. کلاس‌های هنری ۸. برگزاری اردوهای سیاحتی - زیارتی
-	-	+	-	+	سیاسی اجتماعی	۱. قضاوت ۲. صدور گواهی‌های مختلف ۳. بیعت و رأی‌گیری ۴. برگزاری مراسم ختم و تشییع جنازه ۵. امر به معروف و نهی از منکر ۶. آگاهی دادن به مردم نسبت به مسائل روز ۷. پناهگاه مردم نیازمند ۸. برگزاری مراسم اعیاد و عزاداری‌ها ۹. نشر اخبار جدید ۱۰. تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها ۱۱. مذاکرات سیاسی ۱۲. سازماندهی تظاهرات ۱۳. حفظ ثبات و امنیت
+	+	-	-	+	نظامی	۱. تشکیل سپاه و اعزام به جبهه (پایگاه بسیج) ۲. اعلام خبر جنگ یا پیروزی و شکست ۳. تشویق مردم برای رفتن به جبهه ۴. پشتیبانی از نیروهای نظامی ۵. رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان و شهدا ۶. حمایت معنوی از رزمندگان (دعا)
-	+	+	+	-	اقتصادی	۱. تهیه و توزیع کالاهای اساسی مورد نیاز مردم (ستاد بسیج اقتصادی) ۲. کمک بلاعوض به مردم نیازمند ۳. تشکیل تعاونی‌های مصرف محلی ۴. تشکیل صندوق قرض‌الحسنه

۶۶  
حل مشکلات  
معتادان را  
جزئی از وظایف  
و کار کردهای  
مسجد دانسته  
و برای آن  
برنامه‌ریزی  
کنیم؛  
برنامه‌ریزی‌ای  
که شامل  
اقداماتی از  
سوی همه ارکان  
مسجد می‌شود:  
امام جماعت،  
هیئت امناء،  
نمازگزاران و  
خادمان مسجد  
۶

### منابع

۱. روان‌پزشکی  
لینفورد ریس، مقاله  
اختلال‌های خلقی،  
ترجمه دکتر لون  
داویدیان.
۲. لیلا محمد امین‌زاده،  
نقش مساجد و نماز  
در تربیت کودکان و  
نوجوانان.
۳. حسن فلاح مدواری،  
نقش و تأثیر حضور  
در مساجد بر کاهش  
آسیب‌های اجتماعی.
۴. رضوان صالحی،  
بررسی تأثیر نماز در  
کاهش میزان مصرف  
مواد مخدر.

به‌عنوان یک پایگاه مذهبی و اجتماعی این ظرفیت را دارد تا برای کمک‌رسانی به همهٔ احاد جامعه، به‌ویژه معتادان نقش آفرینی کند. این نقش آفرینی به یک نگاه کل‌نگر در بررسی مسئلهٔ اعتیاد نیاز دارد؛ نگاهی که در آن یک پایگاه اجتماعی و شاید مهم‌ترین پایگاه اجتماعی مذهبی در مقابل آسیب‌های اجتماعی قرار گرفته و افراد اجتماع را از این آسیب‌ها مصون می‌دارد. در این نگاه نیاز داریم به باز تعریف کار کردهای مسجد و ارتقای کمی و کیفی آنها. در این صورت خواهیم توانست حل مشکلات معتادان را جزئی از وظایف و کارکردهای مسجد دانسته و برای آن برنامه‌ریزی کنیم؛ برنامه‌ریزی‌ای که شامل اقداماتی از سوی همهٔ ارکان مسجد می‌شود: امام جماعت، هیئت امناء، نمازگزاران و خادمان مسجد.

در میان این کار کردها، مهم‌ترین فعالیت و کارکرد مساجد، عبادت و برگزاری مراسم در مناسبت‌های دینی است که سبب رونق و شکوفایی مسجد می‌شود و کار بسیار ارزشمندی است. اما همان‌طور که قبلاً ذکر شد، نباید دامنهٔ فعالیت مساجد به همین کارکرد محدود شود. قدرت جذب هر مکان یا موقعیتی، به میزان ارضای نیازهای افراد بستگی دارد. انسان، مشتاق رفع نیازها و تأمین خواسته‌های خود است و در این مسیر به مکان‌ها و محافلی رو می‌آورد که در آن پاسخی برای نیازهای گوناگون خود بیابد.

### کلام آخر

تأثیر نماز و تقیدات مذهبی در کنار فعالیت‌های اجتماعی مذهبی که حد بالای آن در مساجد قابل اجرا است، نشان می‌دهد که مسجد



بررسی عوامل گرایش به اعتیاد و راههای نجات از آن

# اعتیاد با داروی معرفت تیمار می شود

باید مقداری عمیق تر نگاه کنیم که چرا اصولاً جوانان به سمت استفاده از مواد مخدر گرایش پیدا می کنند؟ ضعف باورها و ارزش های اخلاقی دینی، از جمله دلایلی است که در گرایش جوانان به اعتیاد مؤثر است. اگر ما بتوانیم باورهای دینی را از کودکی در بچه ها تقویت کنیم، کمتر دچار گرفتاری ها و لغزش ها می شوند. ما باید مجموعه عوامل را برای اعتیاد جوانان در نظر بگیریم؛ ضعف آموزش و ضعف اعتقادات و باورهای دینی و حتی می باید به مشکلات فردی هم اشاره کرد. اعتقادات و باورهای معنوی و مذهبی، موجب ثبات شخصیتی و روانی انسان ها می شود و ایمان درونی آنان را تقویت می کند. وقتی باورها، اعتقادات و ارزش های دینی در درون افراد نهادینه شد، دیگر نیازی به پلیس بیرونی نیست که رفتار انسان را کنترل و بر آن نظارت کند.



حجت الاسلام  
سید محمد حسین  
میر شاه ولد  
امام جماعت مسجد  
جامع المهدی  
سعادت آباد

به ویژه اعتیاد و مواد مخدر است. اعتیاد یک بیماری فلسفی است که فرد معتاد نیاز به یک انقلاب شناختی، بینشی و فلسفی در ذهن خود دارد.»

## شناخت ارزش و جودی

شناخت و بصیرت دینی و باور و اعتقاد قلبی و عملی به آن، باعث خود کنترلی، خود نظمی، خود مدیریتی، خود ارزیابی و انضباط درونی در انسان می شود و این امر، به عنوان بزرگ ترین اهرم در گرایش به خوبی ها، نیکی ها و انجام حسنات و دوری جستن از بدی ها، زشتی ها و انجام معصیت است. انسان خود کنترل و دارای معرفت درونی، هیچ وقت دنبال اعتیاد و مواد مخدر نمی رود؛ چون بر ارزش وجودی و گوهر گران بهای درونی خود واقف است.

نتایج تحقیقات به عمل آمده در جهان نشان می دهد که خلأ معنوی و اعتقادی و ایمان درونی، مهم ترین عامل گرایش انسان ها به اعتیاد و مواد مخدر و رفتارهای اعتیاد گونه زشت دیگر است. «کارل یونگ» دانشمند و روان شناس اظهار می دارد: «بیماری قرن ما، بیماری مذهبی است؛ نبود معنویت و ایمان مذهبی، مهم ترین عامل سوق به آسیب های اجتماعی،

« انسان خود  
کنترل و دارای  
معرفت درونی،  
هیچ وقت دنبال  
اعتیاد و مواد  
مخدر نمی رود؛  
چون بر ارزش  
وجودی و گوهر  
گران بهای  
درونی خود واقف  
است

## گفتمان سازی

تقویت و تعمیق باورها و اعتقادات دینی و نظام جهان بینی و فلسفی مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان، مهم ترین راه پیشگیری از گرایش به اعتیاد و مواد مخدر است. استفاده از ظرفیت منابر، مساجد، مبلغین، ائمه جماعات و روحانیون، تدوین توصیه های تبلیغ هوشمندانه و ابلاغ آن به مبلغین و مبلغات دینی، برگزاری گفتمان های دانش آموزی و دانشجویی، سامانه پاسخگویی به شبهات دینی، برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی پیشگیری از اعتیاد بار و بگرد دینی برای شبکه تبلیغ، انجام فعالیت های فرهنگی، پژوهشی و آموزشی در فضای مجازی، تجهیز و تقویت کتابخانه های مساجد، تهیه، تدوین و توزیع متون آموزشی، غنی سازی طرح اوقات فراغت، اجرای برنامه های قرآنی، برگزاری برنامه های

## اینجا مسجد است؛ خانه خدا

مسجد خانه خدا است و درهای این  
خانه به روی همه خلق الله باز است؛  
باز باز ...

سعید فیاضی  
پژوهشگر  
در علوم اجتماعی

باز، بدون هیچ مقیاس و اندازه‌ای؛  
چه وکیل و وزیر باشی و چه دکتر و  
مهندس و معمار، چه فراش و کاسب و بیمار. و حتی اگر  
هم معتاد!

و حرف من روی این آخری است: معتادا! هنوز هم اغلب ما  
فکر می‌کنیم که اعتیاد همان مرگی است که فقط برای  
همسایه است؛ بلایی خانمان سوز که فقط یک عده آدم‌های  
خاص و معلوم الحال دچار آن شده‌اند و هیچ ربطی به من و  
شما و همه آنها که ما می‌شناسیم، ندارد و نخواهد داشت.  
وقتی خبر این است که از هر هشتاد ایرانی یک نفر معتاد  
است، یعنی به‌طور متوسط از هر بیست خانواده ایرانی یکی  
با این مسئله دست و پنجه نرم می‌کند؛ و در تهران امروز  
ما بیست خانواده، یعنی خانواده‌های ساکن در یک برج یا  
نهایتاً دو، سه آپارتمان! و در هر کوچه و محله‌مان چقدر از  
این آپارتمان‌ها داریم؟

مگر چه کسانی در این آپارتمان‌ها ساکن هستند؟ دوست  
من و دوست تو، فامیل من و فامیل تو، آشنای من و آشنای  
تو، قوم و خویش من و قوم و خویش تو!  
اعتیاد مشکلی است که همین‌جا دم گوش ما است و ما  
چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه اهلش باشیم و چه اهلش  
نباشیم، درگیر آن هستیم.

آمارها و تحقیقات علمی نشان داده است هر کس که اهل  
نماز و مسجد شود، احتمال اینکه به سوی این آسیب‌ها  
برود، کمتر است و حتی اگر هم رفت و دچارش شد، اگر  
بشود با مسجد گرهش زد، در ترک و درمانش بسیار مؤثر  
است.

ما اهل مسجد برای خدا که هیچ، برای خودمان هم که شده  
باید کاری بکنیم، باید فکری کنیم و راهی بیندیشیم.  
آیا مجاز هستیم به بهانه حفظ حرمت و نظافت مسجد  
و نمازگزار، همشهری دچار اعتیادمان را از در خانه خدا  
برنجانیم؟

وقتی از محمدعلی نائب مدیر مسجد فیسنبری لندن  
می‌پرسند که چرا زحمت پناه دادن به بی‌خانمان‌ها و  
معتادان را به خود می‌دهد، پاسخ می‌گوید: مسجد جزئی از  
جامعه است و من مسلمان نقش مهمی در همکاری و تعالی  
اجتماع دارم. می‌خواهم به وظیفه‌ام عمل کنم.

### مسجدها و نقش‌های ویژه

مهمترین آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه ایران فقر، طلاق و  
اعتیاد است. مشکلات اقتصادی، دیر یا زود حل‌شدنی است؛ اما باید  
برای فروپاشی اخلاقی جامعه تلاش جدی کرد. زیرا هر روز آمارهای  
تکان‌دهنده‌ای از افزایش آسیب‌های اجتماعی به گوش می‌رسد. باید  
تلاش کنیم نقش مساجد در مناسبات اجتماعی تقویت شود تا شاهد  
کاهش آسیب‌های اجتماعی باشیم و از این منظر، مساجد می‌توانند  
پنجره‌ای برای عرضه خدمات اجتماعی باشند. در گذشته مردم با رجوع  
به مساجد، مشکلات خود را حل می‌کردند. امروز هم باید مساجد به  
مهم‌ترین مرکز مددکاری اجتماعی مردم در عصر جدید تبدیل شوند.  
بر اساس آموزه‌های دینی، درب مسجد همیشه باید به روی مردم باز  
باشد و روحانی نیز، نباید صرفاً کارش اقامه نماز باشد؛ بلکه می‌بایست در  
شناسایی و حل مشکلات اهالی محل، به خصوص در زمینه آسیب‌های  
اجتماعی و فرهنگی - که متأسفانه این روزها در جامعه ما سیر صعودی  
به خود گرفته - فعال باشد. نباید این‌طور فکر کرد که مسجد مکانی است  
برای اقامه چند وعده نماز جماعت؛ بلکه همان‌طور که مادر تاریخ اسلام  
و به خصوص زمان حیات نورانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام  
علی (علیه السلام) مشاهده می‌کنیم، مساجد باید نقش بسیار ویژه‌ای  
در تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و حتی نظامی  
جوامع اسلامی داشته باشند.

### حضور عالمانه و تخصصی

باید مراکز مشاوره برای ازدواج، طلاق و رسیدگی به نیازمندان را در  
مساجد مستقر کنیم تا مردم بتوانند به کمک مساجد مشکلاتشان را  
حل کنند. البته باید توجه داشت که صرف انتخاب مکان برای کاهش  
و حل آسیب‌های اجتماعی کافی نیست؛ چه آنکه نیاز به حمایت‌های  
مالی و معنوی از مساجد و نیز برنامه‌ریزی جدی مسئولان در عرصه‌های  
دیگر وجود دارد و گرنه چه بسا ما دچار شعارزدگی و روزمرگی و بعضاً  
فراقکنی در این مقولات شویم. البته این نکته هم قابل توجه است که  
حضور و فعالیت حوزویان در این خصوص، می‌بایست عالمانه و تخصصی  
باشد، تا بتواند آثار مطلوب را از خود بر جای بگذارد. از این منظر، نیازمند  
تربیت و آموزش روحانیون فرهیخته و متخصص در زمینه کاهش  
آسیب‌های اجتماعی هستیم که چه در عرصه مشاوره به خانواده‌ها و  
چه بر نامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، بتوانند نقش خود را به درستی ایفا  
کنند و در عین حال، از علم و تجربه کافی برای درمان‌گری در حوزه  
آسیب‌های اجتماعی برخوردار باشند. خوشبختانه در دوره جدید  
فعالیت مرکز رسیدگی به امور مساجد، این آموزش‌های تخصصی مورد  
توجه قرار گرفته و دوره‌های کوتاه‌مدت پودمانی و دوره‌های بلندمدت  
برای ائمه محترم جماعات پیش‌بینی شده است.

“  
اعتیاد مشکلی  
است که  
همین‌جا دم  
گوش ما است و  
ما چه بخواهیم  
و چه نخواهیم،  
چه اهلش باشیم  
و چه اهلش  
نباشیم، درگیر  
آن هستیم”



### برنامه دشمن فساد اخلاقی و اعتیاد است ضرورت پرداختن به معضل اعتیاد در فرمایشات مقام معظم رهبری

نیروی جوان و جمعیت جوان کشور، برای یک ملت خیلی ارزنده است. این همه جوان، این همه نیروی کار، این همه نیروی ابتکار، برای یک ملت خیلی ارزنده است. اینجا است که دشمن برای تباہ کردن و ضایع نمودن نیروی کار، وارد میدان می شود. چگونه؟ با دو عامل: عامل فساد اخلاقی و عامل اعتیاد. من به شما مردم عزیز هشدار می دهم؛ الآن رسانه هایی از کشورهای دیگر هستند - اسم نمی آورم از کجا - که برنامه های فاسد کننده و مبتذل، به خصوص برای شما جوانان تولید می کنند؛ برای اینکه بتوانند از آن سوی مرزها بروی جوان پاک و سالم و صحیح العمل و صحیح التیبه ایرانی اثر بگذارند.

این جوان را دشمن تجربه کرده است؛ این جوان، همان جوان میدان جنگ هشت ساله است. جوانان امروز ما، از جنس همان جوانانی هستند که در دوران هشت سال دفاع مقدس، هر وقت لازم شد، تمام بیابان های پشت مرزهای با عراق را پر کردند؛ جنگیدند تا دشمن را ناکام گذاشتند. اینها همان جوانانند؛ دشمن این را می داند. دشمن برای فاسد کردن، منحرف کردن و ضعیف کردن پنجه قدرتمند اینها در میدان سازندگی و عمل و احیانا دفاع، برنامه می ریزد؛ برنامه هم فساد اخلاقی و اعتیاد است. مراقب باشید.

البته دستگاه های کشور مراقب اند و دقت می کنند؛ اما بهترین مراقب، خود شما مردم، پدران و مادران، جوانان؛ در محیط کار، درس، گردش، ورزش و تفریح هستید. با این مراقبت ها، با این توجه، با این اتکال به خدا، با این تمسک به قرآن و با این اعتصام به حبل الله، به فضل پروردگار، این ملت خواهد توانست کشور ایران عزیز را به کشور نمونه اسلامی و این جامعه را به جامعه ای آباد، آزاد، پر استعداد، پر تلاش، پر عمل و ثروتمند اسلامی تبدیل کند. امیدواریم تحت سایه عنایت پروردگار و توجهات اولیایش و بقیة الله الأعظم ارواحنا فدا، این روز خیلی دور نباشد و شما آن را به چشم ببینید و همه شما در تشکیل و ایجاد آن روز سهیم باشید.

۱۳۷۶/۱۱/۲۸



### نجات معتاد نجات یک فرد نیست، نجات اسلام است!

یک نقشه های مختلفی است برای جوان های ما. یک بابش همین باب مخدرات است؛ تریاک و هروئین و امثال ذلک، که این را، همین طوری که شما الان مشغولید، یک کار الهی است که شما دارید می کنید. مسئله نجات یک آدم نیست، مسئله نجات اسلام است. مسئله آن هم اگر بود، لازم بود. اما مسئله، بالاتر از اینها است، عمیق است مسئله. همان طوری که پخش هروئین در سرتاسر کشور به توسط اشخاص، که یا نمی دانند دارند چه می کنند، یا دانسته می کنند، این روی توطئه ای است برای اینکه قشر جوان را مهمل بار بیاورند، که نفتش را می برند این مشغول هروئینش باشد. شرافت ملی اش را دارند می برند، این مشغول تریاکش باشد. اشخاصی که بتوانند جلوی اینها را بگیرند و معالجه شان بکنند، باید معالجه بکنند. این یک امری است لازم، این هم از آن اموری است که باز برمی گردد به حفظ حیثیت یک ملت و اسلام. اگر اسلام نداشته باشد، اگر کشور ما نداشت این جوان ها را که فریاد زدند و مشتشان را گره کردند، الله اکبر گفتند و اینها را بیرون کردند، اگر فرض کنید که جوان های ما خدای نخواستہ مبتلا به مواد مخدر بودند، این کار را می توانستند بکنند؟

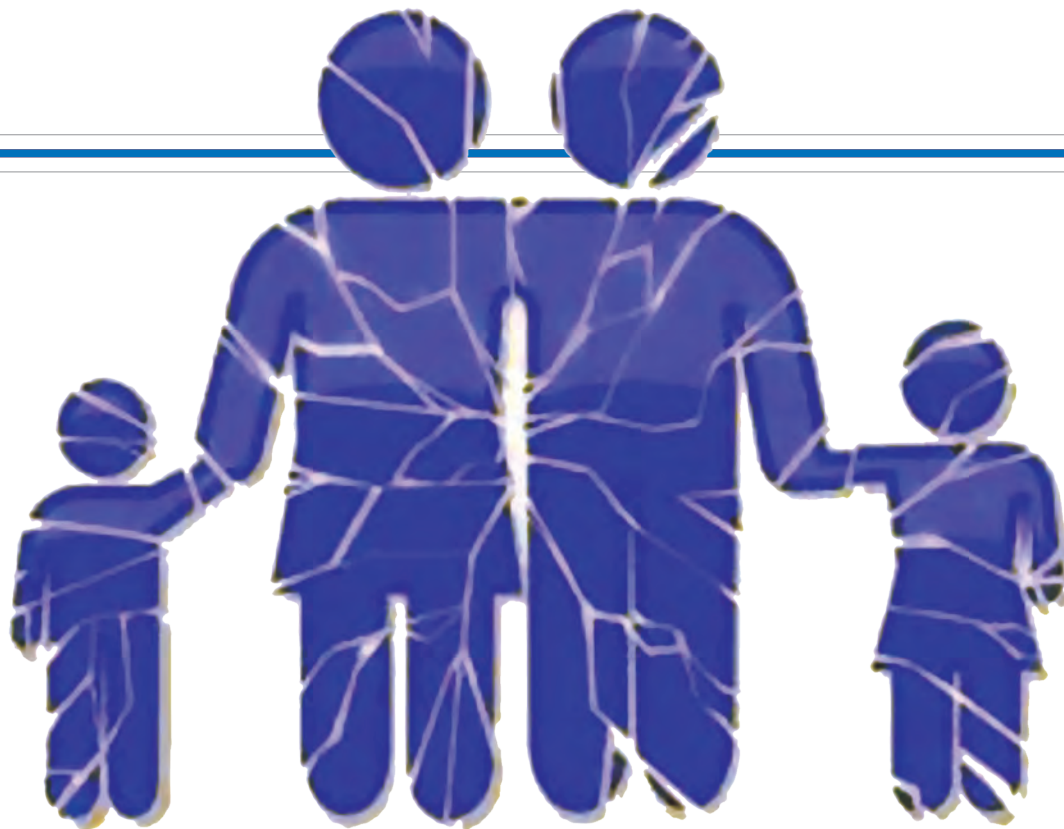
امام خمینی (ره)، دیدار با اعضای مؤسسه اسلامی  
مبارزه با اعتیاد: ۱۳۵۸/۱۰/۰۵



مسجد

“ دشمن برای تباہ کردن و ضایع نمودن نیروی کار، وارد میدان می شود. چگونه؟ با دو عامل: عامل فساد اخلاقی و عامل اعتیاد ”





بررسی تأثیرات مخرب اعتیاد بر همسر و والدین یک معتاد

## یک ناامیدی بی پایان...

علی بانسی  
کارشناس راهنمایی  
و مشاوره

با وجود یک فرد معتاد در خانواده، زندگی هر یک از افراد خانواده به نحوی صدمه می بیند؛ هر یک از آنان برای ادامه حیات، مجبور می شوند که تغییراتی در زندگی خود ایجاد کنند تا بتوانند با اثرات ویرانگر بیماری اعتیاد، کنار بیایند. به همین دلیل این روش به مرور زمان باعث می شود تا زندگی خود آنها نیز، به فلاکت و بدبختی کشیده شود.

با شدت گرفتن اعتیاد، فرد معتاد به ناچار وقت و انرژی بیشتری برای تهیه و مصرف مواد و یا ترک آن صرف می کند. تهیه و مصرف مواد، به تنها مسئله مهم زندگی معتاد بدل شده و او به تدریج رابطه خود با اعضای خانواده را کمتر می کند. در عوض، رابطه بین فرد معتاد و مواد مخدر، به مفهومی بسیار واقعی به بخشی از محیط خانواده تبدیل می شود. اعضای خانواده ممکن است تا حدودی متوجه بروز برخی از تغییرات باشند؛ اما به طور کلی قادر به تعیین اینکه چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است، نمی باشند. آنها فقط متوجه این نکته می شوند که خانه دیگر جای امنی برای آنها نیست و تشویش، تنش و اضطراب، به جای ایمنی و آسایش حکم فرما شده است و آن شخصی که در گذشته کاملاً او را می شناختند، به فردی بد اخلاق و تندخو، یا فردی بسیار خسته و ناتوان تبدیل شده است که تمایلی برای معاشرت با اعضای خانواده خود نیز ندارد. برای مثال، همسر فرد معتاد به دلیل عهده دار شدن وظایف همسر خود، مثلاً در رابطه با تأمین هزینه های جاری زندگی، قادر به تأمین خواسته ها و نیازهای روحی فرزندان خود، که از بی مهری و بی توجهی والدین رنج می برند، نبوده و از این بابت، همواره احساس گناه می کند. یا مادری که

احساس می کند مادر خوبی برای فرزندش نبوده است و نتوانسته است او را به خوبی تربیت کند، یا مادری که احساس می کند پسر خود را به اندازه کافی دوست نداشته و به وی محبت نکرده است و به همین علت پسرش معتاد شده، تلاش می کند تا اعتیاد فرزند خود را توجیه یا پنهان کرده و مسئولیت هایی را که پسرش باید بر عهده بگیرد، خودش دار شود. واکنش هایی که ممکن است والدین یا همسر فرد معتاد، در مقابله با او از خود نشان دهند، به شرح زیر اند:

- وظایف و مسئولیت هایی را که قبلاً بر عهده فرد معتاد بوده است، بر عهده می گیرند.
- تلاش می کنند تا وجود اعتیاد در خانواده را از دیگران پنهان کرده و حتی خودشان نیز این مشکل را انکار کنند؛ چرا که پذیرش این موضوع برای آنها بسیار دشوار است.
- تصور می کنند که اگر فرد معتاد دست از مصرف مواد برداشته و یا میزان مصرف آن را کنترل کند، همه مشکلات آنان حل خواهد شد. آنها به خیال بافی روی آورده و همه مشکلات خانواده را بر گردن فرد معتاد می اندازند.
- به نوعی خود را مسئول و مسبب معتاد شدن عزیزشان دانسته و با حمایت ناسالم، او را قادر می سازند تا اعتیاد خود را ادامه دهد.
- رفتاری توأم با تنفر و خشم علیه فرد معتاد در پیش می گیرند.
- به خاطر احساس شرم و بی آبرویی، ارتباط با دوستان و همکاران و افراد خارج از خانواده را کاهش داده و گوشه گیری و انزوا را به روابط اجتماعی خود ترجیح می دهند.
- اعتماد به نفس و احترام به خودشان را از دست می دهند.

“  
تهیه و مصرف  
مواد، به تنها  
مسئله مهم  
زندگی معتاد  
بدل شده و او به  
تدریج رابطه خود  
با اعضای خانواده  
را کمتر می کند.  
در عوض، رابطه  
بین فرد معتاد و  
مواد مخدر، به  
مفهومی بسیار  
واقعی به بخشی  
از محیط خانواده  
تبدیل می شود  
”

بررسی شیوه‌های باری رساندن به خانواده معتمدان بانگاه مسجدی

# مسجد و مهار آسیب‌های اجتماعی

را در زمینه اعتیاد همراهی و کمک می‌کنند. این موضوع، تربیت فرزندان و خانواده را تهدید می‌کند و آنها را انگشت‌نما می‌نماید.

## نگرانی چهارم

گاهی فرد معتاد تلاش و برنامه‌ریزی می‌کند همسر، فرزند یا فرزندان مثل خود او شوند تا دیگر مزاحمی برای او در این زمینه وجود نداشته باشد. چه بسیار افرادی که به وسیله همسر خود معتاد شده‌اند.

## مسجدها، جدی، علمی و دلسوزانه وارد معرکه شوند

۱. یکی از کارهایی که مسجد می‌تواند انجام دهد، مشارکت و هماهنگی با خیریه محله برای ترک دادن معتاد است. معمولاً هر محله‌ای یک خیریه‌ای دارد. خوب است مساجد با خیریه‌های محلات که شرایط ویژه‌ای مانند بانک‌ها دارند، ارتباط بگیرند تا در برنامه درمان معتمدان مشارکت کنند. افراد را به میزان آسیب‌هایی که خانواده‌شان ممکن است ببینند، در اولویت قرار دهند. سپس به مراکزی هدایتشان کنند که از لحاظ روحی و جسمی کمک می‌کنند افراد اعتیادشان را ترک کنند و برای استقرار معتمدان در آن مراکز، هزینه کنند. نکته بسیار مهم آنکه افراد معتمدی را در نظر بگیرند تا بر روند ترک، نظارت کنند. این گونه نباشد که معتمدان را فقط معرفی کنند و سپس رهایشان سازند.

۲. حمایت از خانواده معتاد در زمان تسرک اعتیاد نیز نکته مهمی است؛ چون در این مرحله خانواده آسیب‌های شدیدی می‌بینند. خانواده‌ها حمایت‌های مالی و کمک‌هایی می‌خواهند تا زمانی که همسرشان نیست، زندگی‌شان را اداره کنند. دلسوزی، مشارکت و کمک مؤمنان مسجد در این باره خیلی مهم است. کسانی که در مسجد رشد کرده‌اند، می‌دانند که باید دست انسان‌های دیگر را بگیرند. افرادی که نمی‌توانند هزینه کنند، می‌توانند وقتشان را برای این کار بگذارند.

۳. مسجد محل رفت‌وآمد خانم‌ها و آقایان است و اگر مرد خانواده‌ای دچار این آسیب شد و در روند ترک قرار گرفت، مسجد خانم‌هایی را که اهل نماز، دیانت و البته رازدار هستند، واسطه کند برای سرکشی به خانواده فردی که در حال ترک است. استفاده از خانم‌ها برای این منظور، آسیب خیلی کمتری نسبت به آقایان دارد.

کمک به انسانی که دچار اعتیاد شده، کمک به خانواده او است و کمک به خانواده معتمدان، در انگیزه‌بخشی ترک اعتیاد و تسریع آن بسیار مؤثر است. فرد معتاد گاهی مجرد است که نوع کمک به او متفاوت است. اما گاهی فرد در شأن بزرگ خانواده، پدر یا همسر خانواده است که اثرگذاری او بیشتر خواهد بود. در این صورت کمک‌رسانی به همسر، فرزند یا فرزندان او اولویت



حجت‌الاسلام  
رجالی تهرانی  
امام جماعت مسجد  
حضرت ابوالفضل (علیه  
السلام) ناحیه شهید  
مصطفی خمینی

بیشتری دارد.

## نگرانی اول

اعتیاد افراد در نقش پدر، مادر و شئون اجتماعی که دارند، امنیت خانواده را با خطری جدی مواجه می‌سازد. این امنیت می‌تواند روحی، روانی، جسمانی، جانی، مالی یا حتی معنوی باشد. اعتیاد یک هجمه همه‌جانبه به امنیت خانواده است؛ لذا این مسئله جامع همه مسائل، مشکلات و نگرانی‌های خانواده‌های معتمدان است. میزان مخاطره در امنیت خانواده از تباطو تنگاتنگ و جدی با نوع اعتیاد افراد دارد. بعضی از اعتیادها افراد را دچار توهمات می‌کند و رفتارهای پرخطری از آنها صادر می‌شود که حتی خانواده‌شان را در معرض خطر و رفتارهای مجرمانه قرار می‌دهد. چه بسا فرد معتاد به آنها آسیب‌های جسمی مهمی نیز بزند.

## نگرانی دوم

رفتارهای معتاد موجب می‌شود شغلش مورد مخاطره قرار گیرد. اگر دارای شغل باشد، به احتمال زیاد با وجود اعتیاد نمی‌تواند در شغلش دوام بیاورد؛ زیرا هم کارفرمای او اجازه نمی‌دهد و هم خودش دیگر بازدهی لازم را ندارد و کارش را از دست خواهد داد و به دنبال آن، امور مالی خانواده با مشکل مواجه می‌شود.

## نگرانی سوم

نگرانی بعدی دوستان معتاد هستند. او احتمالاً دوستان خوبی داشته که حالا باید جای آنها را با دوستانی عوض کند که مثل خودش هستند و او



مسجد

“اعتیاد یک هجمه همه‌جانبه به امنیت خانواده است؛ لذا این مسئله جامع همه مسائل، مشکلات و نگرانی‌های خانواده‌های معتمدان است”



۴. نکته دیگر جنبه آموزشی است. در مساجد باید مباحث فرهنگی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و تربیتی اعتیاد به طور خیلی خوب، علمی و البته قابل فهم برای مردم بیان شود. چون ممکن است برخی که دچار اعتیاد می شوند، خانواده‌هایشان مسجدی باشند. اعتیاد دامی است که برای افراد مختلف جامعه پهن می شود؛ لذا بحث آموزشی در این زمینه و بیان خطرهایی که برای خانواده‌ها دارد، نوع نگاهی که باید به آن داشته باشند، رفتارهایی که باید با اعضای خانواده داشته باشند که منجر به جدایی نشود، خیلی اهمیت دارد. بنابراین آموزش در مساجد می تواند تأثیر بسزایی در کاهش اعتیاد و پیامدهای آن داشته باشد.

توجه بعد از ترک هم لازم است. معتاد اگر از لحاظ ذهنی و روانی اصلاح و ترمیم نشده باشد، احتمال بازگشتش وجود دارد. اینکه بگوییم ما تکلیف خود را انجام دادیم، سم زدایی کردیم و او را ترک دادیم و به خانواده‌اش برگردانیم، جوابگو نیست. باید تا مدتی بر او نظارتی باشد.

یکی از کارهایی که می توان انجام داد، معرفی فرد به خیریه برای مشغول شدن به کاری است. مسجد او را به نحوی مشغول به کاری کند تا هم به اقتصاد خانواده او کمک شود و هم از جهت روانی و ذهنی، بازگشتی به اعتیاد نداشته باشد. همین موضوع زمینه خوبی است برای ارتباط خانواده آن شخص با مسجد.

## زحمت دارد، اما... می‌ارزد!

بررسی کوتاه عملکرد مساجد در مواجهه با معضل اعتیاد

مهدی اسماعیلی  
پژوهشگر در علوم  
اجتماعی

دارد، بسته است. البته گرم خانه‌هایی با این کار کرد ساخته شده، اما به دور از پناه خانه خدا و خادمانی که می خواهند به بندگان خدا خدمت کنند.

نباید این واقعیت را نادیده گرفت که افراد بی خانمان در شهرهای بزرگ عموماً معتاد هستند یا از نظر اخلاقی و رفتاری دچار آسیب شده‌اند. اگر قرار باشد درهای مساجد به روی این افراد باز شود، مساجد به محلی برای اطراق دائم معتادان تبدیل خواهد شد. اما آیا به این بهانه هر فرد بی پناهی را می توان از مسجد راند؟

آمارهای مربوط به کودکان کار و کودکان خیابانی در ایران ضد و نقیض است. اما در این مورد خاص، هیچ نیازی به آمار نیست. کافی است در شهری مثل تهران راه بروید. چه خواهید و چه نخواهید، همه جا پر است از بچه‌های کوچک و بسیار کوچک که کار می کنند (نمی گویم تکدی گری؛ چون وقتی مجبورشان کرده‌اند، دیگر گدایی نیست و برای آنها به معنای واقعی کار است).

مساجد بسیار بزرگی در تهران وجود دارد که زیرزمین آنها به فروشگاه، سالن گردهمایی و حتی بازارچه تبدیل شده است. در چنین مساجدی که اغلب در مناطق شلوغ شهر هم هستند، می شود یک اتاق را به کودکان خسته خیابانی، بی خانمان‌ها یا معتادان اختصاص داد تا به جای اینکه گوشه خیابان، کنج اتوبوس، روی چمن‌های خیس کنار خیابان و ... بخوابند یا زیر باران و برف بمانند، چند ساعتی را در این اتاق‌ها استراحت کنند.

پرواضح است که این موضوع باعث سختی‌ها و مشکلاتی نیز خواهد شد که اولین و بیشترین آنها بر دوش امام جماعت و عوامل رفت و آمد کنندگان در مساجد است؛ اما این از آن کارهایی است که به زحمتش می‌ارزد.

در همه ادیان الهی و حتی غیر الهی مکان‌های عبادت عموماً محلی برای پناه آوردن افراد به آن است. گاهی این پناه آوردن در قالب زندگی کردن در دیر و خود را وقف کلیسا و معبد کردن نمود پیدا می کرد و گاهی در قالبی خاص تر مثل حضور اصحاب صفا در بخشی از مسجد به دلیل فقر و نداری و تلاش برای آموزش و تعلیم مبانی دینی.

با گذشت قرن‌ها هنوز هم این کارکرد در بسیاری از مکان‌های عبادی، به ویژه معابد حفظ شده؛ اما در دین مسیحیت این کارکرد، نمود و قالب‌های جدیدی به خود گرفته است. از جمله آن ایجاد مکان‌هایی برای افراد بی خانمان در کنار کلیساها یا ایجاد مکان‌هایی زیر نظر کلیساها برای افراد نیازمند است.

در این کارکرد خاص، محل‌هایی برای استراحت و خواب شبانه افراد بی خانمان ساخته شده و خانم‌ها و آقایانی که تحصیلات دینی دارند، در این مکان‌ها به مردم خدمت می کنند.

اما متأسفانه مساجد ما کارکرد پناه دادن به بی خانمان‌ها و افراد نیازمند را از دست داده‌اند. تصور کنید یک فرد بی خانمان که معمولاً لباس نامرتب به تن دارد و از نظر بهداشتی هم در وضعیت مناسبی نیست، بخواهد وارد مسجد شود. اول کسی که مانع این حضور خواهد شد، شاید خادم مسجد و گاهی عوامل و ارکان یک مسجد باشند. آیا پسندیده است بنده‌های خدا را از خانه خدا به هر بهانه و بدون در نظر گرفتن جوانب موضوع بیرون کنیم؟

سرمای زمستان، گرمای طاقت‌فرسای تابستان، باران، برف، باد و ... خلاصه هر وضعیتی وجود داشته باشد، به فرض باز بودن در مساجد (که اغلب به جز وقت نماز باز نیستند)، این درها به روی افراد بی خانمان یا هر فردی که نیاز به محلی برای پناه بردن

“  
در مساجد باید  
مباحث فرهنگی،  
اجتماعی، روانی،  
اقتصادی و  
تربیتی اعتیاد  
به طور خیلی  
خوب، علمی و  
البته قابل فهم  
برای مردم بیان  
شود  
”

بررسی نوع نگاه و عملکرد نسبت به فرد معتاد

# معتاد بیمار نیست

آنها استفاده کنیم. مثلاً یک فرد به اهل بیت علاقه مند است ولی اعتیاد هم دارد، ما از این علاقه اش به اهل بیت استفاده کنیم و به قول معروف توی آن جاهایی که سر بزنگاه است، ضربه اثر گذار را بزنیم.

## تقویت تفکر

بعضی ها فقط دنبال تقویت احساس هستند. احساسات فرد را تحریک می کنند و او می تواند کارهای مثبتی هم انجام دهد. اما احساسات یک حالتی است که می آید و می رود و ماندگاری ندارد. باید تفکر، شناخت، فکر و منطق فرد را به کار اندازیم. وقتی تصمیم بر اساس منطق و استدلال و درکی از موضوع باشد، تبعاً آن رفتاری که انجام می دهد نیز رفتار عاقلانه و منطقی است. در غیر این صورت ممکن است الان یک کاری را بکند، فردا پشیمان یا خسته بشود؛ مثل خیلی از ترک های احساسی که بعضی از معتادین انجام می دهند؛ به خاطر ناراحتی مادر یا برادر و... ترک می کند و متأسفانه همان فردی که به خاطر او به صورت احساسی ترک کرده، لغزش گاه دوباره معتاد می شود. اما اگر تصمیم از روی منطق باشد، پایداری بیشتری خواهد داشت.

## تعامل با گروه های رها شده

امام جماعت و مسجد کمک کنند فرد معتاد به گروه هایی که به صورت سلامت از اعتیاد رها شده اند، ملحق شود. زیرا در این گروه ها فرد بازخوردها و اثرات مثبتی که دیگران از ترک اعتیاد گرفتند را می تواند ببیند و تجربه و حرف آنها را بسیار راحت تر از حرف و تجربه کسی که اعتیاد نداشته می پذیرند. دقت داشته باشیم بعضی از گروه ها متأسفانه دچار یک سری انحرافات هستند. مثلاً می گویند «ما چون لذتی را از دست دادیم، باید یک لذتی را جایگزین کنیم که مواد نباشد». در حالی که این درست نیست چون بسیاری از لذت های دیگر مثل الکل، رابطه جنسی و بعضی از هیجانانگیز هستند که اگر آسیب شان بیشتر از مواد نباشد، چه بسا هم اندازه مواد است. گروه هایی شناسایی بشود که هم از لحاظ اعتقادی، هم از لحاظ رفتاری، هم از لحاظ روشی سالم هستند.

## قدم های حساب شده

بعد از این که فرد وارد این گروه ها شد، تازه اول راه است. در این مرحله باید فرد را به سمت درمان های روانشناختی و درمان هایی که زیر نظر متخصصین وجود دارد هدایت کنیم. بحث درمان فیزیکی اعتیاد و بحث سم زدایی اتفاق خیلی مهمی است اما مهمتر از آن، درمان وابستگی ذهنی و روانی است که فرد هنوز به مواد دارد. باید به فرد معتاد توجه داد که او از لحاظ جسمی راحت پاک می شود و سختی اش به این اندازه که از جهت روانی بخواهد وابستگی خود را نسبت به مواد

نوع نگاه ما به اتفاقاتی که در پیرامونمان رخ می دهد، می تواند در رشد، موفقیت، پیشرفت و یا شکست، ناامیدی و سر خوردگی ما و اطرافیانمان تاثیر مستقیم داشته باشد. برای آنکه در مورد اتفاق یا حقیقتی مانند اعتیاد بتوانیم تصمیمی درست و سازنده بگیریم پیش از هر چیز نیاز به اصلاح بعضی از پیش فرض های ذهنی و شناخت برای حرکت سازنده در راستای کمک به خود و خانواده و فرد در بند اعتیاد داریم. در ادامه به بعضی از این امور اشاره می شود.



حجت الاسلام علی عسگری  
کارشناس ارشد روانشناسی کاربردی  
خانواده

## اصلاح پیش فرض ها

ذهنیت مردم را اصلاح کنیم. یعنی زمینه سازی کنیم تا مردم فرد و شخصیت فرد معتاد را از رفتارشان جدا بدانند. هیچ انسان عاقلی به هیچ وجه رفتار منفی - اعم از اعتیاد و غیر اعتیاد - را دوست ندارد؛ ولی این موضوع دلیل نمی شود افرادی که دچار این رفتار هستند را دوست نداشته باشیم. اولین چیزی که باید اتفاق بیفتد، این است که شخصیت این افراد را از رفتارشان جدا بدانیم. نمی توانیم فردی را دوست نداشته باشیم و بخواهیم او را هدایت کنیم. باید تلاش بشود در مسجد و در فضای محله، فرد معتاد و شخصیت او را محترم بشماریم. در این صورت می توانیم از لحاظ عاطفی با اینها ارتباط مثبت بگیریم و ارتباط مثبت، قدم اولی است که به پشتوانه آن فرد می تواند به ما اعتماد کند؛ در غیر این صورت مقاومت می کند و نمی توانیم ارتباط سازنده ای با او داشته باشیم.

## اصلاح باور

یک امام جماعت باید باورهای ناکارآمدی که مردم درباره اعتیاد دارند را اصلاح کند. باورهایی مثل این که «من با یک بار مصرف معتاد نمی شوم»، یا «من تفننی و تفریحی مصرف می کنم و اعتیاد ندارم». در صورتی که اگر به او بگوییم موافقی ۲۴ ساعت مصرف نکنی؟ موافقی مدتی از این موضوعی که فکر می کنی که خیلی راحت از آن جدا می شوی، جدا باشی؟ بعد خود فرد با این تست و سؤال می فهمد این تفکر او با واقعیت فاصله دارد.

## تقویت رفتارهای مثبت

تمام رفتارهای انسانی که در جامعه زندگی می کند، منفی نیست. بعضی رفتارها و افکارش مثبت است. رفتارهای مثبت را تقویت و از



مسجد

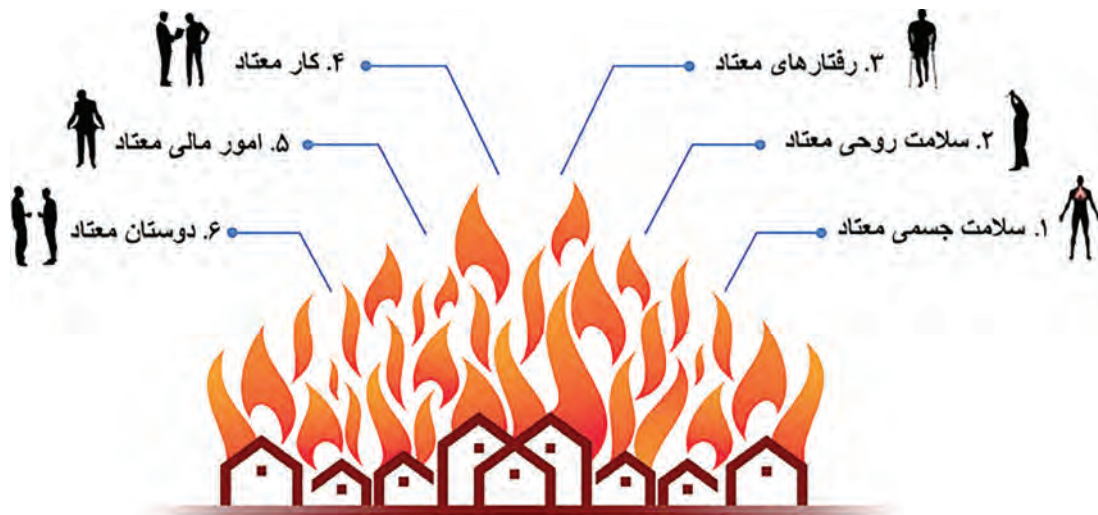
“ بحث درمان فیزیکی اعتیاد و بحث سم زدایی اتفاق خیلی مهمی است اما مهمتر از آن، درمان وابستگی ذهنی و روانی است که فرد هنوز به مواد دارد ”

و وسوسه مصرف مواد و اینکه همیشه احساس می‌کند یک چیزی در زندگی کم دارد، نیست.

### کار درمانی

هر اندازه رفتارهای فیزیکی ما بیشتر شود، رفتارهای فکری و ذهنی ما کمتر می‌شود. وقتی انسان کاری را که نیاز به تمرکز و فعالیت هم‌زمان عصب و عضله دارد انجام می‌دهد، معمولاً افکار مزاحم و وسواسی، فکری که به آنها وابستگی دارد، کمتر او را اذیت می‌کند.

این که مسجد فرد را هدایت کند به سمت یک شغل و یک فعالیت مثبت کاری که کمتر فکر کند، کمتر ذهنش مشغول شود و کمتر تخیل کند، بسیار مهم است. کار درمانی اگر از مسجد هدایت شود، چند اثر مثبت دارد؛ یکی این که فرد - هم از طرف خودش و هم از طرف جامعه - پذیرفتنی تلقی می‌شود. دیگر آنکه شغلی که از مسجد باشد، می‌تواند برای او پایدار باشد و... مورد مقبولیت اجتماعی قرار گرفتن از طرف مردمی که در مسجد او را می‌شناسند هم نگهدارنده خیلی خوبی است.



“  
از سرزنش یا  
حمله کردن به  
آنها خودداری  
ورزید؛ اما  
ضد و نقیض  
بودن حرف‌ها و  
کارهایشان را  
به آنها یادآوری  
کنید  
”

### تأثیرات مخرب اعتیاد بر اعضای خانواده

- باورهای غیر منطقی
- احساس از دست دادن عقل و ابتلا به جنون
- احساس گناه و تقصیر
- ناتوانی در اعتماد به دیگران
- احساس عدم امنیت شخصی
- احساس آسیب پذیری
- ترس از موفقیت و شکست
- ناتوانی در خطر پذیری
- خودداری کردن از انجام کارها به دلیل ترس از شکست
- ناتوانی در پذیرفتن واقعیت‌ها و کنار آمدن با آنها
- ناتوانی در لذت بردن از زندگی
- ترس دائمی
- ناتوانی در پذیرش مسئولیت‌های شخصی
- انکار کردن مسائل و مشکلات
- خشم غیر قابل کنترل

### مبانی اولیه ارتباط با معتاد

- بهبتر است هنگام گفتگو با یک معتاد به خاطر داشته باشیم:
- ۱. در برخورد با آنها رفتاری صبورانه در پیش بگیرد. باید بدانید شما از آنها می‌خواهید از عادت‌های دست بردارند که یک عمر با آنها بوده است. دست برداشتن از اعتیاد به زمان نیاز دارد و یک شبه امکان پذیر نیست.
- ۲. وانمود نکنید که رفتارهای ویرانگر آنها را درک کرده و نادیده می‌گیرید، اما از انتقاد کردن از آنها به خاطر رفتارشان نیز خودداری کنید و سعی نمایید صحبت‌های شما به بحث و جدل تبدیل نشود.
- ۳. از سرزنش یا حمله کردن به آنها خودداری ورزید؛ اما ضد و نقیض بودن حرف‌ها و کارهایشان را به آنها یادآوری کنید.
- ۴. از دستور دادن، تهدید کردن، التماس کردن، رشوه دادن، تشویق کردن، یا مجبور کردن آنها به انجام کاری بپرهیزید. این گونه رفتارها باعث می‌شود اعتیاد فرد معتاد شدت بیشتری پیدا کند.
- ۵. به جای امر و نهی، از آنها بخواهید با شما درباره آنچه در ذهنشان می‌گذرد، صحبت کنند و احساسات خود را برای شما بیان نمایند.



مسجد

تجربه‌های یک امام جماعت در کمپ ترک اعتیاد

# امامان جماعت ما تنها هستند باید کمک‌شان کنیم

## آشتی با معنویت

چالش دومی که این خانواده‌ها دارند و مسجد می‌تواند در رفع آن کمک کند، آشتی اینها با معنویت است. بعضاً خانواده‌هایی را داریم که اصلاً نیاز مالی هم ندارند. مثلاً من فردی را می‌شناسم که متمول بود و در کمپ برای ترک اعتیاد آمده بود و خانواده‌اش در منطقه شمیران تهران زندگی می‌کردند. خب اینها نیاز مالی ندارند؛ اما آسیب‌های دیگری برایشان پیش آمده که نسبت به دین و مذهب بدبین هستند و با وقتی می‌خواهند سمت معنویت بیایند، دچار معنویت‌ها و عرفان‌های کاذب - که متأسفانه خیلی راحت در همین تهران در حال تبلیغ و ترویج‌اند - می‌شوند.

مسجد پایگاه و محوریت معنویت محله است. امام جماعت با همراهی بزرگان و معتمدین محله و مسجد، باید با این خانواده‌ها ارتباط برقرار کند و آنها را با مسجد و معنویت آشنا و همراه کند.

## مسجد ریش سفیدی کند

کمک دیگر مسجد، همراهی و زمینه‌سازی با خانواده برای بازگشت فرد معتاد به آغوش خانواده است. یک نیاز اساسی که خانواده معتادین دارند و حتماً باید روی آن کار شود، رابطه فرد معتاد با خانواده است. در اغلب موارد این رابطه مخدوش و بد است. خیلی از خانواده‌ها حتی فرد معتاد را طرد می‌کنند. در کمپ فردی را داشتیم که چند بار برای ترک آمده بود، ترک می‌کرد و بیرون که می‌رفت، دوباره شروع می‌کرد؛ چون



حجت‌الاسلام حسین اقبالی روحانی جوان و خوش‌رویی است که حدود یک سال و نیم عهده‌دار امامت جماعت در کمپ ترک اعتیاد بهاران در منطقه ۹ تهران بوده است. اقبالی می‌گوید: «در ابتدا خیلی شک داشتم که در این مرکز کارم را شروع کنم؛ اما بعد از گذشت مدت کوتاهی، با تجربه‌ای که به دست آوردم خدا را شاکرم که این موهبت را نصیب من کرد.»

## مسجد محور است

به نظر بنده، امام جماعت موفق امام جماعتی است که خیرین محل و هیئت امنار با خود همراه کرده است. یک سال و نیم در کمپ ترک اعتیاد بهاران به عنوان امام جماعت و مبلغ مذهبی بودم و با این عزیزان مددجو، زندگی کرده‌ام. با این تجربه عرض می‌کنم که مسجد در مسئله اعتیاد - که مشکل جدی این روزهای کشور است - می‌تواند محور باشد. اثر گذاری و حضور مسجد، حد و مرز ندارد. این سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است.

## تأمین نیازهای اولیه

حداقل کاری که برای خانواده‌های معتادین می‌شود و باید انجام داد، این است که مسجدی‌ها با محوریت امام جماعت، این خانواده‌ها را شناسایی کنند و نیازهای مالی و اولیه آنها را با کمک معتمدین محل و خیرین تأمین نمایند.

“ مسجد پایگاه و محوریت معنویت محله است. امام جماعت با همراهی بزرگان و معتمدین محله و مسجد، باید با این خانواده‌ها ارتباط برقرار کند و آنها را با مسجد و معنویت آشنا و همراه کند ”



“  
امام خمینی  
فرمودند  
«نجات یک  
معتاد، نجات  
یک ملت  
است»  
۶

## زیاد صلوات بفرستید!

فردی خدمت آیت‌الله بهجت بیان داشت که سی سال است معتاد بوده و چند ماهی است که ترک کرده، اما خیلی وسوسه می‌شود که دوباره طرف مواد مخدر برود. حال راه مبارزه با این وسوسه چیست؟ ایشان فرمود: زیاد صلوات بفرستید با نیت بهره‌برداری از همه خواص و برکات صلوات؛ از جمله کسب عشق به اهل بیت. عشق به آنها تلذذ از لذت‌های مادی را از بین می‌برد.

سایت مرحوم آیت‌الله بهجت (ره)

خانواده او را طرد کرده بودند. بعد از خروج از کمپ، جایی برای ماندن و از آن مهم‌تر، جایگاهی برای محبت دیدن و محترم شمرده شدن، نداشت و این آغازی بود برای پناه بردن دوباره به دام اعتیاد! مسجد در این محله باید نقش ریش سفیدی را داشته باشد.

در میان مددجویان، افرادی را داشتیم که قبل از اعتیاد، زندگی موفق داشتند؛ مدیر بودند، تکنسین فنی و بااستاد دانشگاه بودند. خوب وقتی چنین شخصی معتاد می‌شود، خانواده او به لحاظ اجتماعی ضربه زیادی می‌خورد. خانواده او را طرد می‌کند، محل زندگی و آشنایان خود را تغییر می‌هد و حتی در مواردی وجودش را انکار می‌کند! این واقعیت تلخی است. باید امام جماعت با کمک خیرین محله، خانواده را از انزوادر بیاورد، موضوع را برای او تبیین کند و ارتباط خانواده با فرد معتاد را ترمیم نماید.

تجربه‌ام می‌گوید این مشکل، خیلی چشمگیر است. باید امامان جماعت، بعد از شناسایی و ارتباط با خانواده‌ها، روی این رابطه کار کنند. باید بتوانند با صحبت، نصیحت، آموزش، کمک گرفتن از دوستان و معتمدین محل، اقوام و... این رابطه را ترمیم کنند تا خانواده، معتاد خود را بپذیرد.

### گفتمان‌سازی؛ اولین اقدام

اول باید نگاه به اعتیاد و معتادین در همه امامان جماعت و همه روحانیون حل شود. قدم بعدی هم گفتمان‌سازی این موضوع در جامعه توسط همین امامان جماعت است. اولین اقدام به نظر من، انگیزه‌سازی برای خیرین محل و هیئت امنای مسجد، توسط امام جماعت است. امام جماعت، معتمدین محل و امنای مسجد سه ضلع یک مثلث هستند. امام جماعت باید بتواند گفتمان‌سازی و انگیزه‌سازی ایجاد کند؛ ابتدا برای امنای مسجد و محل و سپس عامه مردم، تا نگاه‌ها به معتادین و بالتبع خانواده معتادین، تغییر کند و بتوان خانواده را از انزوادر محل خارج کرد و نگاه مردم اصلاح شود و تغییر کند. هنوز نگاه‌هایی را در جامعه داریم که می‌گویند اصلاً روحانیت را به اعتیاد چه کار و این مطلبی است که من خیلی شنیده‌ام. ابتدا باید این نگاه را درست کرد. امام خمینی فرمودند «نجات یک معتاد، نجات یک ملت است». باید این اهمیت برای مردم تبیین و گفتمان‌سازی شود. من در هر محله‌ای که امام جماعت باشم، اولین اقدام همین انگیزه‌سازی و گفتمان‌سازی است. البته این را هم بگویم امامان جماعت ما تنها هستند، باید کمک‌شان کنیم؛ خیرین و مردم کمک کنند.

### امید واقعی

ما روحانیون باید بتوانیم به این خانواده‌ها امید دهیم؛ امید واقعی، نه امید واهی. بعضاً خانواده‌ها دچار یک امید واهی و خیالی هستند؛ همه مشکلات را در اعتیاد و فرد معتاد می‌بینند. اینکه اعتیاد بسیار مشکل‌آفرین است، شکی نیست؛ اما در این گونه خانواده‌ها، افراد حتی کم‌کاری‌های خود را هم به اعتیاد یکی از اعضای خانواده نسبت می‌دهند. باید با این خانواده‌ها ارتباط برقرار کرد و آنها را با واقعیت‌ها روبه‌رو و آشنا ساخت. باید برای حرکت و تکاپو انگیزه‌مند شوند. باید آینده روشنی را که در گرو تلاش خودشان است، به آنها نشان داد.

# خانوادهٔ يك معتاد، به زلالي و صفاي مسجد نياز دارد



مسجد

طاهره صادقيان  
مددکار اجتماعي و  
نائب رئيس مؤسسه  
آسيبهاي اجتماعي  
نيکانديشان آتیه

## مشكلات خانوادهٔ يك معتاد ۱. هموابستگي

هموابستگي يعنى داشتن رابطهٔ ناسالم يك فرد با ديگران. بررسي ها نشان مي دهد فردي كه در يك خانوادهٔ معتاد يا از هم گسيخته بزرگ شده است، احتمالاً به عارضهٔ هموابستگي دچار مي شود. اعتياد روي همهٔ افراد خانواده تأثيرات سوء و منفي مي گذارد. فردي كه با معتاد زندگي مي كند، دغدغه دارد به هر شكلي مانع ادامهٔ مصرف مواد مخدر يا تشويق و تهديد فرد معتاد به ترك اعتياد شود و او را كه از كنترل خارج شده است، تحت كنترل خود در آورد. به اين ترتيب آنها نيز به اندازهٔ خود شخص معتاد، سنجش واقعيت ها را از دست مي دهند و حقايق را نمي بينند. آنها به مشكلات خودشان نمي انديشند؛ زيرا تحمل و پذيرش مشكلات براي آنان بسيار دردناك است. آنان تر جيح مي دهند بيشتر در مورد شخص معتاد بينديشند تا به مسائل و مشكلات شخص خودشان.

## ۲. احساس گناه

اعضای خانواده معتاد اغلب احساس گناه زيادي دارند و فكر مي كنند در اين زمينه مقصر هستند. به طور عمومي، شخص معتاد مسئوليت خود را انكار مي كند و كس ديگري بايد مسئوليت او را بر عهده گيرد. پس اعضاي خانواده اين گناه را بر گردن مي گيرند. همسر ممكن است فكر كند اگر زن خوبي بود، همه چيز به خوبي پيش مي رفت. مادر بر اين تصور باطل است كه چنانچه وظيف مادري را به خوبي انجام مي داد، فرزندش معتاد نمي شد و... آنها از روش هاي ناله كردن، گول زدن، تهديد، گريه، گلایه، شكايت، بازي دادن و دروغ گفتن استفاده مي كنند. كوشش آنان براي كنترل ممكن است تا اندازه اي و به شكل مقطعي كار آيي داشته باشد. زن ممكن است به محل كار شوهرش تلفن بزند تا مطمئن شود وي به سر كار رفته است؛ زيرا تصور مي كند براي به موقع سر كار رفتن شوهرش مسئوليت دارد. در نتيجه هنگامي كه زمان سر كار رفتن همسرش فرامي رسد، اضطراب پيدا مي كند. پسر كوچك خانواده ممكن است تلاش كند در مدرسه نمره هاي خوبي بگيرد. او با اين عمل انتظار دارد كه پدرش نيز مصرف مواد را متوقف سازد. اين كودك تصور مي كند بين نمره هاي او و مشكلات خانواده ارتباطي مستقيمي وجود دارد. گاهي مواد مخدر را ناپود يا پنهان مي كنند و به طور دائم لباس هاي فرد را بازرسي يا دوستان او را تهديد مي كنند. بددهنی، مشاجره و گريه، رفتارهايي است كه آنان انجام مي دهند و حتي ممكن است فرد معتاد را از خانه بيرون بيندازند، شايد از اين طريق بتوانند وضعيت را كنترل كنند و آرامش را به خانه بازگردانند.

“  
اعضای خانواده  
معتاد اغلب  
احساس گناه  
زيادي دارند و  
فكر مي كنند در  
اين زمينه مقصر  
هستند  
”



### ۳. از دست دادن کنترل

مشکل بعدی که بسیار چشمگیر است، این واقعیت تلخ است که خانواده هر چه نیروی بیشتری صرف کنترل شخص معتاد می‌کند، تماس با خودشان را از دست می‌دهد. آنان آن قدر غرق در مسائل شخص معتاد می‌شوند که خودشان را فراموش می‌کنند. آنان نمی‌دانند چه می‌خواهند. نمی‌دانند چه احساسی دارند و نمی‌توانند خواسته‌های خود را مطالبه کنند. نمی‌توانند احساساتشان را در میان بگذارند. این موضوع باعث می‌شود روابط بین فردی آنان بی‌ثبات و ناخشنود کننده باقی بماند. آنان نمی‌توانند از احساسات واقعی خودشان برای حل مشکلات استفاده کنند؛ بنابراین تا وقتی که از کنترل خارج هستند، مشکلات آنان به طور مرتب زیاد می‌شود. آنها به دور خود می‌چرخند و دیوانه‌وار می‌کوشند خانواده را با ثبات و آرام نگه دارند.

### ۴. احساس شرم

خانواده یک فرد معتاد احساس شرم عمیقی می‌کند. اعضای خانواده احساس می‌کنند اشکالی دارند. آنان گمان می‌کنند چون کارهای لازم را انجام نداده یا به حد کافی کار نکرده‌اند و زمان زیادی برای فرد معتادشان صرف نکرده‌اند، این مشکل پیش آمده است. بیشتر این خانواده‌ها تصور می‌کنند اگر می‌توانستند تعهد بیشتری نسبت به وظایف خود در قبال فرد معتادشان داشته باشند، همه چیز درست می‌شد. آنها همواره کوشش می‌کنند، اما پیوسته با شکست مواجهه می‌شوند. هرگز نمی‌توانند با این کابوس همیشگی که یک فرد از خانواده آنها مواد مخدر مصرف می‌کند، کنار بیایند.

### واما مسجد...

مسجد، به عنوان نمادی از محل تجمع مسلمانان در راستای حل مشکلات مؤمنان و باخبر شدن از وضع یکدیگر، می‌تواند در فراهم آوردن بسترهای لازم برای حمایت اجتماعی و اقتصادی از خانواده و فرد معتاد، نقش مشورتی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. اجرای برنامه‌های آموزشی و درمان همه جانبه بیماران که از جمله آنها می‌توان به برگزاری کلاس‌های گروهی، مشارکت دادن خانواده‌ها در درمان فرد معتاد و تلاش برای یافتن راهکاری جهت متقاعد کردن بیماران به مراجعه به مراکز درمانی به جای عطاری‌ها، اشاره کرد، محور اصلی مباحثی است که می‌تواند در مساجد توسط کارشناسان مطرح گردد.

گزارشی از «مسجد الرحمن» شهر کوالالمپور که کمپ ترک اعتیاد ایجاد کرده است

# جای معتاد در مسجد... هست!

سعید فیاضی

هر دوشنبه و پنجشنبه صبح، مردی میانسال مسیری را به مدت یک ساعت و نیم با اتوبوس طی می‌کند تا به برسد. نماز می‌خواند و به جایی در طبقه فوقانی مسجد برای پیگیری مراحل درمانش مراجعه می‌کند.

او که به دلیل حفظ آبرویش در جامعه مسلمان مالزی نمی‌خواست نامش فاش شود، می‌گوید: هفت سال بود که به مواد مخدر معتاد بودم، اما از سال پیش به این مسجد برای ترک اعتیاد آمده‌ام. در این یک سال با برنامه‌هایی که مسجد برایمان گذاشته، موفق به درمان شده‌ام و حتی شغل آبرومندانه‌ای هم پیدا کرده‌ام.

با وجود آنکه تصور بسیاری از مردم بر این است که «مسجد» محلی برای درمان اعتیاد به مواد مخدر نیست، مسلمانان کشور مالزی در مسجدی در شهر کوالالمپور یک کلینیک ترک اعتیاد ایجاد کرده‌اند. مسئولان این کلینیک ترک اعتیاد معتقدند این امر در مساجد قابل اجراست و بیانگر اهمیت مقابله با مشکلات اجتماعی است.

نظام یوسف عضو هیئت‌امنا مسجد می‌گوید: موافقت برای میزبانی از این طرح به این دلیل بود که دیدیم این برنامه به تغییر و بهتر شدن زندگی مردم کمک می‌کند و ما می‌دانیم که مسجد جایی است برای بهتر شدن زندگی مردم. او این گونه ادامه می‌دهد: البته در ابتدا مخالفت‌هایی از سوی مردم برای این کار بود، اما من باور دارم که کار خوبی را شروع کرده‌ایم. همین الان بعد از چهار سال که این طرح را شروع کرده‌ایم، افرادی بسیاری را که قبلاً معتاد بودند، در مسجد می‌بینم و خبر دارم که توانسته‌اند شغل جدیدی پیدا کنند، از دواج نمایند و تشکیل خانواده دهند.

این کلینیک، زاییده افکار «دکتر محمد حسین هابیل» مدیر برنامه‌های مرکز مبارزه با اعتیاد، مستقر در دانشگاه مالا یا در کوالالمپور است. در حال حاضر مالزی برای ریشه کن کردن اعتیاد

“  
بعد از چهار سال  
که این طرح را  
شروع کرده‌ایم،  
افرادی بسیاری  
را که قبلاً معتاد  
بودند، در  
مسجد می‌بینم  
و خبر دارم که  
توانسته‌اند شغل  
جدیدی پیدا  
کنند، از دواج  
نمایند و تشکیل  
خانواده دهند  
”



مسجد

مواد مخدر، یا انجام برنامه‌های توانبخشی و صرف میلیون‌ها دلار در طول سال یا حتی تعیین مجازات اعدام برای معتادان، با شکست مواجه شده است. دولت این کشور در سال ۲۰۰۵ به این نتیجه رسید که در برنامه‌های پیشگیری از مصرف مواد مخدر شکست خورده است؛ به همین دلیل روش‌های انسان‌دوستانه و نیز طرح‌هایی با محوریت مبانی دینی با کمک مساجد را سنگ‌بنای برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر قرار داد.

رشیدی عبدالرشید، یکی از مسئولان مرکز تحقیقاتی علوم اعتیاد در دانشگاه مالزی می‌گوید: برای درمان معتادان ایجاد کلینیک تخصصی در کنار مساجد بسیار تأثیرگذارتر از بستری کردن آنها در بیمارستان‌ها است. به همین دلیل افرادی که برای درمان اعتیاد خود به کلینیک مسجد می‌آیند، برای ما مشکلی ایجاد نمی‌کنند و در فرآیند درمان نیز بسیار مشتاق‌تر و همراه‌تر هستند.

کارلوس، مردی ۴۸ ساله که از بیماران این کلینیک است، می‌گوید: تقریباً سی سال معتاد بودم و از سال پیش برای ترک اعتیاد اقدام کردم. در این مدت به خاطر توقف مصرف هر وین توانستم پول بیشتری پس‌انداز کنم و یک خانه کوچک برای خانواده‌ام بخرم. خیلی خوشحالم که این کلینیک در مسجد است. واقعاً باعث افتخار است که یک مسجد که محل عبادت و راز و نیاز است به فکر افراد معتاد باشد که اغلب از طبقه محرومین هستند. فکر می‌کنم اسلام هم همین را می‌خواهد.

دست به تلاش‌های گسترده‌ای زده است. این مسجد خدمات ارزان و در دسترس را برای مصرف‌کنندگان مواد مخدر ارائه می‌دهد. مزیت دیگر وجود این کلینیک تأمین نیازهای معنوی افراد تحت درمان می‌باشد، که اغلب در درمان اعتیاد، به این موضوع توجهی نمی‌شود. البته ایجاد مراکز درمان اعتیاد و پیشگیری از ایدز در مساجد موضوع جدیدی نیست. هم‌اکنون در تایلند و اندونزی برخی از مساجد، خدمات اجتماعی از جمله درمان‌های دارویی ارائه می‌دهند؛ اما برنامه این مسجد در نوع خود اولین و بی‌سابقه‌ترین به شمار می‌رود؛ چراکه درمان را با ارشاد و هدایت دینی درآمیخته است.

دکتر هابیل می‌گوید: یکی از پایه‌های اصلی ما در این طرح درمانی تکیه بر «تقویت معنوی» است؛ چون معتقدیم تقویت بنیه‌های معنوی فرد در ترک سریع‌تر و جلوگیری از آلودگی مجدد مؤثر است. ایده اصلی ما این بود که دین و هدایت دینی می‌تواند نتیجه‌ای بهتر از سایر درمان‌ها از خود نشان دهد. در این مسجد بیماران باید قبل از مراجعه به پزشک، در هشت هفته اول، نماز خود را در مسجد بخوانند و همچنین جلسات مذهبی هفتگی جزء برنامه‌های این طرح برای بیماران است که توسط علمای دینی به صورت گفتگوهای مستقیم انجام می‌شود. البته شرکت در نماز جماعت یا برنامه‌های مذهبی برای هیچ‌یک از بیماران اجباری نیست، اما تقریباً همه بیماران که به این روش درمان اعتماد دارند و نتایج آن را در سایر افراد دیده‌اند، داوطلبانه در نماز و مراسم مذهبی شرکت می‌کنند.

در مالزی طرح‌های بازدارنده مثل حبس هزاران نفر از مصرف‌کنندگان

“  
واقعاً باعث افتخار است که یک مسجد که محل عبادت و راز و نیاز است به فکر افراد معتاد باشد که اغلب از طبقه محرومین هستند. فکر می‌کنم اسلام هم همین را می‌خواهد  
”

## مسجد ثارالله پناهگاه مشکلات اجتماعی

پیر مرد به مسجد پناه آورده و نزد رسول مهربانی صلی الله علیه و آله از احوال پریشان و برهنگی و گرسنگی خود شکایت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها راهنمایی کرد. فاطمه زهرا سلام الله علیها که برای سومین روز او و اهلس در گرسنگی به سر می بردند پوست گوسپندی که فرزندانش حسن و حسین را روی آن می خوابانید و گردن بندی که دختر عیدالمطلب به او هدیه داده بود را به مرد عرب داد و...  
اصحاب صفه، ابتدا به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله پناه برده بودند و در آنجا سکونت داشتند. در قرآن کریم از آنان به عنوان فقرا می‌آید که در راه خدا فرو مانده‌اند، یاد شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله مددکارشان بود و در مشکلات و غم آنها، همراهی شان می کرد. گاهی خود برای آنان طعام می برد و با آنها هم نشین می شد و غذا می خورد. شب هنگام آنها را بین سایر اصحاب خویش برای نگهداری تقسیم می کرد و...  
مسجد ثارالله هم با الگوگیری از اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله سال‌هاست که راهنمای بی کسان، سنگ صبور دردمندان، پناهگاه طردشدگان، یار و یاور نیازمندان است.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۰

دائرة المعارف الشیعیة العامه، ص ۵۴۱

۱۹. طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۶





بررسی نوع نگاه و عملکرد نسبت به فردمعتاد

## دانش کافی نیست، امام جماعت باید دلی بزرگ داشته باشد

مسجد نثارالله شاید به نسبت بسیاری از مساجد شهر بزرگی چون تهران، قدمت چندانی نداشته باشد؛ ولی ریشه‌های عمیقی در دل محله «شهرک والفجر» دوانده، ریشه‌هایی که این روزها تا بسیاری از محلات دیگر پایتخت و حتی شهرهای اطراف نیز کشیده شده است. مسجدی که از یک سوله کوچک و همت‌هایی بزرگ با روح محبت و دردشناسی آغاز شد و این روزها می‌توان آن را «مسجدی در تراز اسلام» معرفی کرد. البته موفقیت یک مسجد بدون وجود امام جماعتی قوی ممکن نیست. استقامت اهل مسجد، به امام جماعت آن بستگی دارد.

ملاقات با حجت‌الاسلام تقوا، امام جماعت مسجد نثارالله برای ما موقعیت ویژه‌ای بود تا استقامت و پایداری را در فعالیت‌های مسجدی ببینیم. ایشان برای آنکه در قامت یک پیش‌نماز انجام‌وظیفه کند، علاوه بر تحصیلات حوزوی با گرایش حقوق قضایی، مدرک مهندسی صنایع کشاورزی و فوق‌لیسانس مدیریت صنعتی از دانشگاه تربیت مدرس را ابزاری برای خدمت به مسجد و مردم قرار داده است. جهت آشنایی بیشتر با فعالیت‌های مسجد نثارالله، نشریه مسجد گفتگویی با حجت‌الاسلام تقوا انجام داده است که در ادامه تقدیم می‌شود.

آن حل خواهد شد. برای حلال مشکلات بودن، برخورداری از دانش کافی نیست، بلکه قبل از هر چیز دلی بزرگ می‌خواهد و چشم‌هایی که نه تنها امروز، بلکه فردای تو را نیز مدنظر گیرد و برای آن برنامه‌ریزی کند. مسجد هر محله باید پناهگاه مردم و خصوصاً جوانان و دردمندان باشد و در همه ابعاد به مردم محله خدمات ارائه کند. مسجد، به دلیل برخورداری از جایگاه همه‌جانبه و ظرفیتی که متوجه همه ابعاد زندگی انسان است، می‌تواند به‌عنوان یک نهاد اجتماعی قوی، به ارائه

**مسجد** به نظر شما یک مسجد موفق چه ویژگی‌هایی دارد؟

آبادانی و شکوه مسجد، فقط به زرق و برق گنبد و مناره نیست؛ بلکه حضور مردم و چاره‌ساز بودن مسجد برای مخاطبان، مهم‌ترین مصداق آبادانی و زنده بودن آن است. در مسجد نثارالله به خوبی درک می‌کنید که مسجدی که به درد مردم رسیدگی می‌کند، نمازهایش هم زیباتر برگزار می‌شود. اگر مسجد در تراز اسلام باشد و محور هر محله قرار داده شود، خواه‌ناخواه بسیاری از مشکلات محله به برکت

به کوشش  
سعید علی بیگی

“  
آبادانی و شکوه  
مسجد، فقط  
به زرق و برق  
گنبد و مناره  
نیست؛ بلکه  
حضور مردم و  
چاره‌ساز بودن  
مسجد برای  
مخاطبان،  
مهم‌ترین  
مصداق آبادانی  
و زنده بودن آن  
است  
”

## نجات کودکی که امیدی به زنده ماندنش نبود

حدود ده سال پیش خانواده‌ای برای درمان فرزند سیزده‌ساله خود به مسجد ثارالله مراجعه کردند. این خانواده کُردستانی با پسری باندپیچی شده که از گردن تا نوک پا دچار سوختگی با روغن شده بود، پس از جواب رد شنیدن از بیمارستان‌های کُردستان و تبریز، راهی تهران شده بودند. در تهران امکان درمان وجود داشت، ولی پرداخت هزینه‌های بالای درمان، برای این خانواده ممکن نبود. به مسجد ما مراجعه کردند و الان آن پسر بچه ۲۳ سال سن دارد و با انجام جراحی‌های بسیار و لیزر درمانی، حدود ۸۰ درصد بهبود یافته است و هنوز هم درمانش ادامه دارد. حتی گوش او به صورت کامل بر اثر سوختگی از بین رفته بود که گوش مصنوعی برای او نصب شد. همه هزینه‌های درمان وی طی این سال‌ها از محل صندوق مسجد پرداخت شده است.

خدمت و هدایت و راهنمایی انسان‌ها پردازد. انسانی که در دنیای خود هدف رسیدن به جایگاه ساخت «انسان کامل» را نشانه‌گیری کرده است، نیاز بسیاری به در آمیخته شدن در مسجدی در تراز اسلام دارد. مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بیان پر معنایی فرموده‌اند که اگر مسجد، کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد شد.

## پیش قدم فرمودید یک مسجد تراز در همه جوانب برای افراد محله بر نامه دارد؛ یعنی به نظر شما مسجد حتی به سلامت جسم افراد یک محله هم باید پردازد؟

بله، همین طور است. ما تلاش کرده‌ایم محیط مسجد، محیطی دینی و مذهبی صرف نباشد. دو شب در هفته در مسجد آموزش پزشکی به همراه مشاوره و ویزیت رایگان پزشکی داریم. یک شب دکتر عصمت که فوق تخصص جراحی قلب دارند، از طریق ویدئوپروژکتور در شبستان مسجد به آموزش مسائل پزشکی، معرفی نشانه‌های بیماری‌ها و درمان آنها برای عموم می‌پردازد؛ به طوری که اعضای مسجد ماطی این چند سال، به احاطه کاملی بر مسائل پزشکی دست یافته‌اند.

پزشک دیگر دکتر همایی متخصص طب سنتی است که ضمن آموزش مطالب مرتبط با طب سنتی، گیاهان دارویی و خواص آنها، به مشاوره و درمان رایگان افراد می‌پردازند. توانسته‌ایم در مسجد، تعداد زیادی از پزشکان خیر را مجتمع سازیم. پزشک قلب، دندان پزشکی، پزشک اطفال و سایر تخصص‌ها از طریق اعتماد به مسجد، جذب این کار شده‌اند و به صورت رایگان یا نهایتاً یک‌دهم مبلغی که پزشکان می‌گیرند، به نیازمندی که از طرف مسجد معرفی می‌شوند، خدمات می‌رسانند.

بیماران بسیاری به طور دائم از طریق مسجد، تحت پوشش خدمات پزشکی‌اند. برخی از معتادان ترک کرده، پس از ترک با بیماری‌های بدی چون هیپاتیت مواجه هستند که در معرفی پزشک، تهیه دارو و تأمین هزینه‌ها، به آنها کمک می‌کنیم.

## پیش قدم در زمینه حل آسیب‌های اجتماعی نیز فعالیتی داشته‌اید؟

یکی از کارکردهای مهم مساجد، نقش اجتماعی آن و مشاوره و راهنمایی مخاطبان است. مسجد باید بتواند در چارچوب‌های اجتماعی، حقوقی و خانوادگی، به عموم اهالی محل خدمات مطمئن و رایگان ارائه دهد. توانسته‌ایم با ارتباط گیری با استادان مجرب، خدمات ویژه‌ای به مراجعان ارائه دهیم. هدف ما پیشگیری از طریق مشاوره‌های پزشکی، حقوقی و خانوادگی است. احیاء و آموزش یکی از آموزه‌های مهم دینی و اجتماعی، به نام مشورت، می‌تواند یکی از اهداف پنهان و ناخودآگاه این حرکت جمعی در مسجد باشد. از سوی دیگر ارتقا سطح اطلاعات عمومی مردم، به‌ویژه اهالی مسجد در حوزه‌های عمومی، می‌تواند چاره‌ساز بسیاری از دردهای دوران زندگی امروزی باشد.

در تیم‌های تخصصی مختلف، تیم‌های مشاوره در مسجد تشکیل داده‌ایم. تا حد ممکن مشکلات خانوادگی را توسط امام جماعت مرتفع می‌کنیم و اگر مسئله تخصصی باشد، به مراکز تخصصی

مطمئن ارجاعشان می‌دهیم. در مسجد تیم‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی با تخصص کودکان، روابط قبل و بعد از دواج و ... داریم که مراجعان بسیاری را تحت پوشش قرار می‌دهند. با ارتباطی که با بسیج حقوقدانان داریم، به صورت رایگان، هفته‌ای یک روز خدمات حقوقی رایگان برگزار می‌کنیم. کارشناسان ما قضات بازنشسته‌ای هستند که به تمام فوت و فن‌های حقوقی و قضایی اشراف کامل دارند.

## پیش قدم از کارهای خوب مسجد شما برگزار می‌کنید. تحصیلی برای همه محصلین ممتاز محله و جشن تکلیف است. کمی در این باره توضیح بفرمایید.

هر ساله در تابستان، به مناسبت یکی از مناسبت‌های مذهبی یا ملی، پس از پایان سال تحصیلی، برای دعوت همه محصلین از دبستان تا دانشگاه، حتی برای طلبه‌های حوزه علمیه که معدلشان از حد مشخصی بالاتر باشد، در محله فراخوان پخش می‌کنیم که با ارائه مدارک تحصیلی و سکونت خود از جوایز خوبی که در جشن برای آنها در نظر گرفته شده است، بهره‌مند شوند. در این جشن افراد زیادی به همراه والدین خود حاضر می‌شوند و همین عاملی برای آشنایی بیشتر اهالی محل با مسجد و فعالیت‌های آن می‌شود. در بسیاری از موارد با اعلام همکاری این افراد با مسجد، در موارد مختلف، از قبیل پزشکی و حقوقی، با جذب منابع مالی و معنوی مواجه می‌شویم. قسمت عمده‌ای از تیم پزشکی مسجد، پدر و مادرهای بچه‌هایی هستند که در جشن دانش‌آموزی سالانه مسجد شرکت می‌کنند. این جشن دانش‌آموزی حدود بیست سال است که برای دانش‌آموزان برگزار می‌شود.

برنامه دیگر آن است که به نوجوانانی که به سن تکلیف می‌رسند، در مسجد هدیه تکلیف اختصاص داده‌ایم که خانواده‌ها با مراجعه به مسجد، این هدایای فرهنگی مناسب سن تکلیف را دریافت می‌کنند.

“  
قسمت عمده‌ای  
از تیم پزشکی  
مسجد، پدر  
و مادرهای  
بچه‌هایی هستند  
که در جشن  
دانش‌آموزی  
سالانه مسجد  
شرکت می‌کنند  
”



## سالی ۴۰ مسابقه با جوایز پر تعداد

یکی از کارهای ویژه مسجد نثارالله، برگزاری مسابقات فرهنگی در تمام اعیاد و مناسبت‌های ملی است. یکی از شیوه‌های آموزش، برگزاری مسابقات هدفگیری شده و فعال کردن مخاطبان برای انجام تحقیقات علمی است. سالانه نزدیک به چهل مسابقه برگزار می‌شود که عموم مردم حق حضور در آن را دارند. جوایز هم به تعداد بالا به شرکت کنندگان اختصاص می‌یابد؛ به طوری که در هر مسابقه حدود پنجاه جایزه اهدا می‌شود. البته ما به تمام بچه‌هایی که در مسجد حضور دارند، بدون هیچ پیش شرط و مسابقه‌ای جایزه می‌دهیم. جوایز را با قیمت‌های مناسب و به صورت عمده‌ای می‌خریم و در تعداد بالا مقابلشان قرار می‌دهیم تا با نظر و سلیقه خود انتخاب کنند. باید ضمن جذب بچه‌ها به مسجد، خاطرات خوبی را نیز برای آینده‌شان بسازیم. مسجد نثارالله به گونه‌ای عمل کرده که معمولاً بچه‌ها، والدین خود را به مسجد می‌آورند و حتی از محله‌های اطراف هم در مسجد حاضر می‌شوند.

این کارها سبب شده مراجعات خانواده‌ها به مسجد افزایش یابد و شناخت‌ها کامل تر شود.

### هدف‌تان از تشکیل صندوق خیریه مسجد نثارالله چه بوده است؟

شناسایی فقرا و محرومان محله، باید توسط یک نهاد مطمئن و قابل اعتماد همچون مسجد صورت گیرد. هدف از تأسیس این صندوق، کمک به خانواده‌های بی بضاعت، شناسایی فقرا و محرومان محله و تسهیل مسائلی چون ازدواج و اشتغال بود. صندوق مسجد در طول سال به فراخور مشکلات خانواده‌ها، هزینه‌های پزشکی، تحصیلی، تهیه لوازم منزل یا هزینه‌های غیرمترقبه دیگری پرداخت می‌کند. علاوه بر آن حدود شصت نفر از این اعضا، افرادی هستند که هیچ ستاره‌ای در آسمان ندارند؛ یعنی خودسرپرست و از کارافتاده‌اند و درآمد مستمری و بازنشستگی ندارند. امورشان با پارانه یا مختصر درآمد حاصل از کار در منزل می‌گذرد. ما برای این افراد مستمری نقدی ثابت به صورت دائمی در نظر گرفته‌ایم که به صورت ماهانه برایشان واریز می‌شود و در کنار آن، سبد کالا نیز به صورت ماهانه در اختیارشان قرار می‌گیرد. تا به حال حدود چهارصد نفر در این صندوق دارای پرونده شده‌اند.

برای مراجعان موردی که برای مسائلی چون ازدواج به مسجد مراجعه می‌کنند و نیاز به مبالغ حداقلی دارند نیز بدون دریافت چک، سفته یا ضامن، و صرفاً با اخذ مدارک شناسایی، وام‌های کوچک در نظر گرفته‌ایم. اگر در راه‌مانده‌ای به مسجد مراجعه کند، صرف دریافت یک مدرک شناسایی، هزینه ایاب و ذهابش را پرداخت می‌کنیم و هر زمان برای پرداخت مبلغ مراجعه کند، مدرکش برگردانده می‌شود. برای افراد

## ازدواج آسان باید گسترش یابد

حوزه دیگری که به آن ورود کرده‌ایم، بحث ازدواج آسان است. از طریق ارتباطی که با استاد جهیزیه داریم، مراجعات در خصوص تهیه جهیزیه را به صورت نیمه‌خبریه و گاهی رایگان پاسخگو هستیم. برای برگزاری مجالس نیز با تشکیل تیم تخصصی به ارائه خدماتی از قبیل گل آرایی، سالن پذیرایی، البته صرفاً با میوه و شیرینی، سالن آرایش و عکاسی می‌پردازیم که با هزینه بسیار بسیار اندک به زوج‌های جوان ارائه می‌شود.

مراجعه‌کننده به صندوق که توانایی کار کردن داشته باشند، در حد توان اشتغال‌زایی می‌کنیم؛ حتی در کارهای مسجد از قبیل نظافت و آشپزی، در ازای پرداخت حقوق مشارکتشان می‌دهیم و در کنار آن، تحت پوشش سبد کالا و برخی کمک‌های مورد نیاز نیز قرارشان می‌دهیم. برای همه این کارها با تحقیقات پیش می‌رویم و ریال به ریال را با حساب و کتاب هزینه می‌کنیم و ریالی بدون تحقیقات، به کسی نمی‌دهیم؛ چرا که اعتقاد داریم کمک کردن یک مسئله است و حق را به حق‌دار رساندن مسئله‌ای دیگر. یک تیم تحقیقات در مسجد تشکیل داده‌ایم که با حضور در منازل و محله مراجعان به صندوق مسجد، از صحت درخواست آنان مطمئن شویم و راه سوء استفاده را بسته باشیم. علاوه بر آن تحقیقات سالانه و دو سال یک بار نیز جهت بررسی تغییر وضعیت افراد تحت پوشش داریم و در صورت بهبود وضعیت، مستمری‌ها قطع می‌گردد.

### به عنوان سؤال آخر بفرمایید که این فعالیت‌ها مردمی است یا همه‌زبنه آن برعهده مسجد است؟

بیشتر کمک‌ها، مستمری‌ها و حتی سبدهای کالا، از هدایای مردمی است. مردم به واسطه صداقت و خلوصی که در مسجد دیده‌اند و از نزدیک آثارش را لمس کرده‌اند، به این کار کمک می‌کنند. گاهی خود مردم را برای ارسال کالاها اعزام می‌کنیم و آنها وقتی صداقت ما را می‌بینند، به صورت خودکار و مداوم برای کمک حاضر می‌شوند. مادر مسجد فقط نقش واسطه‌ریازی می‌کنیم. بسیاری از پزشکان تیم پزشکی مسجد ما این‌گونه وارد سیستم خدمت‌رسانی رایگان در مسجد شده‌اند.

وقتی خدمات عمومی به مردم می‌دهیم، فرد احساس می‌کند برای خانواده‌اش حس امنیت ایجاد شده است؛ به همین سبب تقاضای مشارکت در این کار خیر بر اساس توانایی خویش می‌کند. برای جذب منابع، صندوق‌هایی تعبیه کرده‌ایم که در منازل و مغازه‌ها توزیع شده است. کار دیگرمان شناسایی و ارتباط با خیرین است که هر کدام به فراخور وسع خود کمک می‌کنند. در محله هم اطلاعیه‌هایی برای جذب کمک‌های مردمی در مورد ترک اعتیاد، ازدواج، صندوق کمک به محرومین و... به همراه شماره حساب نصب کرده‌ایم. علاوه بر اینها درآمدهای موقوفات مسجد نیز در این مسیر مصرف می‌شود.

وقتی خدمات عمومی به مردم می‌دهیم، فرد احساس می‌کند برای خانواده‌اش حس امنیت ایجاد شده است؛ به همین سبب تقاضای مشارکت در این کار خیر بر اساس توانایی خویش می‌کند



سید محمد باقر حسینیان

مسئول تحقیقات صندوق خیریه مسجد ثارالله

## شیوه‌های تحقیق باید مناسب عزت افراد باشد

تحقیقات به صورت حضوری در منزل فرد و کاملاً نامحسوس در محل زندگی مراجعه‌کننده انجام می‌گیرد. البته در بسیاری از موارد در مرحله حضور در منزل و بررسی وضعیت زندگی فرد، تحقیقات تمام می‌شود و به مرحله بررسی محلی نمی‌رسد. مراجعات دروغین در حد صفر است. تحقیقات محلی هم به گونه‌ای انجام می‌پذیرد که مردم نتوانند تفاوتی بین تحقیقات از دواج، اشتغال و ... بیابند و گاهی پس از پرس و جو به خیال آنکه تحقیق از دواج بوده است، تبریک هم گفته‌اند! آبرو و عزت مردم بسیار مهم است، افرادی بسیاری هستند که حاضر بودند از خیر کمک بگذرند، ولی آبرویشان حفظ شود. مسجد محرومان را شناسایی می‌کند و واسطه آنها با خیرین می‌شود و تلاش می‌کند حافظ اسرار محرومان باشد.

خدا شهید شہریاری را رحمت کند

آقای حسینیان در ادامه آهی می‌کشد و به روح دکتر شہریاری، شهید هسته‌ای، رحمت می‌فرستد و می‌گوید: آن شهید به همراه امام جماعت مسجد توسعه ویژه‌ای به صندوق خیریه مسجد داد. ایشان حتی برای کمک‌رسانی و توزیع سبدهای کالا، با اتومبیل شخصی خود حاضر می‌شدند و حتی تا شهرهای کرج، ملارد و ... می‌آمدند. ایشان خود را موظف کرده بودند که ماهانه مبلغی را برای کمک به صندوق اختصاص دهند و افراد بسیاری از دوستان خود را نیز برای جذب منابع به مسجد معرفی کردند.



بر اتعلی مخرابی کوشکی  
مسئول هیئت امنای مسجد ثارالله

## با خدا معامله کنید

سال ۷۰ بود که از یک محله مذهبی به شهرک والفجر آمدیم. آن موقع مسجدی در این محله نبود. همان سال یک سوله کوچک و قدیمی متعلق به دادگستری را پس از واگذاری، آماده برگزاری مراسم مذهبی و هیئت کردیم. از دعای توسل چهارشنبه‌شب‌ها شروع شد که با حاج آقا تقوا آشنا شدیم. با آنکه منزل حاج آقا در منطقه دیگری و با فاصله بسیار زیاد از سوله قرار داشت، ایشان در وضعیتی سخت که بنزین سهمیه‌ای بود، با زحمت فراوان و هزینه شخصی، خود را به سوله می‌رساند. مسجد در همان سوله کوچک راه‌اندازی شد. ایشان در زمین مقابل سوله، به صورت مداوم مسابقات فوتبال برگزار می‌کردند تا از طریق ورزش، نوجوانان و جوانان محل را جذب مسجد کنند. ایشان به‌عنوان یک امام جماعت دلسوز و رهبر مسجد، همیشه به ما می‌گویند: «با خدا معامله کنید». طی این سال‌ها و با مشاهده خدمات به مردم در مسجد، توانسته‌ام مقداری این جمله را درک کنم.

### ورزش صبحگاهی پس از اقامه نماز صبح

یکی دیگر از کارهای نو و جدید در مسجد ثارالله، نرمش و ورزش صبحگاهی بعد از نماز صبح و دعای عهد است که سابقه‌ای هشت‌ساله در این مسجد دارد. این کار شور و نشاط ویژه‌ای به اهالی مسجد و حتی محله داده و موجب شده است مردم و مسجدی‌ها، نشاط جسمانی و روحانی را با هم داشته باشند.

### آموزش‌های آتش‌نشانی در مسجد

با هماهنگی‌هایی که با سازمان آتش‌نشانی داریم، هر دو سال یک بار، در محل مسجد به صورت حضوری و عملیاتی، برای مردم محله آموزش‌های اطفاء حریق و ایمنی داریم. سالی یک بار هم کلاتری و شهردار منطقه به منظور ارتباط‌گیری با مردم و شنیدن و بررسی مشکلات آنها، به مسجد می‌آیند. حاج آقا تقوا هم به نمایندگی مسجد و مردم، عضو شورایاری محله جهت شناسایی و حل مشکلات است.

ادامه گفتگوی نشریه مسجد با حجت الاسلام تقوا

# در مسجد ما مردم برای ترک اعتیاد معتادان نذر می کنند



مسجد

شوند. ما در مقابل فشارها، یک فرصت آزمون و خطا به این گروه دادیم و کمکشان کردیم تا شش ماه به صورت آزمایشی خودشان را به نمازگزاران اثبات کنند. در این مدت هیچ مزاحمتی برای مسجد و اهالی آن به وجود نیامد و حضور این افراد تثبیت شد و جزئی از مسجد شدند. از آن زمان تاکنون به صورت مداوم سه روز در هفته، پس از نماز مغرب و عشا کلاسها برای این افراد در این مسجد دایر می باشد.

## مسجد با توجه به مشکلات فراوان در آن دوران و مخالفت مردم، چگونه حاضر به ریسک کردن شدید؟

مسجد باید مشکلات مردم را حل کند. بهترین کارها سخت ترین کارها است که کسی حاضر به انجام دادن آنها نیست. اعتیاد یکی از مشکلات بزرگ کشور ما است. متأسفانه مردم همیشه یک فرد معتاد را طرد می کنند. با مردم و نمازگزاران جهت پذیرش این افراد بسیار صحبت کردیم و در اولین



لوح تقدیری که از طرف «انجمن معتادان ترک کرده» به حاج آقای تقوا اهدا شده است، نظرم را جلب می کند. آنجا بیشتر به دفتر کار شبیه است تا دفتر یک امام جماعت!

به لوح اشاره می کنم و می پرسیم: حاج آقا اینجا چه خبر است؟ می گویند اینجا زندگی جاری است! یعنی چه؟ چطور؟ حجت الاسلام و المسلمین تقوا، امام جماعت پر تلاش مسجد ثارالله آغاز ماجرا را این گونه توصیف می کند:

حدود ده سال پیش گروهی به ما مراجعه کرد و از ما درخواست فضایی جهت آموزش های بعد از ترک معتادان داشتند.

ما به این افراد با مطالعه مرامنامه رفتاری شان اعتماد کردیم و مشروط به رعایت شئونات مسجد، فضا در اختیارشان قرار دادیم. آن زمان مردم و نمازگزاران

مقاومت بسیاری در مقابل ورود این افراد به مسجد می کردند. کسی ارزشی برای یک فرد معتاد قائل نبود و راه نجات را مرگ عنوان می کردند! معتاد را بیمار نمی دانستند تا برایش راه درمانی متصور

“ متأسفانه مردم همیشه یک فرد معتاد را طرد می کنند. با مردم و نمازگزاران جهت پذیرش این افراد بسیار صحبت کردیم و در اولین نشست عمومی سالانه معتادان ترک کرده، همه نمازگزاران را دعوت کردیم. همگی آمدند. دیدن افرادی که پاک شده بودند، برایشان جالب و باورنکردنی بود ”



ورزش صبح گاهی در مردم محله مسجد ثارالله



## وقتی استخاره می‌کنی با خدا طرف هستی!

یک بار ساعت ۱۱ شب تلفنم زنگ خورد. یکی از اهالی مسجد بود، با یک کارتن خواب معتاد هم سخن شده بود. آن کارتن خواب هم مشروط به انجام استخاره پذیرفته بود برای ترک آماده شود. خلاصه همان شب آن جوان معتاد را که ۲۱ سال بیشتر هم سن نداشت، پیش من آوردند و استخاره گرفتیم که نتیجه‌اش خوب بود. البته پس از استخاره بشیمان شد و گفت: سخت است. خواست برود که به او گفتم: تو وقتی استخاره می‌کنی، با خدا طرف هستی، نه با من. اگر نپذیری، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ای. خلاصه با مقداری صحبت کردن راضی شد و برای ترک آماده شد. چند ماه بعد یک جوان بسیار خوش تیپ و خوش سیما جلوی مسجد جلوی ما را گرفت و بسیار صمیمی شروع به احوالپرسی کرد. پرسید: مرا می‌شناسید؟ او را نشناختم. گفت: من همانی هستم که برایم استخاره گرفتید.

### دوباره موثر بوده است؟

بسیاری از مغازه‌دارانی که اطراف مسجد فعالیت می‌کنند یا در موقوفات مسجد مشغول هستند، همین بچه‌های ترک کرده هستند. ما این افراد را در اولویت قرار داده‌ایم و فضاهای موجود خود را در اختیارشان قرار می‌دهیم. اشتغال باعث شده این افراد پس از ترک، بازگشت به اعتیاد نداشته باشند. صیانت از ترک، بسیار سخت‌تر از ترک کردن است. متأسفانه به دلیل آنکه جامعه این افراد را نمی‌پذیرد، افراد ترک کرده دوباره به سمت مصرف مواد مخدر بازمی‌گردند. در این میان مساجد ما می‌توانند تا حدود زیادی مشکل اعتیاد را به سبب جایگاه اعتمادزای خود مرتفع و علاوه بر آن، برای این افراد در جامعه و حتی بین خانواده‌هایشان ایجاد آبرو نمایند.

## مسجد فضای مناسبی برای صیانت از ترک است

اعتماد و توجه به معتادان سبب جذب این افراد به مسجد می‌شود؛ به طوری که برخی پس از رهایی از این دام و رسیدن به ثبات، از نمازگزاران ثابت و شرکت‌کنندگان در مراسم عبادی مسجد می‌شوند. حتی خانواده‌های این افراد، وقتی نجات فرزندانشان را می‌بینند، تعهد خاصی نسبت به مسجد در خود احساس می‌کنند و قداست خاصی برای مسجد قائل می‌شوند. مثلاً مادری پس از نجات فرزندش، نذر کرده به صورت مستمر خادم مسجد باشد. در واقع خدمتگزاری ما به مردم، عامل جذب آنان به مسجد بوده است.

نشست عمومی سالانه معتادان ترک کرده، همه نمازگزاران را دعوت کردیم. همگی آمدند. دیدن افرادی که پاک شده بودند، برایشان جالب و باورنکردنی بود. از همان مجمع سالانه، ارتباط و اعتماد مردم بیشتر شد. در مجمع سالانه مردم پای درددل‌های افراد نجات‌یافته نشستند و ارتباطات میان آنها تقویت شد. بعد از آن مجمع، تصمیم گرفتیم افراد معتاد را به مسجد دعوت کنیم. با مراکز ترک اعتیاد با تخفیف‌های بالا قرارداد بستیم تا به این انسان‌هایی که در آسمان یک ستاره هم ندارند، کمک کنیم ترک کنند. ضمناً صیانت و نگهداری در وضعیت ترک را برایشان تضمین کردیم.

## تا حالا شده در خیابان یا جای دیگر مستقیماً با معتادی از تباط بگیرد و به مسجد دعوتش کنید؟

نه تنها من، بلکه همه اهالی مسجد و محله این کار را می‌کنند. یک بار که به طرف محل کارم در خیابان ملاصدرا می‌رفتم، کارتن‌خوابی را دیدم که در گوشه‌ای از شدت سرما میان مقداری زباله به خود پیچیده بود. سرعش رفتم و پیشنهاد کمک برای ترک کردن به او دادم. استقبال کرد و عصر همان روز به مسجد آمد. چند ماهی حمام نرفته بود و دستان ترک خورده‌ای داشت. می‌گفت: ۳۵ سال دارم، در حالی که مانند ۶۵ ساله‌ها بود. می‌گفت: بین کارتن‌خواب‌ها معروف به دکتر هستم؛ زیرا رشته تحصیلی‌ام پرستاری بوده و اگر از بین کارتن‌خواب‌ها کسی مریض شود، از بین داروهای که از داخل زباله‌ها جمع‌آوری می‌کنیم، درمانش می‌کنم!

## حضور این افراد در فضای مسجد، چه تأثیری در روند بهبودی‌شان داشته است؟

بیشترین مخاطبان و مراجعه‌کنندگان ما در شب‌های قدر، همین افراد هستند. اینها نجات‌یافته‌اند و مسجد مسیر نجاتشان بوده است. غالب این افراد انسان‌های بسیار خوبی می‌شوند. این افراد بسان کسانی هستند که از مرگ نجات یافته و تازه متولد شده‌اند؛ لذا خوب قدر زندگی را می‌دانند و خدا را خوب می‌بینند؛ فوق‌العاده عاطفی و لطیف با حس‌های معنوی خاص می‌شوند. بسیاری از این افراد پس از ترک، به عنوان مشاور به ما می‌پیوندند و به یاری معتادان می‌شتابند.

## به غیر از بحث ترک و صیانت از ترک این افراد، در مسجد خدمات دیگری هم برایشان ارائه می‌شود؟

معتادان ترک کرده پس از ترک با مشکلات بزرگی مواجه می‌شوند؛ از جمله مشکل بازگشت به خانواده و اشتغال. خانواده‌های این افراد به سبب آزارهای بسیاری که دیده‌اند، حاضر به پذیرش آنها نیستند و این افراد بسیار تنها و آسیب‌پذیرند. ما به دیدار خانواده‌ای این افراد می‌رویم و صحبت ما از طرف مسجد و با لباس روحانیت سبب رضایت دادن سریع‌تر خانواده‌ها می‌شود. یک سری از این معتادان ترک کرده را در خود مسجد و اطراف آن مشغول کار کرده‌ایم و به کمک اهالی محل، با معرفی آنان به مراکز مختلف، کمکی هر چند کوچک به اشتغالشان کرده‌ایم.

## اشتغال معتادان تا چه حد در صیانت آنها از اعتیاد

۶۶  
این افراد بسان کسانی هستند که از مرگ نجات یافته و تازه متولد شده‌اند؛ لذا خوب قدر زندگی را می‌دانند و خدا را خوب می‌بینند؛ فوق‌العاده عاطفی و لطیف با حس‌های معنوی خاص می‌شوند. بسیاری از این افراد پس از ترک، به عنوان مشاور به ما می‌پیوندند و به یاری معتادان می‌شتابند



## معتادان پاک شده، حلقه واسط مسجد و معتادان جدید

معتادان در این مسجد پناه و امان گرفته‌اند و با دیگران فرقی ندارند. مثل سایر آدم‌ها کار می‌کنند و در بسیاری از موارد منضبط‌تر و قابل اعتمادتر می‌شوند. این افراد دوباره به زندگی بازگشته‌اند و قدرش را می‌دانند و اعتماد، بالاترین طلب آنها از این دنیا است. التماس اعتماد از جامعه دارند تا بتوانند در دنیای جدید نفس بکشند. باید مراقب بود که طرد شدن آنان، برابر بازگشت دوباره آنها به دنیای ناامیدی و اعتیاد است.

بسیاری از معتادان ترک کرده، خودشان حلقه واسط مسجد و معتادان جدید برای آغاز مسیر جذب و ترک می‌شوند. همین معتادان که زمانی درد کشیده‌اند و جنس درد را می‌شناسند، در این شب‌های سرد و برفی با حضور در محل تجمع معتادان که غالباً مکان‌های سرد و بی‌پناهی است، حاضر می‌شوند و برایشان غذای گرم می‌برند. بین آنها کارت پخش می‌کنند تا کسانی که مایل به ترک و ورود به زندگی دوباره‌اند، به مسجد تارالله معرفی شوند. در مسجد تارالله افراد معتاد را به صورت رایگان، بنا بر قراردادی که با کمپ‌های ترک اعتیاد داریم، معرفی می‌کنیم و طی حضورشان در کمپ، چنانچه خانواده‌هایشان نیاز به کمک مالی داشته باشند، به آنها نیز خدمات می‌دهیم و همه این کارها «خواست خدا است». در مسجد یک سازمان «مردم‌نهاد» شکل گرفته که همه حلقه‌های آن از ابتدا تا انتها، فقط به خواست خدا این‌گونه منظم کنار هم قرار گرفته‌اند.

“  
اگر قرار باشد  
روزی خداوند  
دست ما را بگیرد  
تا نجات یابیم،  
شاید در ازای  
همین یک عمل  
مادر مسجد  
برای این افراد  
باشد  
”

## مسجد توصیه‌ای برای سایر ائمه جماعات و هیئت‌امنا مساجد برای ورود به این مسائل دارید؟

همیشه به دوستان می‌گویم اگر قرار باشد روزی خداوند دست ما را بگیرد تا نجات یابیم، شاید در ازای همین یک عمل مادر مسجد برای این افراد باشد. مساجد مکان خوبی برای فرصت دادن به این افراد و تنظیم و ایجاد تناسب و تعادل در جامعه است. اگر این حرکت اتفاق بیفتد، چون ریشه دولتی ندارد، اثربخش خواهد بود و خود مردم هم کمک می‌کنند. در مسجد ما مردم برای ترک معتادان نذر می‌کنند.

## مسجد تا به حال در مسجد تارالله چند نفر ترک کرده‌اند؟

بسیار زیاد؛ به گونه‌ای که آمار از دست ما در رفته است! طی این ده سال، ماهانه به‌طور میانگین بین ده تا بیست نفر و شاید هم بیشتر مراجعه‌کننده داشتیم که بیشترشان به‌طور کامل ترک کرده‌اند و شاید تعدادشان به صدها نفر برسد.

مهم‌ترین بحث در خصوص ترک اعتیاد، اعتمادسازی در جامعه است. تا به حال بیش از هزار معتاد در این مسجد مداوا شده و به قول دوستان، با خدا اشتهی کرده‌اند. این موضوع موجب شده ۷۰ درصد از قشر خاکستری که با محله ما در ارتباطند، به سبب مشاهده

فعالیت‌های ترک اعتیاد در مسجد، جذب این مسیر شده‌اند. اعتمادسازی واقعی است که فراموش شده است و به احیا و بازیابی نیاز دارد. باید در این مسیر قدم‌های عملیاتی برداریم. مسجد تراز اسلام باید نیازهای مردم را مرتفع سازد و همین کارها سبب جذب و جلب دل‌های مردم به مساجد می‌شود. نماز خواندن صرف برای جذب مردم کفایت نمی‌کند و انگیزه‌ای برای ورود به مسجد ایجاد نمی‌کند.

## مسجد به عنوان سؤال آخر اگر کلام ناگفته‌ای مانده بفرمایید.

اعتماد به فرد معتاد به‌ظاهر سخت است؛ ولی صحبت کردن یک روحانی با مردم تأثیر بسیاری بر فرهنگ‌سازی جهت پذیرش افراد معتاد دارد. وقتی مردم ببینند که این افراد سالم و پاک می‌شوند و تعاملاتشان را مشاهده کنند، اعتمادشان بیشتر می‌شود. دلیل اصلی بی‌اعتمادی‌ها خود ما هستیم. ما به دلیل عدم اطلاع‌رسانی و ورود به حوزه‌هایی که ظاهری سخت دارند، به‌صورت ناخودآگاه به جو بی‌اعتمادی دامن می‌زنیم.

وقتی به این حوزه ورود کردیم، اصلاً باور نمی‌کردیم یک معتاد بتواند ترک کند. با این حال شروع کردیم و خدا برکت داد و دیدیم که می‌شود این افراد ترک کنند، سالم شوند و به خانواده‌هایشان بازگردند. الان کوله‌باری از تجربه همراه ما است. سخت است، ولی شدنی و شیرین است. باید باور داشته باشیم که به قول حضرت امام خمینی (ره) نجات یک معتاد، نجات فرد نیست، بلکه نجات یک جامعه است. ما همان‌گونه که امور فقهی و عبادی را به مدیران مساجد آموزش می‌دهیم، می‌توانیم به آموزش این موارد نیز بپردازیم. وجود حدود دوهزار مسجد در تهران، یک فرصت طلایی و استثنائی است که نباید هدر رود. امور مساجد باید از پتانسیل مرکز آموزش و تشکیلات خود برای ترک معتادان بهره‌گیرد. البته کار تعهدآوری است و راحت نیست، فقط نیاز به باور دارد.

## این همه احترام و توجه!

در مسجد تارالله معتادانی که یا کار تن خوابند و خانواده از نظر مالی حمایتشان نمی‌کند یا خانواده توانایی مالی ترک آنها را ندارد، از کرج، شهر ری، حتی لرستان و ساری و همه‌جای ایران مراجعه می‌کنند. خیرین مسجد شهری به ۲۸ روز سه‌زدایی را که برای هر نفر حدود ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان می‌شود، تقبل می‌کنند. معتادی که ۱۵۰۰ تومان پول نداشت و برای خرید مواد صندوق صدقات را خالی می‌کرد، وقتی از چنین حمایتی برخوردار می‌شود و می‌بیند یک نفر غریبه این همه برایش هزینه می‌کند و کمک می‌دهد تا لباس نو تهیه کند و این همه احترام و توجه را می‌بیند، ناخودآگاه جذب مسجد می‌شود.



## یک گپ صمیمانه...

حال و هوای مسجد ثارالله باعث می شود با چند نفر از افرادی که در این مسجد موفق به ترک اعتیاد شده اند، گفتگویی داشته باشیم. به قول حجت الاسلام تقوا در مسجد ثارالله بچه های ترک کرده قدیمی، الان جزء مشاوران ما هستند و هر مشکلی داشته باشیم، از این بچه ها مشورت می گیریم. ما الان یک کتابخانه و آموزشگاه تخصصی جهت کسب آموزش های تخصصی برای ترک کردن داریم.

افشین ده سال و سه ماه، آرش یازده سال و مسعود نزدیک به هفت سال است که پاک هستند. آنها قدیمی های مسجد هستند و با درمان و ترک اعتیاد آنها بود که طرح کمک به ترک اعتیاد معتادان در مسجد ثارالله شروع شد.

خیلی راغب به مصاحبه نیستند! از نشریه و مخاطبان آن می گویم. علاقمند می شوند به مصاحبه؛ البته مصاحبه که نه، یک گفتگوی صمیمانه. حرف های زیادی برای گفتن دارند؛ حرف هایی که خیلی ها نشنیده اند:

از آرش شروع می کنیم که خود را این گونه معرفی می کند: آرش هستم، حدود یازده سال است که پاکم؛ بدون مصرف هیچ چیزی. سی و یک سالم است و حدود یازده سال است که با حمایت های حاج آقا تقوا از این فضا استفاده می کنم. در این مسجد بستری فراهم شده که خانواده های معتادان می توانند با خیالی آسوده فرزندانشان را به آن بسپرنند.

اینجا، هم روی بهبودی کار شده و هم روی مسائل جانبی، مثل اشتغال. تا جایی که امکانش بوده، این حمایت صورت گرفته است. ارتباطی که ما با هم داریم، کمک می کند که آدم های مفیدی باشیم.

### تفاوت مسجد با دیگر فضاها و کمپ های ترک اعتیاد در چیست؟

کمپ ها و خانه های بهبودی روی قطع مصرف تمرکز دارند که طی یک دوره ۲۵-۳۰ روزه بیمار را ترک می دهند. اینکه معتادان بتوانند در این ترک پاک بمانند، مرحله بعد و گام دوم بهبودی است، که فضای معنوی

مسجد به ما در این مرحله خیلی کمک می کند. جایی که ما توانستیم در آن احساس امنیت داشته باشیم، همین مسجد است. من توانستم ده سال به صورت مداوم با اینجا ارتباط برقرار کنم؛ در حالی که در سایر جاها، به صورت مقطعی بوده ام. اینجا از معدود جاهایی است که به صورت مداوم از حمایتش بهره مند می شویم.

### نقش مسجد در تسهیل بازگشت بچه ها به خانواده چیست؟

افشین پاسخ می دهد: اینجا شبانه روز، حتی در سرویس های بهداشتی مسجد باز است. شب ها معتادان می آیند و اینجا دوش می گیرند. کسانی که حتی از خانواده که نزدیک ترین افراد به انسان هستند، طرد می شوند و خانواده هم زیر بال و پرشان را نمی گیرند - به قولی از همه جا رانده شده اند - به این مسجد رجوع می کنند و پناه می آورند. ما حدود ده سال است که از حمایت مسجد برخورداریم. اعتیاد یک بیماری است که درمان آن باید مادام العمر تداوم داشته باشد تا از فرد صیانت شود؛ یعنی فرد باید بتواند همیشه در این جلسات حضور یابد. مسجد تنها مکانی است که همیشه هست و می توان با حضور در آن، خود را حفظ کرد. حضور در مسجد به افراد ترک کرده امید و انگیزه همیشه می دهد؛ چرا که می دانند برای همیشه می توانند به آن تکیه کنند؛ برخلاف سایر جلساتی که به صورت مقطعی برگزار می شود.

مسعود مسن ترین فرد حاضر در جلسه، ضمن ابراز خوشحالی از حضور خود در مسجد گفت: این یک دعوت الهی بود که من الان در این مسجد حضور دارم و همه را از برکت مسجد می دانم. زمانی باور ترک کردن برایم سخت بود، ولی حالا هفت سال است که پاک پاکم و زندگی و کار و کارگاه دارم. به یک کار آفرین مبدل شده ام که چندین نفر در کارگاهم مشغولند و همه اینها را زمانی حتی در خواب هم نمی دیدم.

آرش این گونه ادامه داد: ما آدم های مذهبی نبودیم، ولی حضورمان در این مکان معنوی به صورت ویژه ای بر ما اثر گذاشت؛ به طوری که حتی از ادیان دیگر، مانند مسیحیت نیز با اطمینان و خیالی آسوده در این مسجد و در کنار ما حضور دارند.

“

حضور در

مسجد به افراد

ترک کرده امید و

انگیزه همیشه

می دهد؛ چرا که

می دانند

برای همیشه

می توانند به آن

تکیه کنند

”

# دوباره زندگی!

مساجد هستند. به همین سبب آثار بهبودی دوچندان می شود.

## مسجد مرا احیا کرد

من معتاد کارتن خوابی بودم که از همه جا طرد می شدم و سال ها از خانواده دور بودم. وضعیت مالی خوبی نداشتم و در فضاقت بارترین شرایط گذران عمر می کردم و حتی آداب معاشرت را فراموش کرده بودم. وقتی به مسجد می روم، روحانیت آن به من کمک می کند هر آنچه را از دست داده بودم، ناخودآگاه به دست آورم و احیا شوم. این فضای روحانی قابل تفسیر و بیان نیست؛ زیرا درک شخصی است و همین درک است که در وجود افراد اثر می گذارد و می تواند در شخصیت درونی و تعاملات بیرونی با خانواده و افراد اثر گذار باشد. عرفان به دو دسته عرفان نظری و عرفان عملی تقسیم می شود. برنامه های ما نیز دو قسمت دارد: یکی بخش دانشی آن است و دیگری روحانیت. ما دانش خود را در کلاس ها به دست می آوریم؛ ولی عمل کردن را از فضای مسجد و شئون آن می آموزیم. همان طور که عرفان نظری بدون همراهی عرفان عملی، همانند عالم بی عمل و بی فایده است، افراد معتاد هم صرفاً با کسب دانش و مهارت های ترک کردن، نمی توانند از بیماری اعتیاد یا همان بیماری بی خدایی خلاص شوند و انسانیت از دست رفته خود را بازسازی کنند. هر چه روحانیت ما بیشتر باشد، فضای فکری و عملکرد ما هم بهتر می شود.

## نماز کمک بسیاری به درمان یک معتاد می کند

یکی از افتخارات من این بود که با حضور در فضای کلاس هایی که در مسجد برگزار می شد، نمازهایم را مرتب و اول وقت می خواندم. اقرار می کنم که پیش از ترک به نوعی تارک الصلاة بودم؛ ولی از وقتی وارد فضای این مسجد می شوم، اولین چیزی که به ذهنم می آید نماز است و ناخودآگاه به سمت نماز کشانده می شوم. ما فراموش کرده ایم که هر چه داریم، از نماز است. به اعتقاد من با نماز، هر روز پنج بار مراتب تسلیم خود را در محضر خداوند اعلام می کنیم و این برای من معتاد یک رابطه روحانی بسیار قوی ایجاد می کند که کمک بسیاری به درمان من خواهد کرد.

سعید یکی از افرادی است که زمانی اسیر اعتیاد بوده و الان نزدیک به هشت سال است که به برکت مسجد ثارالله، جسم و روحش پاک شده است. او می گوید:

## این فضای روحانی هیچ جای دیگری یافت نمی شود

بنا به اعتقاد شخصی و تجربه ام می گویم که روحانیت بخش عمده ای از برنامه ترک معتادان را شامل می شود. مسجد به سبب جایگاه روحانی که دارد، می تواند با توجه به تناسب ویژه ای که با برنامه های روحانی ما دارد، کمک بسیاری در روند بهبود معتادان داشته باشد. روحانیت جلسات ما با روحانیت حقیقی داخل مساجد که با روح نماز و راز و نیاز همراه است، می تواند همدیگر را بسیار عالی پوشش دهند. متولیان مساجد باید امکانات خود را در اختیار گروه های انجمنی قرار دهند؛ چراکه این فضای روحانی هیچ جای دیگری یافت نمی شود.

## مسجد ما را موظف به رعایت شئون آن می کند

روحانیت فضای مساجد به بهبودی بچه ها بسیار کمک می کند و تأثیر فوق العاده ای دارد. همه همدردهای ما اولویتشان برای شرکت در کلاس های انجمن، مسجد ثارالله است؛ زیرا معنویت فضای مسجد به سبب مقدس بودن آن تأثیر فزاینده ای بر بهبودی شان دارد و یکی از دلایل این تأثیر، موظف شدن همدردها به رعایت شئون مسجد است. بیماری اعتیاد یک «بیماری بی خدایی» است و رعایت شئون اسلامی و انسانی جزء گام های اولیه برای ورود به سایر اصول اعتقادی است. بالاترین این شئون از نظر من نمازی است که در مسجد به صورت مداوم برگزار می شود؛ چراکه نماز زیباترین و روحانی ترین جلوه ارتباط با خدا است و می تواند به برطرف شدن بیماری بی خدایی معتادان کمک بسیار نماید. همه همدردها به دنبال فضاهای روحانی هستند. از آنجایی که فضای بهبودی ما یک فضای بسته و موضوع دار است و مسجد به خوبی این دو شرط را برآیند فراهم کرده؛ بنابراین کسی نمی تواند تخطی کند؛ چراکه قائل به حرمت گذاشتن به



مسجد

«بیماری اعتیاد یک «بیماری بی خدایی» است و رعایت شئون اسلامی و انسانی جزء گام های اولیه برای ورود به سایر اصول اعتقادی است»



## منبر

ای بنی آدم ما برای شما در این دنیا دو لباس معین کردیم؛ یکی لباس کار و یکی لباس تجمل. لباس کار بدن شما را می پوشاند و لباسی که می خواهید به جای مهمی بروید، لباس تجمل است. «قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ» ما این حکم را از آسمان برای شما نازل کردیم. یکی لباس تن و کار شما «يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ»، و دیگری لباس تجمل شما. این دو تا لباس برای دنیای شما است. لباس سوم، لباس جسد شما در قیامت است. فکر قیامت انسان را ناراحت می کند و فرشته ها را می ترساند. لباسی را خدا برای آن روز تعیین کرده است که باید این جا بخرید و نو آن را بپوشید و آن جا ببرید و این کفن انسان است. کفن انسان لباس قیامت او است. این کفن را که انسان بپوشید و بدن او در زیر خاک پوسید و خاک شد، آن قدرت کامله ای که روز قیامت همین جسد و ذرات آن را از میان خاکها، آبها و از بطون حیوانات جمع می کند و این جسد را درست می کند، لباس قیامت او را، آن کفن را هم درست می کند.

درس اخلاق مرحوم آیت الله مشکینی



# در انتظار

اقدامات امام حسن عسکری (علیه)



لحظة ولادت

امام زمان (عج)

اطلاع رسانی کردند.

بر اساس روایات، امام

زمان در وقت شهادت پدر

بزرگوارشان، آب برای ایشان آوردند

و همه دیدند که امام زمان بر پدر بزرگوارشان

نماز خواندند. با اینکه دوران سختی بود، از لحظه ولادت تا

شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) رؤیت‌ها، ملاقات‌ها

## علت تبعید امام به سامرا

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «مرا به سامرا آوردند تا به قتل برسانند و نسل آل محمد را قطع کنند. ولی اشتباه می‌کنند، کار دست خداست؛ لذا خداوند عزوجل آنان را تکذیب کرد»<sup>۱</sup>.  
علت تبعید امام به سامرا، تحت نظر داشتن ایشان بوده است. حضرت زیر نظر عباسیون، در سامرا اقامت اجباری داشتند. عباسیون اگر پست‌تر از امویان نباشند، بهتر از آنان نیستند. دلیلش این بود که می‌دانستند امر خلافت برای آنها نیست و می‌ترسیدند اهل بیت ادعای خلافت کنند و مردم دور آنان جمع شوند. می‌دانستند اگر کار از دست آنها رها شود، تخت و تاج پادشاهی را از دست خواهند داد.

## اطمینان بنی عباس از قتل امام زمان

بنی عباس می‌دانستند طبق احادیث، پایان کار جباران با امام زمان است؛ لذا شروع کردند به کشتن اهل بیت. «فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ يُذَبِّحُونَ إِبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ»؛ امام کشی و اهل بیت کشی راه انداختند؛ زیرا می‌دانستند یکی از آنها مأموریتش این است که ظلم ظالمین را ریشه کن سازد. لذا تلاش می‌کردند مهدی دنیا نیاید یا اگر به دنیا آمد، او را بکشند؛ به این صورت که با کشتن افرادی که گمان می‌رود مهدی هستند، یقین کنند که مهدی را کشته‌اند. اما امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «قَابِي اللَّهِ أَنْ لَا يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ»؛ «آزاده خدا بر این قرار گرفته که امر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) برای حتی یک نفر از آنها هم کشف نشود. هنوز که هنوز است نسل امویین و عباسیین و تکفیری‌ها سردرگمند و در کتاب‌هایشان است که مهدی آمد و رفت! اگر از دایره «منهم» خارج شویم و «مِنَّا» گردیم، دیدار آن خورشید نصیب ما می‌شود.

## اطلاع رسانی امام عسکری (علیه السلام) از وجود فرزندش

حدود سی سال است که عنایت خدا شامل حال شده و تمام روایات مهدوی را بررسی کرده‌ام. شاید روایتی در باب مهدویت نباشد که آن را نخوانده باشم. به عنوان کسی که مختصری اطلاعات در باب مهدویت دارد، می‌گویم که حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) از



منبر



سخنرانی آیت‌الله  
نجم‌الدین طبسی

“

بنی عباس  
می‌دانستند طبق  
احادیث، پایان  
کار جباران با  
امام زمان است؛  
لذا شروع کردند  
به کشتن اهل  
بیت. «فَسَعَوْا  
فِي قَتْلِ أَهْلِ  
بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ  
يُذَبِّحُونَ إِبْنَاءَهُمْ  
وَيَسْتَحْيُونَ  
نِسَاءَهُمْ»

”

## سوژه‌های سخنرانی

### روایت نورانی از امام حسن عسکری (علیه السلام) در باب اصول همسایه‌داری

«مَنْ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَارٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَأَهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا؛ یکی از مصابب و ناراحتی‌های کمرشکن، همسایه‌ای است که اگر به او احسان و خدمتی شود، آن را پنهان و مخفی دارد و اگر ناراحتی و اذیتی متوجهش گردد، آن را آشکار سازد».

نکات:

۱. از مفهوم مخالف این روایت به دست می‌آید که همسایه خوب کسی است که اگر به او احسان و خدمتی شود، آن را اظهار می‌کند و در پی جبران آن برمی‌آید.

۲. اگر ناراحتی و آزاری از همسایه به او رسید، جار نمی‌زند و در صدد تلافی بر نمی‌آید.

# خورشید

السلام) برای آماده‌سازی دوران غیبت



و خبررسانی‌ها انجام می‌شد. حضرت به «احمد ابن اسحاق قمی» - همان کسی که مسجد مقدس امام حسن عسکری (علیه السلام) را به امر امام ساخت - نامه می‌نویسند که: «وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا»<sup>۳</sup>؛ خداوند به ما فرزندی داده که از دید تمام مردم مکتوم است. به نظر من «ناس»،

دگراندیشان هستند، نه خودی‌ها؛ زیرا احمد ابن اسحاق قمی بعد از مدتی محضر امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌آید و عرض می‌کند: وقتی این نامه به قم رسید، همه خوشحال شدند. اگر شکی بود، زائل شد.

به این ترتیب خود حضرت، ولادت فرزندشان را خبررسانی کردند. البته ایشان در موارد متعددی این کار را انجام دادند که برای نمونه به دو مورد آن اشاره می‌کنم.

۱. شیخ طوسی می‌گوید: دو نفر به ملاقات امام حسن عسکری (علیه السلام) رفتند. آنان نقل کردند که: دیدیم محضر آقا شلوغ است. امام با اشاره به ما و دیگران گفتند: «هؤلاء من شيعتنا من يمن»؛ اینان شیعیان ما از یمن هستند. امام نماینده خود را به سوی آنان می‌فرستد تا وجوهات را از آنان بگیرد. امام به عثمان بن سعید می‌فرماید: برو از طرف من با آنان صحبت کن و برای وکالت و نمایندگی، زمینه‌سازی کن. سپس فرمودند: بعد از من شهادت دهید که عثمان وکالت امر مرا دارد و فرزندش وکیل فرزندم مهدی است.

۲. مورد دیگر اینکه شیخ طوسی از عثمان بن سعید نقل می‌کند که در مجلسی وارد شدیم. گفتیم: یا بن رسول الله سؤال را بگویم؟ امام فرمود: آمده‌اید از حجت خدا و از جانشین بعد از من سؤال کنید. در این هنگام غلامی همچون پاره ماه، که شبیه‌ترین مردم به ابی محمد بود، وارد شد. پس حضرت فرمود: این امام بعد از من است، او را اطاعت کنید و متفرق نشوید. همه حول یک محور بچرخید. در غیر این صورت، منحرف و «خسر الدنيا والاخرة» می‌شوید.

امام حسن عسکری (علیه السلام)، حضرت مهدی (عجل الله فرجه) را به مردم نشان می‌دهد تا نگویند فرزندی نداشت. به این ترتیب تمام حجت کردند.

## مراجع تقلید جانشین و کلاهی ائمه

اگر مرجعیت تضعیف شود و مردم رابطه‌شان با رهبری و مرجعیت قطع گردد، سرنوشتشان چه می‌شود؟ امام عسکری (علیه السلام) امور را دست و کلا داد و امام مهدی (عجل الله فرجه) به روات سپرد. چرا می‌خواهند این رشته را قطع کنند؟ آیا می‌خواهند این رشته را به دست تکفیری‌ها و وهابی‌ها بدهند؟!

۶۶

اگر مرجعیت تضعیف شود و مردم رابطه‌شان

با رهبری و مرجعیت

قطع گردد،

سرنوشتشان

چه می‌شود؟

امام عسکری

(علیه السلام)

امور را دست

و کلا داد و امام

مهدی (عجل

الله فرجه) به

روایت سپرد.

چرا می‌خواهند

این رشته را

قطع کنند؟ آیا

می‌خواهند این

رشته را به دست

تکفیری‌ها و

وهابی‌ها بدهند؟!

۶

## پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۷.
۲. شیخ حر عاملی، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۰.
۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۴.
۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۲.
۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۷ - ۴۸۸.

## سوژه‌های سخنرانی

### وصایای امام حسن عسکری (علیه السلام) به شیعیان

«أوصيكم بتقوى الله والورع في دينكم والاجتهاد لله وصدق الحديث و أداء الأمانة إلى من ائتمنكم من برّ أو فاجر و طول السجود و حسن الجوار. فبهذا جاء محمد. صلوا في عشائريهم وأشهدوا جنازتهم و عودوا مرضاهم و آدوا حقوقهم، فإن الرجل منكم اذا ورع في دينه و صدق في حديثه و أدى الأمانة و حسن خلقه مع الناس قبل: هذا شيعي فيسرني ذلك؛<sup>۵</sup> شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راستگویی و امانتداری درباره کسی که شما را امین دانسته - نیکو کار باشد یا بدکار - و طول سجود و حسن همسایگی سفارش می‌کنم. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) برای همین آمده است. در میان جماعت‌های آنان [اهل سنت] نماز بخوانید و بر سر جنازه آنها حاضر شوید و مریضانشان را عیادت کنید و حقوقشان را ادا نمایید؛ زیرا هر یک از شما چون در دینش پارسا و در سخنش راستگو و امانتدار و با مردم خوش اخلاق باشد، گفته می‌شود: این یک شیعه است؛ و این مرا خوشحال می‌سازد.»



# فَالصَّوْمَةُ الْمَعْصُومَةُ

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِيسٍ: مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَوْلِ: مَنْ زَارَ



## جز درگه تو ما رانه

شرح زیارتنامه حضرت معصومه (علیها السلام)

زارنی؛ هر کس معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است.»

امام جواد (علیه السلام) در ضمن روایتی می فرماید: «من زار قبر عمّتی بقم فله الجنة؛ کسی که قبر عمه ام فاطمه معصومه را در قم زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود.»

برابر سفارش سه امام معصوم، در پاداش و ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) تعبیر بهشت آمده است:

۱. بهشت بر زائر واجب است؛ ۲. بهشت از آن زائر است؛ ۳. زائر، اهل بهشت است؛ ۴. این زیارت، معادل بهشت است.

### زیارت در بالای سر

آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری، فرزند مؤسس حوزه علمیه قم می نویسد: اینجانب زیارت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را که مردم از بالای سر ضریح انجام می دادند، نمی پسندیدم. شبی خواب امام زمان (عج) را دیدم که آن حضرت به همراه سه نفر از مردمان بیابانی وارد حرم شده، در بالای سر حضرت رو به قبله ایستاده و زیارت می کنند.<sup>۶</sup>

### زیارت ماثور

در میان امامزادگان عالی مقام، اولین نفر از زنان اهل بیت که «زیارتنامه» از قول امام معصوم دارد، آن حضرت است. تمام جملات زیارتنامه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را امام رضا

### زیارت اولیای الهی

یوسفعلی یوسفی  
مؤلف و پژوهشگر

زیارت اولیای الهی، هم در حیاتشان ارزشمند و مؤثر است و هم پس از شهادتشان تأثیر سازنده و صفای معنوی و روح بخش دارد.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی می فرماید:

«من زارنا فی مماتنا فکأما زارنا فی حیاتنا؛ هر کس ما را پس از مرگمان زیارت کند، گویا در حال حیات، زیارتمان کرده است.»

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نیز فرمودند: «من زارنی او زار احدا من ذریتی، حرته یوم القیامة فانقذته من احوالها؛ کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت او می آیم و او را از گرفتاری های قیامت رهایی می دهم.»

### پاداش زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) از منظر ائمه معصومین (علیهم السلام)

بعضی از روایاتی که درباره ارزش و ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) وارد شده، به شرح زیر است:

۱. امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود: «... فمن زارها وجبت له الجنة؛ هر کس او را زیارت کند، بهشت برایش واجب می گردد.»

۲. حضرت در جای دیگر با اشاره به مراتب وسیع تری از پاداش زیارت ایشان فرمودند: «تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنة باجمعهم؛ با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند.»

امام رضا (علیه السلام) در روایتی فرمود: «من زار المعصومه بقم کمین

“ تمام جملات زیارتنامه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را امام رضا (علیه السلام) همراه با آداب آن، ابلاغ کرده اند ”



(علیه‌السلام) همراه با آداب آن، ابلاغ کرده‌اند.<sup>۸</sup>

### زیارت‌نامه

امام رضا (علیه‌السلام) در ضمن روایتی، روش و آداب زیارت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را همراه با جملات نورانی زیارت‌نامه آموزش دادند. زیارت‌نامه حاضر، انشاء حضرت امام رضا (علیه‌السلام) است که به شرح برخی از فرازهای آن می‌پردازیم:

### کنیه آن حضرت

#### ۱. بنت رسول الله پاره تن رسول خدا

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «فاطمه، پاره تن من است»<sup>۹</sup>. صریح و روشن است که اولاد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) پاره تن آن بانوی بزرگوارند؛ بنابراین اولاد آن بانو به واسطه ایشان پاره تن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) محسوب می‌شوند.<sup>۱۰</sup>

#### ۲. بنت فاطمه و خدیجه [دختر مادر]

حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) ثمره و عصاره و خلاصه پدران و مادران بزرگوار خویش است که در این جمله به مادرشان منتسب شده و با عبارت «بنت فاطمه و خدیجه» خطاب گردیده است. آمدن نام فاطمه (سلام الله علیها) در ابتدای این جمله از زیارت‌نامه، شاید به سبب شأن و مقام والای آن حضرت در میان زنان عالم باشد. به همین دلیل ایشان را «سیده نساء العالمین»<sup>۱۱</sup> می‌نامند. ضمن اینکه تقدم نام فاطمه بر خدیجه در زیارات و دعاها نیز پیشینه دارد.<sup>۱۲</sup> بنت فاطمه - یعنی فاطمه معصومه (سلام الله علیها) - از این منزلت برخوردار است که فرزند سیده و سرور زنان عالمیان و از نسل پاک و مطهر او است.

#### ۳. بنت الحسن و الحسين

امام رضا (علیه‌السلام) در زیارت‌نامه‌ای که در شأن حضرت فاطمه معصومه آورده، جمله «السلام عليك يا بنت الحسن و الحسين» را ذکر کرده است.<sup>۱۳</sup> به دلیل آنکه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) از طرف مادر به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) و از طرف پدر به امام حسین (علیه‌السلام) متصل بوده است.

#### ۴. بنت موسی بن جعفر (علیهما السلام) [یادگار پدر]

بنت موسی بن جعفر (علیهما السلام)، یعنی اینکه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) دختر و یادگار هفتمین امام معصوم است. او امانت اهل بیت، ودیعه الهی برای ایران و ایرانیان، به‌ویژه برای اهل قم است.

امام رضا (علیه‌السلام) در ابتدای روایت مربوط به زیارت‌نامه آن حضرت به سعد اشعری قمی فرمود: ای سعد! نزد شما از ما قبری [به امانت] هست...<sup>۱۴</sup>

### یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة

شفاعت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به سبب اتصال به بیت ولایت به قدری گسترده است که امام رضا (علیه‌السلام) آن را در ردیف شفاعت و کرامت معصومین ذکر می‌فرماید: «السلام عليك عرف الله بیننا و بینکم فی الجنة و حشرنا فی زمرتکم و اوردنا حوض نبیکم و سقانا بکأس جدکم من ید علی بن ابی طالب...» در شفاعت آن حضرت همین بس که دو امام معصوم (علیهما السلام) به این امر اشاره فرموده‌اند:

۱. امام صادق (علیه‌السلام) ذیل روایتی درباره آن حضرت فرمودند: «... فاطمة بنت موسی، تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنة بأجمعهم؛<sup>۱۵</sup> ... با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می‌شوند».

۲. امام رضا (علیه‌السلام) که متن زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را انشاء فرموده، در قسمتی از این زیارت‌نامه به مسئله شفاعت ایشان اشاره فرموده‌اند: «... یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة؛<sup>۱۶</sup> ای فاطمه معصومه! در بهشت برای ما شفاعت کن»؛ بنابراین آن حضرت «شفیعه محشر» هستند.

از این بخش زیارت‌نامه استفاده می‌شود که شفاعت حضرت معصومه (سلام الله علیها) برای بهشتیان است؛ یعنی شیعیان و دوستان اهل بیت به شفاعت چهارده معصوم وارد بهشت می‌شوند، اما در بهشت اگر بخواهند به مقام بالاتری بروند، به شفاعت حضرت معصومه به آن می‌رسند. این مطلب را می‌توان از فقره‌های قبل زیارت‌نامه هم استفاده کرد، آنجا که می‌گوید: «عرف الله بیننا و بینکم فی الجنة و حشرنا فی زمرتکم و...» یعنی ما وقتی وارد بهشت شدیم، در کنار شما باشیم.

### پی‌نوشت

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، باب ۲، روایت ۳۴.
۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۸-۹.
۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶، ج ۷، ص ۲۵۸؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۸.
۴. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۲۵؛ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳.
۵. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵؛ سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۱.
۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶.
۷. یادداشت‌های دستنویس مرحوم آیت‌الله حائری، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ به نقل از: زندگانی کریمه اهل بیت، ص ۲۰۸.
۸. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶؛ سیدحیدر حسینی کاظمی، عمده الزائر، ص ۳۹۸-۴۰۰. سه زیارت‌نامه دیگر نیز برای حضرت فاطمه معصومه

- (علیهما السلام) نقل شده، اما به معصوم نسبت داده نشده است. ر.ک: حیدر ابن محمد خوانساری، زبدة التصانیف، ص ۴۴۹؛ حسن ابن محمد قمی، انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۵؛ وادی السلام، ص ۴۲۳.
۹. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳؛ سید ابن طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۲۶۲؛ العمده، ص ۳۸۴؛ علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۱۲؛ نورالله شوشتری، الصوارم المهرقه، ص ۱۴۷؛ مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۳۲۳-۳۲۸.
  ۱۰. ابوبکر شهاب‌الدین الحضرمی، رشفة الصادی، باب ۴، ص ۵۱ (... فاطمه بضعة منی و معلوم ان اولادها بضعة منها فیکونون بواسطتها بضعة منه صلی الله علیه و آله).
  ۱۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۷.
  ۱۲. نگارش بر زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه، ص ۹۱. (به طور مثال در زیارت بالای سر حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام)
  ۱۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶.
  ۱۴. همان؛ محمد محمدی اشتهازی، حضرت معصومه، فاطمه دوم، ص ۱۷۶؛ زندگانی کریمه اهل بیت، ص ۱۲۱.
  ۱۵. تاریخ قم، ص ۲۱۵؛ سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۷۰؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.
  ۱۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶.

پیامبر گرامی  
اسلام فرمودند:  
«فاطمه، پاره  
تن من است».  
صریح و روشن  
است که اولاد  
حضرت فاطمه  
(سلام الله علیها)  
پاره تن آن  
بانوی بزرگوارند؛  
بنابراین اولاد آن  
بانو به واسطه  
ایشان پاره تن  
پیامبر اعظم  
(صلی الله علیه  
و آله) محسوب  
می‌شوند

# تشیعمان را مادیون امامزادگانیم

## آثار فردی و اجتماعی زیارت امامزادگان

ملاقات کند. پرسیدم: کسی که یکی از شماها را زیارت کند، ثوابش چیست؟ فرمود: مانند کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را زیارت کند.

شیخ مفید (رحمه الله) در معنای این حدیث گفته است: مراد این است که ثواب و تکریم زائر آن حضرت، در روز قیامت، همانند کسی است که خداوند او را به آسمان برده و به عرش خود که ملائکه حامل آن هستند، نزدیک می کند و برگزیدگان از فرشتگان خود را به او می نمایاند؛ به گونه ای که موجب تأکید بر تکریم او می گردد. مشابه این تعبیر را مجلسی اول (رحمه الله) نیز آورده است.

**۳. تشیعمان را مادیون امامزاده هاییم:** احترامی که ما برای امامزاده ها قائلیم، برای این است که با آمدن خود به ایران، فرمایش امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) را به ما رساندند و ما تشیع خود را به وسیله همین امامزاده ها داریم. علویون و سادات آمدند و گفتند: علی بن ابیطالب (علیه السلام) این طور می گوید، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) این طور بوده است، لذا به وسیله اینها اجداد ما شیعه شدند. این طبرستان ما همین طور است، قدم به قدم امامزاده است. اینکه می بینید طبرستان ولایت مدار است و خالصانه تشیع را دارند، به برکت همین امامزاده ها است. در مرکز مازندران وقتی گوینده ای از حجاز می آمد و آیات قرآن را می خواند، همه گوش می دادند، بر اساس اینکه خدا در قرآن فرموده وقتی قرآن و آیات الهی خوانده می شود، ساکت باشید: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا»<sup>۱</sup>. حال وقتی همین سادات و فرزندان اهل بیت در کنار قرآن می خواستند بگویند علی بن ابیطالب (علیه السلام) چنین گفت، مازندرانی ها می گفتند: ساکت! ببینیم چه می گوید! کاری که اجداد ما با قرآن می کردند، با سخنان علی بن ابیطالب (علیه السلام) نیز می کردند؛ لذا اینها شیعه شدند.

### مقدمه

وجود بقاع و حرم امامزادگان در سراسر میهن اسلامی مان، منشأ آثار و برکات فردی و اجتماعی فراوانی شده است. بر اساس روایات، حیات و مرگ پیامبر اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) یکسان است؛ زیرا زیارت دوران حیات و مرگ، اجر و آثار یکسان دارد. از این جهت لازم است زائر به گونه ای در حرم شریف آنان حضور یابد که اگر زنده بودند، در کنارشان حضور پیدا می کرد و زیارت در دوران مرگ باید همان آثار و سازندگی زیارت دوران حیات را برایش داشته باشد. آنچه در پی می آید، دیدگاه دو تن از بزرگان حوزه درباره آثار فردی و اجتماعی زیارت امامزادگان است.

تنظیم: حسین دهقان پژوهشگر



منبر

### دیدگاه های آیت الله جوادی آملی

**۱. دستیابی به شفاعت پیامبر:** پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت و دیدار او خواهیم رفت و از هراس ها و وحشت های آن نجاتش خواهیم داد؛ «من زارنی أوزار أحدًا من ذریتی زرته یوم



القیامة فأنقذته من أهوالها»<sup>۱</sup>.

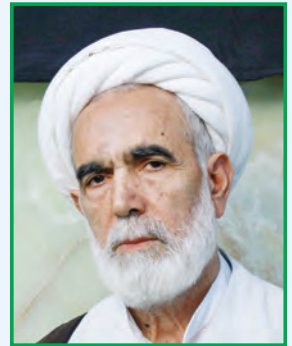
**۲. ثواب زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله):** زید شحام از صادق آل محمد پرسید: «ما لمن زار رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال (علیه السلام): کمن زار الله عزوجل فوق عرشه. قال قلت: فما لمن زار أحدًا منکم؟ قال (علیه السلام): کمن زار رسول الله (صلی الله علیه و آله)؛ ۲ ثواب کسی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را زیارت کند، چیست؟ فرمود: همانند کسی است که در برتر از عرش با خدا

“

احترامی که ما برای امامزاده ها قائلیم، برای این است که با آمدن خود به ایران، فرمایش امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) را به ما رساندند و ما تشیع خود را به وسیله همین امامزاده ها داریم

”

**آثار مترتب بر حرم  
امامزادگان از دیدگاه  
استاد محمدی، مفسر  
قرآن و کارشناس رادیو  
معارف:**



۱. معنویت در منطقه:  
حرم امامزاده مرکزی است  
برای عبادت و دعا و راز و  
نیاز مردم.

۲. ادای اجر رسالت:  
زیارت امامزادگان اجرای

این آیه قرآن است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۴</sup> یکی از  
مصادیق مودت ذی‌القربی، احترام به امامزاده‌ها است.

۳. قدرت‌نمایی سیاسی شیعه: تعظیم و احترام شیعیان به  
امامزاده‌ها، هم عظمت شیعه را می‌رساند و هم یک قدرت نرم  
سیاسی برای شیعه محسوب می‌شود که اگر خوب استفاده شود،  
آثار و برکات فراوانی خواهد داشت.

۴. جلب برکات الهی: توجه این ارواح نورانی به بدن مطهرشان  
باعث جلب برکات الهی برای اهل زمین می‌شود. در این زمینه  
روایات فراوانی داریم. برای مثال حرم امام موسی بن جعفر (علیه

السلام) باعث نجات بغداد است. وجود امامزادگان حوزه برکتی  
ایجاد می‌کند که شعاع آن گاهی ممکن است تا فرسنگ‌ها باشد.  
۵. مرکز فرهنگی: بقاع امامزادگان یک مرکز فرهنگی برای  
تبلیغات است. بزرگ‌ترین کارهای فرهنگی در حرم امام رضا (علیه  
السلام) یا حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) انجام می‌شود.  
تأسیس حوزه علمیه قم، با همه عظمتش، در واقع یک شعاع و یک  
برکت و یک حوزه فرهنگی است که وجود مقدس حضرت معصومه  
(سلام الله علیها) ایجاد کرده است. آثار فعالیت‌های فرهنگی حرم  
امام رضا (علیه السلام) یا حضرت معصومه (علیها السلام) از بسیاری  
از دانشگاه‌های بزرگ دنیا بیشتر است.

### آیا همه امامزادگان در تعظیم مساوی‌اند؟

امامزادگان در تعظیم با هم متفاوتند. مثل پیامبران که در آیه  
کریمه می‌خوانیم: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ»<sup>۵</sup> پیامبران  
با هم مساوی نیستند. بعضی از امامزاده‌ها واجب‌التعظیم و  
واجب‌التکریم هستند و مقامشان خیلی بالاتر است، بعضی‌ها هم  
این‌گونه نیست. نباید همه را مساوی دانست. مطلب بعدی اینکه  
هر کسی که با پیغمبر و اهل بیت (علیهم السلام) نسبتی داشته  
باشد، احترامش واجب است، هر چند امامزاده نباشد و گنبد و بارگاه  
نداشته باشد. سادات را باید به احترام پیامبر احترام کرد، هر چند  
خوب نباشند. اگر خوب باشند، باید به خاطر خودشان احترام کرد.  
اگر خوب نباشند، باید به احترام پیامبر احترامشان را نگه داشت.  
حتی عکس‌های منسوب به امامان (علیهم السلام)، با اینکه یقین  
داریم نسبتی با امام ندارند، نمی‌شود به آنها بی‌احترامی کرد. به این  
اعتبار اگر جایی به عنوان امامزاده معروف شده، حتی اگر امامزاده  
هم نباشد، همین قدر که به پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) نسبت  
داده می‌شود، باید حرمتش را نگه داشت.

از سوی دیگر نباید دکان باز کنیم و امامزاده درست کنیم.  
با این حال به جایی که بارگاه سیدی یا دانشمندی یا عالمی  
بوده، خصوصیتی داشته که الان مردم به او توجه می‌کنند،  
نباید بی‌احترامی کرد. ضمن اینکه نباید از آن حدی که باید  
برای او در نظر گرفت، فراتر رفت و خدای نکرده به دروغ برایش  
کرامت‌سازی کرد.

۶۶

سادات را باید  
به احترام پیامبر  
احترام کرد،  
هر چند خوب  
نباشند

### پی‌نوشت

۱. ابن قولویه، کامل  
الزیارات، ص ۱۱.
۲. شیخ حر عاملی، وسائل  
الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۷.
۳. اعراف: ۲۰۴.
۴. شوری: ۲۳.
۵. بقره: ۲۵۳.





ياسر شريعتي  
طلبه درس خارج  
و مبلغ كشورهاي  
عربي

### معرفی شاعر

آيت الله شيخ محمدباقر ايرواني نجفي در سال ۱۳۲۸ شمسي در نجف اشرف ديده به جهان گشود. وي دروس فقه و اصول فقه را نزد علمای برجسته نجف، نظير مرحوم آيت الله العظمي خويي، شهيد سيدمحمدباقر صدر، حضرت آيت الله سيدعلي سيستاني و آيت الله محمدسعید حکيم فرا گرفت. اين استاد حوزه علميه، مدتي در ايران مشغول به تدريس بود و پس از سقوط صدام به حوزه علميه نجف بازگشت و در حرم حضرت اميرالمؤمنين (عليه السلام) به تدريس دروس خارج فقه و اصول مي پردازد. هم اکنون کرسی تدريس ایشان از پرجمعيت ترين کرسی های تدريس در حوزه نجف اشرف است. آثار آيت الله ايرواني عبارتند از: دروس تمهيديه في القواعد الرجاليه، دروس تمهيديه في تفسير آيات الاحكام، دروس التمهيديه في الفقه الاستدلالي، دروس تمهيديه في القواعد الفقهيه، اثبات ولادت و وجود امام زمان (عليه السلام) والحلقه الثالثه في اسلوبها الثاني. امامهم ترين اثر وي کتاب «الامام المهدي عليه السلام بين التواتر و حساب الاحتمال» مي باشد که با عنوان «و متولد شده است»، به فارسي ترجمه شده است.

### معرفی شعر

اين استاد دروس خارج حوزه علميه، علاوه بر فقه و اصول در ادبيات عرب نيز تخصص دارد و اشعاري در مدح حضرات معصومين (عليهم السلام) به زبان عربي سروده که از جمله آنها قصيده ۴۲ بيتي «باب الحوائج» است که در ابتدا به مدح و ثنای ائمه اطهار (سلام الله عليهم) پرداخته و حسن ختام آن چهارده بيت در شأن حضرت کریمه اهل بيت، فاطمه معصومه (سلام الله عليها) می باشد که ما از باب تبرک به برخی از اين ابیات اشاره می کنیم.

### متن شعر

وَلْتَبَاهِي بِفَاطِمٍ أَرْضُ قُمْ  
وَلَهَا الْفَخْرُ وَالْتِنَاءُ الْمَكْرَرُ

**ترجمه:** سرزمین قم باید به وجود حضرت معصومه (سلام الله عليها) مباحثات کند؛ چرا که دارای فخر و ثنای بی انتها است.

**توضیح:** در فضیلت شهر قم و اهل آن، روایات فراوان وجود دارد. علامه قاضی نورالله شوشتری می گوید: «خبري که در فضیلت قم و اهل آن از رسول خدا و ائمه اطهار (عليهم السلام) روايت شده، فراوان است». شهر قم با اين عناوين در روایات ستوده شده است: گنبدی از لؤلؤ در آسمان چهارم، سرزمین نجيبان، حجت بلاد، معدن علم و فضل، قائم مقام حجت، استراحتگاه مؤمنان، مأوای فاطمیان، محل باز شدن در بهشت، سرزمین مقدس، مجمع انصار قائم آل محمد، حرم اهل بيت، شهر پربرکت و عناوين ديگر.

ما به یکی از اين روایات که قم را محل باز شدن در بهشت نامیده است، اشاره می کنیم: «عن صفوان بن يحيى بيع السابري قال: كنت يوما عند ابي الحسن (ع) فجرى ذكر قمر و اهله و ميلهم الى المهدي (ع) فترحم عليهم و قال (رضي الله عنهم). ثم قال: ان للجنة ثمانية ابواب و واحد منها لاهل قم وهم خيار شيعتنا من بين سائر البلاد. خمر الله تعالى ولايتنا في طينتهم؟ صفوان يحيى فروشنده پارچه های شاپوری گوید: روزی نزد

“  
بهشت دارای  
هشت در است  
که یکی از آنها  
از آن قمیان  
است. اهل قم  
بهترین شیعیان  
ما از میان  
دیگر شهرها  
هستند. خداوند  
دوستی ما را  
در سرشتشان  
آمیخته است  
”

### قصیده‌ای در مدح کریمه اهل بیت

## شفیعه روز جزا

امام کاظم (عليه السلام) بودم که نام قم و ساکنانش و تمایل آنان به حضرت مهدی (عج) به میان آمد. در پی آن امام، رحمتشان فرستاد و فرمود: خداوند از آنان خوشنود باشد. سپس افزود: بهشت دارای هشت در است که یکی از آنها از آن قمیان است. اهل قم بهترین شیعیان ما از میان دیگر شهرها هستند. خداوند دوستی ما را در سرشتشان آمیخته است.

شاعر با توجه به قدر و شرافت قم، خواننده را به این نکته فرامی خواند که این شهر با تمام این فضائل و مناقب، به وجود مقدس حضرت معصومه (سلام الله عليها) مباحثات می کند و این عزت برای او از همه افتخارات برتر است.

أَصْبَحَتْ جَنَّةَ الْحَيَاةِ وَ تُدْعَى  
عُشَّ آلِ الرَّسُولِ فِي الدَّهْرِ تُذَكَّرُ

**ترجمه:** قم به بهشت زندگی تبدیل شد و به آشیانه آل محمد (صلی الله علیه و آله) در جهان مشهور گردید.

**توضیح:** در روایات از شهر قم به «عش آل محمد» نیز تعبیر شده است. عش در لغت به معنای آشیانه پرندگان آمده است. در روایتی از امام کاظم



از آن به سایر ممالک و بلاد سرازیر می‌شود، همه به برکت کریمه اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد.

### قبرها صار موتلاً و ملاًداً و بها کل معسر یتیسر

**ترجمه:** قبر شریف آن حضرت ملجأ و پناهگاه همه دلباختگان شد و با توسل به آن حضرت، هر سختی‌ای آسان گردید.

**توضیح:** امروز حرم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) ملجأ و پناه همه شیعیان و محبان خاندان عصمت و طهارت است. برخی از بزرگان و علما با توسل به قبر شریف آن حضرت، مسائل پیچیده علمی خود را به راحتی حل کرده‌اند. حضرت آیت‌الله جوادی آملی نقل می‌کند: ملاصداری شیرازی هنگامی که در کهک زندگی می‌کرد، برای عرض ادب و توسل به بارگاه کریمه اهل بیت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) مشرف می‌شد. در یکی از این سفرها در جوار قبر فاطمه معصومه یک مسئله مهم و پیچیده فلسفی یعنی اتحاد عاقل و معقول در یک مکاشفه عرفانی، برایش حل شد. او خود در این زمینه می‌گوید: مسئله اتحاد عاقل و معقول از مشکل‌ترین مسائل فلسفی است که تاکنون هیچ فیلسوف مسلمانی توفیق حل آن را پیدا نکرده است. من با توجه کامل به سوی خدای سبحان از او خواستم که مشکل برایم حل شود. دری از رحمت حق بر من گشوده شد و در این مورد معرفت جدیدی برایم حاصل شد. «کنت حین تسوید هذا المقام بکهک من قری قم، فجئت الی قم زائراً لبنت موسی ابن جعفر مستمداً منها و کان یوم الجمعة فانکشف لی هذا الامر؛ هنگام نوشتن این بحث، در قریه کهک قم بودم. از آنجا رهسپار قم شدم، به زیارت دختر موسی بن جعفر (علیهما السلام) مشرف گردیدم و از آن حضرت در حل این مسئله یاری جستم. به برکت او در روز جمعه این مطلب بر من کشف گردید».

### و الکرامات لا تعد و تحصی و بها صفو کل عیش مکدر

**ترجمه:** کرامات آن بانو از حد و حصر خارج است و با عنایات خاصه آن حضرت هر زندگی پرنجی به صفا و آرامش تبدیل می‌شود.

**توضیح:** حاجتمندان از علما تا مردم عادی، دسته‌دسته هر روز بر آستانه کریمه اهل بیت (سلام الله علیها) دخیل می‌بندند و برخی حاجت می‌گیرند. برای بانویی که اختیار شفاعت در بهشت را دارد، بر آوردن حوائج دنیوی، سهل و آسان است. آیت‌الله حاج سیدمحمد وحیدی (ره) از یکی از سادات برقی نقل فرمودند که گفته بود: شبی در عالم رؤیا محضر مقدس حضرت معصومه (سلام الله علیها) رسیدم. مانع و حجابی در بین نبود. احساس کردم که محرم ایشان هستم و ایشان عمه سادات برقی می‌باشند. از محضر مقدسشان سؤال کردم: «ای شما، اهل قم را شفاعت خواهید فرمود؟». حضرت در پاسخ فرمودند: «میرزای قمی (ره) برای شفاعت اهل قم کافی است. من برای همه شیعیان شفاعت می‌کنم». این رؤیای صادق، یادآور حدیثی از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید: «تدخل بشفاعتها شیعیتی الجنة بأجمعهم؛ به شفاعت او همه شیعیانم وارد بهشت خواهند شد».

جز در گه تو جای دگر ما را نه  
یا فاطمه اشغی لنا فی الجنة

(علیه السلام) آمده است: «قم عَشُّ آل محمد و مأوی شیعتهم؛ قم آشیانه خاندان محمد و جایگاه شیعیان آنان است». شاعر در این بیت می‌گوید که اگر شهر قم به عنوان «آشیانه خاندان پیامبر» لقب یافته است، به واسطه قدوم مبارک دخت موسی بن جعفر (علیهما السلام) می‌باشد.

### حوزة العلم فی حماها تجلت بالأساطین و المراجع تزخر

**ترجمه:** حوزه علمیه (قم) در کنف حمایت ایشان جلوه یافت و سرچشمه فیض بزرگان و علما و مراجع عظام شد.

**توضیح:** همان‌طور که گفته شد، شهر قم در آینه روایات شهر علم و فضیلت است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «در آینده، کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم و دانش بدان پشت می‌کند؛ چنان‌که مار در لانه خویش پشت می‌کند. آنگاه علم در شهری به نام قم ظاهر و آنجا معدن علم و فضیلت می‌شود؛ به طوری که دیگر به روی زمین کسی که به امور دینی آگاه نباشد، پیدا نمی‌شود... در آن عصر علم از قم به دیگر نقاط جهان در شرق و غرب جاری می‌شود».<sup>۴</sup> از حاجی ابراهیم اصفهانی که از اعظم متأخرین و از مجتهدان بزرگ بود، نقل شده که: نهضت مجتهد جامع الشرائط در مقبره پشت حرم مقدس حضرت معصومه (سلام الله علیها) مدفون هستند.<sup>۵</sup> شاعر می‌گوید اگر حوزه علمیه در شهر قم تأسیس شد و علم و دانش

۶۶

علم در شهری  
به نام قم ظاهر و  
آنجا معدن علم و  
فضیلت می‌شود؛  
به طوری که دیگر  
به روی زمین  
کسی که به امور  
دینی آگاه نباشد،  
پیدا نمی‌شود

#### پی‌نوشت

۱. شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.
۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.
۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.
۵. انصاری، تاریخ قم، نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله نجفی، ضمن ش ۴۸۹۸.
۶. ابوالحسن هاشمی، سیده‌عش آل محمد (صلی الله علیه و آله)، ص ۱۲۹-۱۳۲.
۷. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸.

# آداب منبر

بازخوانی کتاب «لؤلؤ مرجان» اثر مرحوم «محدث نوری» صاحب مستدرک الوسائل



منبر

## مقدمه

کتاب «لؤلؤ مرجان» از تألیفات مرحوم میرزا حسین نوری در آداب و عظم و منبر، و آفات و آسیب‌های آن و شرائط منبر رفتن است.

قلم کتاب، قدیمی است؛ لذا برای استفاده امروز بیان محتوای این اثر را خلاصه‌تر و روان‌تر تقدیم خوانندگان می‌کنم.

در آغاز کتاب، از جایگاه والای مرثیه‌خوانان و منبریان و تأکید اولیای دین بر زنده نگه داشتن حادثه عاشورا و ثواب گریه بر مصائب امام حسین (علیه السلام) سخن گفته شده است. در ادامه، دو شرط رسیدن به آن اجر و پاداش را برای خادمان و واعظان و ذاکران ابا عبدالله (علیه السلام) ذکر می‌کند. این دو شرط، در قالب دو فصل تقدیم می‌شود.



حجت‌الاسلام والمسلمین استاد جواد محدثی

## اخلاص

هدف اصلی فرستادن پیامبر الهی و کتاب‌های آسمانی، کشاندن مردم به سوی خداوند است تا مردم را به کمک آیات و معجزات، به سوی خدای یکتای بی‌نیاز دعوت کنند؛ خدایی که حیات و مرگ به دست اوست.

پیامبران و جانشینان آنان، با بیانی رسا و برهانی گویا، و با تحمل رنج‌ها، اعراض‌ها و بی‌مهری‌ها، بذر ایمان را در دل مردم کاشتند تا مردم خداشناس گردند و از او حاجت بخواهند و از او بترسند و در پیشگاه او عبودیت و بندگی کنند. برای رسیدن به این هدف، اعمال و آدابی مقرر است که برخی قلبی است و بعضی جوارحی، و باید آنها را انجام داد و حق ربوبیت خدا را ادا کرد و معنای اینها همان «عبادت» است.

## آفت‌ها

۱. محرومیت از فضل و اجر الهی به سبب اغراض فاسد و دنیاطلبی و ریا. مرحوم کلینی در کافی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «هر کس از حدیث آموزی و نقل آن برای دیگران هدف مادی و دنیوی داشته باشد، بهره‌آخروی ندارد.

“ اگر کسی به وسوسه شیطان و برای هوای نفس و به قصد تحصیل مال و رسیدن به شهرت، بر فراز منبر رود و روضه بخواند، خود را به هلاکت انداخته است

و هر که به قصد آخرت، علم و حدیث آموزد، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا می‌کند». در این زمینه و با این موضوع، احادیث متعددی نقل شده است. از جمله کلام حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «هر کس علم را از اهلیش فرا گیرد و به آن عمل کند، نجات می‌یابد و هر که به خاطر دنیا علم آموزد، بهره‌اش همان است».

۲. دنیاخواری به نام دین و وسیله نجات قرار دادن آل محمد (صلی الله علیه و آله) برای امرار معاش. در روایات متعدد از این مسئله با عنوان «مستأکل به علم» یاد شده است؛ یعنی آن که دین و علم را سبب رسیدن به دنیا قرار می‌دهد. فرموده‌اند که چنین کسی گرفتار فقر می‌شود. مفضل بن عمر - که از اصحاب امام صادق (علیه السلام) است - به اصحاب خود تذکر می‌دهد که: به نام آل محمد، دنیاخواهی نکنید؛ چرا که از امام صادق (علیه السلام) شنیدیم که فرمود: «مردم درباره ما سه گروهند: عده‌ای ما را دوست دارند و منتظر قائم ما هستند تا از دنیای ما به آنها چیزی برسد. اینان حرف‌های ما را می‌آموزند، ولی در عمل از ما پیروی نمی‌کنند؛ سرانجامشان دوزخ است. عده‌ای دوستار مایند و احادیث ما را فرا می‌گیرند و در پیروی از ما هم کوتاهی نمی‌کنند، ولی هدفشان رسیدن به دنیاست؛ آنان هم گرفتار آتش می‌شوند. گروهی هم دوستار ما و حافظ سخنان ما و عامل به اوامر مایند و در عمل به ما مخالفتی ندارند، آنان از مایند و ما از آنانیم».

در روایات، در نكوهش چنین کسانی سخن بسیار گفته شده است. از مصادیق بارز این دسته، گروهی از اهل علم و روضه‌خوانانند که هدف اصلی‌شان از آموختن فن روضه‌خوانی و روایات فضائل و مناقب، مصائب، مواعظ و مسائل دینی، به دست آوردن مال است. آنان مثل اهل کسب و تجارت، در کمی و زیادی پول معامله می‌کنند، چانه می‌زنند و برای راه یافتن به بعضی مجالس نامه می‌نویسند و واسطه می‌تراشند و اگر پس از رفتن و روضه خواندن، مبلغ کمی دریافت کنند، از صاحب مجلس بدگویی می‌کنند و رسوایی سازند و موضوع را به منبرها می‌کشاند.

شگفت آنکه با این کاسبی و تجارت‌پیشگی و فروختن آخرت به دنیا، خود را از چاکران ابا عبدالله (علیه السلام) می‌شمارند و بر مردم منت می‌گذارند و انتظار اکرام و احترام دارند. چنین کسان کاسبند و نامشان در ردیف کسبه ثبت است، نه مرتبطان با سید الشهداء (علیه السلام). تازه معلوم نیست این کسب و درآمدشان حلال هم باشد؛ چون شرط صحت کسب، اخلاص و قصد قرب نیست؛ ولی در کار اینان که عبادت است، اخلاص شرط است. شغل روضه‌خوان، مثل طالبان علوم دینی جزء عبادات است. اگر دارای اخلاص و قصد قربت باشد، از خیر عظیم بر خوردار می‌شود و اگر مقصود، تحصیل مال و جاه باشد، خسران است. پس هیچ کس به صرف بیان فضائل و مناقب و مصائب سید الشهداء (علیه السلام) به مقام نوکری و منصب چاکری آن حضرت نمی‌رسد.

روضه‌خوان و منبری وقتی در ردیف چاکران آن حضرت است که برای خدا سخن بگوید و هدفش ادای حق اولیاء باشد؛ والا کاسبی خواهد بود که سرمایه‌اش همان فضائل و مصائب است و چنین کسی حتی بر کسی ندارد و خدمتی به احدی نکرده و در سمت امثال اوامر

آن بزرگواران کاری نکرده که منصب چاکری پیدا کند و مستحق اجر گردد؛ حتی اگر بخواهد مالی که به عنوان اجرت می‌گیرد حلال باشد، باز هم باید به قصد عبادت و برای خدا انجام دهد؛ مثل کسی که نایب برای اعمال حج می‌شود تا از جانب دیگران به حج برود و اعمال انجام دهد که باید قصد قربت در عمل و زیارت او محقق باشد. یا کسی که برای اذان گفتن اجرت دریافت می‌کند. برخی از فقها فتوا داده‌اند پشت سر کسی که اذان یا نماز را به قصد دریافت مزد می‌گویند و می‌خوانند، نمی‌توان نماز خواند و شهادتشان هم پذیرفته نیست. همچنان که مؤذن حضور وقت عبادی را اعلام می‌کند که مؤمنان در پیشگاه خدا حاضر می‌شوند و برای نماز که موجب رستگاری است دعوت می‌کند، روضه‌خوان هم بیان فضائل و مناقب آن پیشوایان و فرارسیدن موسمی را اعلام می‌کند که سبب تقرب به خداوند و خشتودی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و امامان و نجات از شدايد دنیا و آخرت است. پس باید بکوشد تا کارش حرام نشود و با این کاسی از فض‌های اخروی محروم نگردد.

۳. وارد شدن به جمعی که آخرت خود را به دنیا فروخته‌اند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیا بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد». یعنی کسی که کاری می‌کند که دینش می‌رود و دنیا هم به دیگری می‌رسد. این مضمون در روایات بسیاری آمده است. فروختن آخرت به دنیا، گاهی به گرفتن مال یا مقام و دست برداشتن از آیین است؛ همچنان که برخی از سست‌ایمانان چنین کرده و می‌کنند و در تاریخ نمونه‌های بسیار دارد؛ و گاهی به از دست دادن چیزی از اسباب و وسایل نجات در آخرت است در مقابل بهره دنیوی؛ مثل کسی که در مقابل تعلیم قرآن و مسائل دینی که از عبادات بزرگ است و ثواب بسیار دارد، مالی بگیرد.

هر چیز که وسیله تحصیل آخرت است، اگر به بهای دنیوی فروخته شود، خسران است. گاهی کسانی مثل طلبه، سید، حاجی یا زائر، هنگام خریدن چیزی و چانه‌زنی بر سر قیمت برای کم کردن قیمت جنس، به سیادت یا علم یا حج و زیارت خود متوسل می‌شوند و با عنوان کردن اینکه من سید یا طلبه‌ام یا زائر خانه خدا و حضرت رسولم، پس تخفیف بده و گاهی هم فروشنده تخفیف می‌دهد؛ ولی خریدار غافل، با این بهره‌اندک در زمره کسانی وارد می‌شود که دین و ابزار آن را به دنیا می‌فروشند. پناه به خدا از عملی که وسیله شود تا چند ریال کمتر به فروشنده بدهد! روضه‌خوانی هم که برای دنیا روضه‌خوانی می‌کنند، مشمول این روایت‌اند؛ چون آنان با بیان فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و مصائب آنان که می‌تواند وسیله پاداش‌های عظیم اخروی باشد، از این معامله پر سود چشم می‌پوشند و آن سرمایه‌گرانبه‌را با چند درهم ناچیز مبادله می‌کنند. شگفت‌تر آنکه اینان هر گاه بازار گرمی داشته باشند و مشتریان فراوان، در نهایت وجد و نشاط و سرورند و اگر بازار متاعشان کساد باشد و مشتریان اندک، علاوه بر آنکه غمگین و افسرده می‌شوند، گاهی به اموری روی می‌آورند که هر کدام برای تباہ کردن دین و هلاکت جان کافی است؛ مثل ذلت سؤال و تملقات زشت به مشتریان یا حسادات به همکاران و تجسس از عیوب آنان و شکست دادن رقیبان و از میدان به در کردن دیگران.

“  
گروهی هم  
دوستار ما و  
حافظ سخنان ما  
و عامل به اوامر  
مایند و در عمل  
به ما مخالفتی  
ندارند، آنان  
از مايند و ما از  
آنانيم»

6

# نقشه جامعه ایمانی

نگاهی به نامه امام رضا (علیه السلام) خطاب به عبدالعظیم حسنی (سلام الله علیه)

حسین فروغی  
مؤلف و پژوهشگر



به خدا پناه می‌برم از این سرنوشت شوم! در علم جامعه‌شناسی، «جامعه» به گروه‌های انسانی گفته می‌شود که دارای تعامل انسانی پایدار باشند. اما جامعه‌ای ایمانی، جامعه‌ای است که تعامل انسانی پایدار را بر اساس هدفی مقدس و آرمانی جاودانه صورت می‌دهد. بر همین اساس نامه امام رضا (علیه السلام) می‌تواند به عنوان یک الگو برای تشکیل جامعه‌ای ایمانی مورد بررسی و دقت قرار گیرد. این نامه با بررسی و ارائهٔ مؤثر و مفید قوت‌ها (strengths) و ضعف‌های (weaknesses) یک جامعه به روشنی تهدیدها (threats) و فرصت‌های (opportunities) پیش رو را مورد توجه قرار داده و برای رفع آن، توصیه‌هایی ارائه می‌کند.

با توجه به نکات موجود در این نامه، مهم‌ترین تهدیدات موجود بر سر راه جامعه‌ای ایمانی عبارت است از: ضعف درونی و بی‌توجهی به توطئه‌های بیرونی. مهم‌ترین سرفصل‌های موجود ذیل عنوان ضعف درونی عبارت است از: فقدان انسجام درونی (وحدت)، فقدان ارتباطات و معاشرت‌های مناسب (صداقت و امانت).

دو عامل مهمی که بارها و بارها در متون دینی نسبت به آن هشدار داده شده است. قرآن از اعضای جامعه‌ای ایمانی می‌خواهد با اعتصاب به ریسمان الهی از تفرقه و جدایی‌ها دوری کنند؛<sup>۱</sup> چرا که باعث تضعیف نیروها و از بین رفتن شادابی و نشاط جامعه می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین از سوی دیگر مراعات عهد و قرار، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اعضای جامعه‌ای ایمانی معرفی شده است.<sup>۳</sup> مؤمنان زبان خود را از دروغ‌گویی و لغو‌بازی دارند.<sup>۴</sup>

تقویت جبهه درونی نباید جامعه را از توجه به توطئه‌های بیرونی غافل سازد. در ادبیات دین نسبت به بی‌توجهی به دشمن هشدار داده شده و بدترین و بزرگ‌ترین دشمن، دشمنی دانسته شده است که مخفیانه دشمنی می‌ورزد.<sup>۵</sup> بر همین اساس نادیده گرفتن دشمنی‌ها با بهانه‌های مختلف، از جمله برچسب توطئه می‌تواند یکی از ایده‌های خلاقانه دشمن باشد که گاهی از سوی ساده‌باوران نیز ترویج می‌شود. امام هشتم در این نامه به عنوان دومین محور اصلی پیام خود ضرورت توجه به دشمن را مورد دقت قرار می‌دهد. شیطان نماد و نماینده هر نوع دشمن جامعه‌ای ایمانی است. این شیاطین که گاهی در ظاهر به شکل انسان هستند، به دنبال ایجاد دودستگی و تفرقه در جامعه می‌باشند.<sup>۶</sup> فعالیتی که نتیجه آن نابودی جامعه خواهد بود.<sup>۷</sup>

نامه را می‌شود یکی از قدیمی‌ترین و شاید قدیمی‌ترین وسایل ارتباطی بشر دانست. یک وسیله ارتباطی سنتی، اما مؤثر و مفید. وسیله‌ای که علاوه بر پیام، بخشی از موقعیت نویسنده را نیز با خود به همراه دارد. نامه‌ها با هدف‌های مختلفی نوشته می‌شوند؛ نامه‌های عاشقانه، دوستانه، رسمی، اداری و... اما از میان همهٔ انواع نامه‌نگاری‌ها، نامه‌های اخلاقی بیش از همه در ادبیات دینی مورد استفاده قرار گرفته است؛ تا جایی که حتی نامه‌های سیاسی و اداری در فضای دینی را نیز می‌توان به نوعی در دسته‌بندی نامه‌های اخلاقی جای داد. نامهٔ رسول خدا به پادشاهان ایران، روم، حبشه و مصر، مجموعه نامه‌های امیر المؤمنین (علیه السلام) به والیان حکومتی و کارگزاران خود، نمونه‌هایی از این نامه‌های سیاسی-اخلاقی است. یکی از نامه‌های موجود در گنجینه ارزشمند نامه‌های اخلاقی اهل بیت، نامه‌ای است که امام رضا (علیه السلام) خطاب به عبدالعظیم حسنی مرقوم فرموده است. نامه به اصطلاح سرگشاده‌ای که هر چند خطاب به یک نفر است، در حقیقت همهٔ شیعیان را مورد خطاب قرار داده است. این نامه که می‌توان آن را الگوی جامعه‌ای ایمانی نیز نامید، اگر بخواهد به رسم نامه‌های امروزی نگاشته شود، به این شرح است:

به دوستان  
از امام مهربان  
توسط عبدالعظیم حسنی  
سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو:  
پنجره‌های ورود شیطان به خود را ببندند.  
راستگو و امانتدار باشند.  
زبان‌شان را از حرف‌های بی‌پهلو حفظ کنند.  
از اختلاف با هم دوری کنند.  
به دید و بازدید هم بروند که این کار آنها را به من نزدیک‌تر می‌کند.  
دشمنی با هم را کنار بگذارند؛  
که من با خودم قرار گذاشته‌ام هر کس موجب ناراحتی یاران من شود، از خدا بخواهم او را در دنیا به رنج و سختی، و در آخرت به ضرر و زیان مبتلا سازد.  
به دوستانم خبر بده: خدای مهربان خوبان آنان را بخشیده و از بدهای آنها چشم‌پوشی کرده است؛  
مگر کسی که به خدا شرک ورزیده باشد  
یا یکی از دوستان مرا اذیت کند یا اینکه حتی بد او را بخواهد.  
چنین شخصی از بخشش خدا دور می‌شود تا زمانی که از این بیراهه باز گردد.  
اگر باز گردد، کار خوبی کرده؛  
و اگر باز نگردد، پرندۀ ایمان از آشنیان دلش پرواز خواهد کرد و از شهر ولایت و دوستی ما خارج خواهد شد و ولایت و دوستی ما دیگر هیچ فایده‌ای برای او ندارد.

## پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، خصال، ص ۲۴۷.
۲. «وَ اتَّصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ آل عمران: ۱۰۳.
۳. «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحَكُمْ»؛ انفال: ۴۶.
۴. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ مؤمنون: ۸ و معارج: ۳۲.
۵. «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»؛ فرقان: ۷۲.
۶. «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتَيْتُهُ [بِتَبَهُةٍ الْمَكَايِدِ]»؛ تصنیف غرر، ص ۳۳۴.
۷. «أَكْبَرُ الْأَعْدَاءِ أَخْفَاهُمْ مَكِيدَةٌ»؛ یعنی، عیون الحکم، ص ۲۹۵.
۸. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ»؛ مانند: ۹۱.
۹. «قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتِ عَلَيَّ لِنِّ ائْخَرْتِنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَبِكَنَّ ذَرْبَتَهُ إِلَّا قَلِيلًا».







“  
پس از انقلاب  
تلاش‌هایی به  
منظور تطهیر  
سیستم بانکی  
از ربا آغاز گردید  
که نتیجه آن،  
تصویب قانون  
عملیات بانکی  
بدون ربا و  
تأیید آن توسط  
شورای نگهبان  
در سال ۱۳۶۲  
بود  
”

## سودهای بانکی در قانون عملیات بانکداری بدون ربا

مواردی از آنان سود دریافت می‌نماید. در صورت اول مشتری پول خود را به ازای گرفتن سود به بانک وام نمی‌دهد، بلکه به بانک و کالت می‌دهد که سرمایه او را در یکی از فعالیت‌های مشروع به کار گیرد و سود حاصله را پس از کسر هزینه‌ها و حق الوکاله به او بپردازد. در ماده ۳ قانون عملیات بانکداری بدون ربا آمده است: «بانک‌ها می‌توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: الف) سپرده‌های قرض الحسنه: ۱. جاری ۲. پس‌انداز ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. تبصره: سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها و کیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.» همچنین در صورت دوم، سودی که بانک از مشتریان خود دریافت

نظام بسیاری از بانک‌ها در دنیای امروز بر اساس بانکداری ربوی بنا شده است. بانک‌ها از یک‌سواز صاحبان سرمایه وام می‌گیرند و سودی به آنها می‌پردازند و از سویی دیگر همین سپرده‌ها را به دیگران وام داده و سود بیشتری دریافت می‌کنند. این عملکرد در شریعت اسلام تحت عنوان «رباخواری» شدیداً مورد مخالفت قرار گرفته است. پس از انقلاب تلاش‌هایی به منظور تطهیر سیستم بانکی از ربا آغاز گردید که نتیجه آن، تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و تأیید آن توسط شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ بود. مطابق این قانون، بهره‌های بانکی نه در قالب بهره وام، بلکه به عنوان سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی دریافت یا اعطای می‌گردد. توضیح اینکه بانک در مواردی به مشتریان خود سود می‌پردازد و در

حیدر بهرمن  
استاد سطح عالی  
حوزه علمیه قم  
استاد راهنمای  
درس خارج مؤسسه  
تحقیقاتی، آموزشی  
بقیه الله (عج)



### پی‌نوشت

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۴۷.
۲. آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، ص ۱۳۴.
۳. بانک دولتی در مقابل بانک خصوصی است که با سرمایه یک یا چند شخصیت حقیقی برپا شده است.
۴. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: آیت‌الله سید کاظم حائری، «مالکیت شخصیت‌های حقوقی»، مجله فقه اهل‌البیت، شماره ۲۱، ص ۱۷؛ آیت‌الله سید محسن خرازی، «پژوهشی در اقسام بانک‌ها و احکام آن»، مجله فقه اهل‌البیت، شماره ۴۳، ص ۳.
۵. جهت اطلاع از نظر آیت‌الله سیستانی به توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۱ و ۷۵۰ و ۷۵۶، و بخش ملحقات رساله آیت‌الله سیستانی مسئله ۲ و ۲۴ و ۳۰ و ۳۱ مراجعه شود.
۶. بخش استفتاءات دفتر معظم‌له. جهت به دست آوردن نظر ایشان در خصوص راهکار قرض دادن و قرض نمودن از بانک‌ها به مسئله ۲۸۴۹ و ۲۸۵۰ رساله توضیح المسائل معظم‌له مراجعه شود.
۷. اجوبه الاستفتاءات مقام معظم رهبری، پرسش ۱۹۱۲.

می‌کند، به ازای وامی نیست که به مشتریان خود می‌دهد؛ زیرا اساساً در این گونه موارد وامی به مشتریان داده نمی‌شود، هر چند در زبان مردم به آن وام اطلاق شود. بلکه این سود، سود حاصل از قراردادهایی همچون مضاربه یا فروش اقساطی یا جعاله یا اجاره به شرط تملیک است که بین بانک و مشتریان منعقد می‌گردد. مواد ۷ تا ۱۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا، متکفل بیان این گونه تسهیلات بانکی است. به منظور تبیین مطلب به توضیح دو نمونه از این قراردادها می‌پردازیم: نمونه اول: یکی از عقود رایج در بانک‌ها، فروش اقساطی کالاها می‌باشد. نیاز مشتریان است. مثلاً چنانچه شخصی به دستگاهی برای راه‌اندازی یا توسعه کارخانه یا کارگاه خود نیاز دارد یا نیازمند وسائل کشاورزی، منزل مسکونی یا اتومبیل است، اما سرمایه لازم برای خرید آن را در اختیار ندارد، بانک پس از تقاضای وی، اقدام به خرید نقدی آن کالاها برای خود نموده و به صورت اقساطی با قیمت گران‌تر به او می‌فروشد. این گونه خرید و فروش‌ها اگر واقعی باشد و صرفاً در حد یک قرارداد کاغذی نباشد، امری مشروع و موجب رونق اقتصاد و خروج از رکود است.

نمونه دوم: خانه‌ای به تعمیراتی با هزینه ده میلیون تومان نیاز دارد. صاحب‌خانه به دلیل در اختیار نداشتن این مبلغ به بانک مراجعه نموده و تحت عنوان وام تعمیرات، از بانک این مبلغ را دریافت می‌کند و در مقابل متعهد می‌شود که مبلغ دوازده میلیون تومان به صورت اقساطی به بانک برگرداند. ممکن است از عنوان «وام تعمیرات» این گونه برداشت شود که صرفاً وامی با سود مشخص دریافت شده که این همان ربا است، اما در قانون عملیات بانکداری بدون ربا این مبلغ تحت عنوان جعاله به شخص پرداخت می‌شود. به این صورت که دو عقد جعاله متقابل بین بانک و مشتری بسته می‌شود. در عقد جعاله اول مشتری به عنوان جاعل متعهد می‌شود در ازای تعمیر خانه توسط بانک مبلغ دوازده میلیون تومان به طور اقساطی بپردازد و بانک نیز به عنوان عامل، متعهد به تعمیر خانه این شخص می‌شود. در جعاله دوم بانک به عنوان جاعل متعهد می‌شود که مبلغ ده میلیون پول نقد به صاحب‌خانه بپردازد و در مقابل صاحب‌خانه متعهد به تعمیر خانه خود می‌شود. قطعاً این قرارداد اگر صوری باشد و تعمیر خانه‌ای در کار نباشد، پرداخت و دریافت آن حرام و غیر مشروع است؛ اما در صورت واقعی بودن مطابق با یکی از عقود اسلامی است.

چه بسا به ذهن افراد زیادی تداعی شود که این گونه توجیهات چیزی جز کلاه شرعی گذاشتن نیست و این سودها همان ربا است که تغییر نام یافته است. اما باید توجه داشت که در اسلام هر سودبردنی مذموم نیست. آنچه مذموم است سودی است که از راه‌های نامشروع همچون رباخواری تحصیل شود. راه سود بردن‌های مشروع همچون خرید نقدی به قیمت ارزان‌تر و سپس فروش نسبی‌ای به قیمت گران‌تر باز است. پرهیز از راه نامشروع و انتفاع از راه مشروع مصداق این حدیث است که می‌فرماید: «نَعْمَ الشَّيْءُ الْفَرَارُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ»<sup>۱</sup>. ناگفته نماند توضیحات گذشته در مقام تبیین فقهی قانون بانکداری بود، اما آنچه در بانک‌های مادر مقام اجرای قانون رخ می‌دهد، همواره مورد انتقادات جدی بوده و هست. بدون تردید اگر این قراردادها صوری و کاغذی باشد یا اینکه مشتری یا بانک بر طبق قرارداد عمل نمایند و با فاکتورهای جعلی تسهیلات پرداخت و دریافت شود،

مشروعیت ندارد. چنان که بحث‌های اقتصادی مهم دیگری مانند واقعی بودن نرخ سودها و منطبق بودن آن با عدالت اسلامی، نظر کارشناسان را به خود معطوف ساخته که خارج از حوصله این نوشتار است. در اینجا نگاه خوانندگان محترم را به پرسش و پاسخی که در همین موضوع از حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی ارائه شده است می‌اندازیم:

### سؤال: از کجا بدانیم که بانک‌ها به عقود شرعی عمل می‌کنند؟ در این صورت وظیفه ما چیست؟

پاسخ: اگر بانک‌ها تنها عقود شرعی را روی کاغذ و در لفظ پیاده کنند، به یقین در گرداب خطر ناک رباخواری و زبان‌های آن سقوط می‌کنند. ولی از نظر ظاهر شرع اگر شک کنیم که بانک‌ها به آیین‌نامه‌های عقود شرعی عمل می‌کنند یا نه، باید حمل بر صحت کنیم و بگوییم در نظام جمهوری اسلامی، بانک‌هایی که مدعی عمل به وظیفه اسلامی خود هستند، ان‌شاءالله عمل می‌کنند و در این صورت مشکلی برای مشتریان نخواهد بود، و اگر خلافی در کار باشد، آنها مسئولند.<sup>۲</sup>

توجه فقهی قوانین بانکداری بدون ربا بر این اساس استوار است که ما برای شخصیت‌های حقوقی همچون بانک‌های دولتی آحق مالکیت قائل باشیم. این در حالی است که بعضی از فقهای معاصر این مینارا خالی از اشکال نمی‌دانند. از نظر آنان ادله مالکیت در اسلام یا مربوط به اشخاص حقیقی است یا نهایتاً شامل بعضی از شخصیت‌های حقوقی می‌شود و دلیل عامی که اثبات‌کننده مالکیت برای همه شخصیت‌های حقوقی مانند بانک‌ها باشد، در دست نیست.<sup>۳</sup> از تبعات این نظریه آن است که هر گونه قرارداد بانک‌های دولتی فاقد شرایط یک عقد کامل است. در نتیجه اموال مختلط در بانک‌ها که بخشی از آن متعلق به مشتریان و بخشی از آن متعلق به بانک است، به اموال مجهول‌المالک مبدل می‌گردند. مقلدین این دسته از فقها مکلفند با اجازه از مرجع یا وکلای ایشان در اصل پول و سود دریافتی تصرف کنند و در بعضی موارد ملزم به پرداختن مقداری از سود به فقرا می‌باشند. مقلدین آیت‌الله سیستانی (مد ظله) باید این گونه عمل نمایند.<sup>۴</sup> مقلدین آیت‌الله وحید خراسانی (مد ظله) نیز بنا بر احتیاط واجب یک پنجم سود دریافتی را به سید فقیر بپردازند.<sup>۵</sup>

همچنین از مقام معظم رهبری استفتاء شده: در صورتی که بانک‌ها برای دادن وام شرط کنند که وام‌گیرنده، مبلغی اضافی بپردازد، آیا مکلف برای گرفتن چنین وامی باید از حاکم شرع یا وکیل او اذن بگیرد؟ آیا گرفتن این وام در صورت عدم ضرورت و نیاز، جایز است؟ ایشان در پاسخ فرموده‌اند: اصل وام گرفتن مشروط به اذن حاکم شرع نیست، حتی اگر از بانک دولتی باشد و از نظر حکم وضعی صحیح است؛ هر چند ربوی باشد. ولی در صورت ربوی بودن، گرفتن آن از نظر تکلیفی حرام است؛ چه از مسلمان گرفته شود یا از غیر مسلمان و چه از دولت اسلامی بگیرد یا از دولت غیر اسلامی؛ مگر آنکه به حدی مضطر باشد که ارتکاب حرام را مجاز کند و گرفتن وام هم با اذن حاکم شرع حلال نمی‌شود، بلکه اذن او در این رابطه موردی ندارد. ولی شخص می‌تواند در این صورت برای اینکه مرتکب حرام نشود، پرداخت مبلغ اضافی راقصد نکند، هر چند بداند که آن را از او خواهند گرفت و جواز گرفتن وام در صورتی که ربوی نباشد، اختصاص به حالت ضرورت و نیاز ندارد.<sup>۶</sup>

## ولایت فقیه

# نگاه

در میان ابواب فقهی مسأله فقه حکومت و ولایت مهجور و منزوی است. در حالی که امر حکومت اگر ضروری تر از تجارت نباشد کم اهمیت تر نیست. بخش عظیمی از احکام اسلام در ابواب مختلف امضائی است و شارع به آنچه که عقلا قوم به آن اعتنا داشته‌اند نظر عنایت فرموده و مورد تأیید قرار داده است. حال چگونه می‌توان امر حکومت که ضرورت قطعی عقلانی و عقلی دارد مورد تأیید شارع نباشد؟

مسأله حاکمیت و ولایت فقیه با همه آراء اختلافی موجود، بدلی مناسب تر ندارد؛ چه اینکه تمامی حاکمیت‌های دیگر ناظر به همه نیازهای بشری در دو بعد معنوی و مادی نیست و نمی‌تواند باشد. در این مجال کوتاه درباره این جایگاه مطالبی ارائه می‌شود.





“ کمال دین  
است که ولی  
امری که از  
ناحیه خداوند  
اختیاراتی به او  
داده شده است،  
برای شان باشد ”

مسأله ولایت فقیه در گفت و گو با آیت الله محمد مؤمن قمی،  
عضو فقهای شورای نگهبان و نماینده مجلس خبرگان رهبری

# خداوند از علماء پیمان گرفته تا در مقابل خلافکاری ها بایستند



ولایت فقیه به عنوان رکن رکن انقلاب در طول برپائی نظام جمهوری اسلامی با چالش‌هایی روبرو بوده است. یکی از این چالش‌ها طرح شبهاتی است که هدف آن تضعیف این جایگاه است. به بهانه این شبهات گفتگویی با آیت الله محمد مؤمن عضو محترم فقهای شورای نگهبان قانون اساسی ترتیب داده‌ایم که از نظر می‌گذرانید.

به کوشش:  
حسن علی آبادی  
مهدی منتظری

دارد. در مورد ائمه (علیهم السلام) نیز، با توجه با آیه بلاغ و ماجرای غدیر، که رسول خدا فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ». همان ولایت را برای حضرت امیر (علیه السلام) بعد از خود قرار داد و در ادامه، آیه اکمال نازل شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». از این آیه کاملاً استفاده می‌شود که دین اسلام با این مسئله ولایت امری کامل می‌شود. بنابراین کمال دین اسلام، به این است که ولی امری که از ناحیه خداوند اختیاراتی به او داده شده است، برای شان باشد. این یک سمت الهی است که برای اولیای امر معصوم قرار داده شده است؛ البته اگر وضعیت درست سر جای خودش قرار می‌گرفت و آنچه خدا خواسته بود و پیغمبر هم بیان کرده بود، پیروی می‌شد، خود معصومین اداره نظام اسلامی و ولایت امر و سرپرستی مردم را تا آخر داشتند و احتیاج به دیگری نبود. حضرت امیر (علیه السلام) جمله‌ای را در مورد ولایت امر بیان

از جمله شبهات درباره مسئله ولایت فقیه، که ائمه جماعات با آن مواجه هستند، مسئله فساد قدرت متمرکز است. حضرت تعالی مستحضرید ریشه این شبهه به تاریخ حاکمیت سلاطین و دیکتاتورها و هم چنین حاکمیت کلیسا بازمی‌گردد. جوامع بشری پس از سالیان متمادی تحمل حاکمیت‌های جور، به مدلی از حاکمیت رسیده است که با تعبیر «دموکراسی» یا «مردم‌سالاری» شناخته می‌شود. مدل حکومتی ایران پس از انقلاب اسلامی، مدل حاکمیت یک فقیه است. در این مدل چه راه حلی برای مواجه نشدن با چنین چالشی اندیشیده شده است؟ نقش ولی فقیه در مسئله حکومت اسلامی، تقریباً یا تحقیقاً همان نقش پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه معصوم (سلام الله علیهم) در مسئله حکومت است. قرآن شریف در سوره احزاب فرموده است: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»؛ یعنی پیامبر ولایت و سرپرستی امت را

## اسلام او را مسلط کرده است

پیامبر بزرگوار و امام معصوم که ولایت امر را عهده‌دار می‌شوند، برای این است که جلوی هر خلافی و هر ناروایی که بر ستم‌دیده‌ای می‌خواهد وارد شود، بایستند؛ این وظیفه معصوم است. وقتی معصوم نبود، علمای دیگر هستند. یعنی مسئله امامت ائمه (علیهم السلام) محفوظ است؛ ولی وقتی که دست‌رسی به معصوم نیست و بنا شد علما این وظیفه را عهده‌دار باشند - که بهترین شان در غیر معصوم است - باید در مقابل خلافت‌کاری که انجام می‌شود، بایستند. قهراً یک چنین کسی که اسلام او را مسلط کرده است، آدمی است که اسلام می‌داند چیست؛ عالم است. این چطور به اینجا منتهی می‌شود که هر کار دلش بخواهد بکند؟ نه چنین نیست. چنین حقی ندارد. باید آنچه را خدا خواسته انجام بدهد و این پشتوانه قوی‌ای است برای اینکه هر کس، به هر حقی که خدا برایش قرار داده است، برسد و کسی نتواند حق دیگری را تضییع کند.

تصمیم بگیرد، این آدم خودش نیست! او همان شخصی است که حضرت امیر (علیه السلام) فرموده است و توانایی هم دارد. سه؛ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری، تمام اینها را باید داشته باشد. آن وقت در قسمت آخر همین اصل یکصد و نهم هست که اگر دو نفر داشتیم که یک نفر از نظر علمی و یا حتی از نظر قدرت و مدیریت، از نظر بینش سیاسی قوی‌تر بود، آن که قوی‌تر است مقدم‌تر است. این همه‌اش همان موازین اسلامی است که در بحث ولایت امر در زمان غیبت آقایان فقها بحث کردند و متعرض آن شده‌اند، پس یک کسی این کار را به عهده می‌گیرد که فقیه عادل دارای مدیریت و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی هست و کسی نداریم بالاتر از این.

آن وقت در خود همین اصول قانون اساسی، ظاهراً در اصل یکصد و یازدهم آمده هر گاه روشن بشود که رهبر، از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود و قدرت نداشته باشد، (چون آنجا گفت باید قدرت رهبری هم داشته باشد)، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم یا یکصد و نهم گردد، یکی از این شرایط از بین برود، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از این شرایط بوده است، از مقام خود برکنار می‌شود.

تشخیص این امر هم به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است. این ولّی امر است، یعنی این ولّی امری است که اگر کمی هم پایش بخواهد بلغزد، خود قانون اساسی ما - حکم شرع است - جلوی او را می‌گیرد.

بر این اساس مسئله ولایت امر برای فقیه یا عالمی که بخواهد عهده‌دار زعامت امت بشود برای این نیست که آقا بالاسر باشد و هر کار دلش خواست بکند؛ زیرا او یک انسان کاملاً اسلام شناس و مجتهد در همه ابواب مختلف فقه و دارای تشخیص و البته شخصی

کرده است حقیقت کاری را که ولّی امر به آن موکول است، توضیح می‌دهد. ایشان در خطبه شفشقیه می‌فرمایند: هجوم آوردند؛ طوری که ممکن بود حسنین زیر دست و پا از بین بروند و من اگر خودم بودم، چه بسا قبول نمی‌کردم خلافت را، ولی چون مردم فشار آوردند، قبول کردم و در ادامه می‌فرماید: «وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ»؛ قسم به خداوند، که اگر مردمی که حاضر شدند و به من گفتند که بیا ولی امر بشو! نبودند و حجت بر من تمام نمی‌شد، اگر این دو چیز نبود، من برای خلافت اقدام نمی‌کردم. نکته سوم می‌که حضرت می‌فرماید این است که: «وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يِقَارُوا عَلَي كُفَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبَ مَظْلُومٍ»؛ خدا پیمان گرفته است که علما قرار و سکون نداشته باشند در مقابل زیاد روی‌های ستمگران؛ نگویند به ما چه؟ باید خلافتی که می‌کنند، محکم جلوی شان بایستند. نه در مقابل ستم ستمگران سکوت کنند و آرامش و سکون داشته باشند و نه در مقابل ناراحتی‌هایی که بر مظلومین وارد می‌شود، آرامش داشته باشند؛ اگر این سه جهت نبود، «لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَي غَارِبَهَا»؛ من ریسمان حکومت را به دوشش می‌انداختم «وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَاهَا» و قسمت آخر حکومت را هم که این زمان است، با همان جامی که اولی را بهش نوشاندم، می‌نوشاندم. «وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنزٍ»؛ و شما مردم می‌دیدید که دنیای شما در نظر من، از آب بینی یک حیوانی که آب بینی‌اش را بیرون می‌ریزد، نامرغوب‌تر است. چون مردم آمده‌اند و کمک‌یار هستند و سوم اینکه خداوند هم بر علما پیمان گرفته که در مقابل خلاف‌کاران و ستمی که بر ستم‌دیدگان وارد می‌شود، سکون و آرامش نداشته باشم، من گفتم چشم!

روایت خطبه شفشقیه صرفاً یک روایتی نیست که گوشه کتابی نوشته شده باشد؛ در نهج البلاغه و غیر آن ذکر شده است. این روایت را مرحوم صدوق ظاهر ادراک علل الشرایع آورده و سندش معتبر است. این مطلب دلالت می‌کند که خداوند تبارک و تعالی از علما پیمانی گرفته است که در مقابل خلافت‌کاری‌ها بایستند. این حقیقت آن امری است که خداوند از حضرت امیر (علیه السلام) به عنوان عالم گرفته است. خود حضرت هم نگفته امام! بلکه می‌فرماید علما «أَخَذَ اللَّهُ عَلَي الْعُلَمَاءِ».

قانون اساسی ما، در مسئله ولایت امر، شرایطی را برای ولّی امر تعیین کرده است؛ در اصل پنجم قانون اساسی ذکر شده که نظام اسلامی، در زمان غیبت ولّی امر، به دست فقیه جامع شرایط اداره می‌شود. بعد در شرایطی که برای ولّی فقیه ذکر کرده است، عنوان شده که از نظر علمی باید طوری باشد که مجتهد مطلق باشد، در اصل صد و نه قانون اساسی آمده است که باید مجتهد مطلق باشد، از نظر تدبیر و اندیشه باید عادل باشد، تقوای لازم و عدالت را داشته باشد.

در اصل صد و نهم شرایط و صفات رهبر این چنین بیان شده است: یک؛ صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف؛ مجتهد مطلق باشد، بتواند تمام ابواب فقه را بررسی کند؛ بفرماید که خدا در هر جا چه گفته است. دو؛ عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی؛ عدالت و تقوای لازم داشته باشد برای رهبری، قشنگ

این ولّی امری است که اگر کمی هم پایش بخواهد بلغزد، خود قانون اساسی ما - حکم شرع است - جلوی او را می‌گیرد



## با توجه به تراکم جمعیتی و پیچیدگی روابط انسان ها در عصر حاضر، فقیه که یک انسان غیر معصوم است با سعه و احاطه و جود محدود از چه راهکاری برای کنترل و مدیریت و هدایت جامعه بهره‌مند می‌شود؟

خب به وسیله اشخاص خودش مثل آنچه که حضرت امیر هم در عهد نامه مالک اشتر به داشتن جاسوس و عیون اشاره می‌فرماید. شما ببینید در کشورهای دنیا چطور دور هم جمع می‌شوند؟ مثلاً کسی که رئیس جمهور در آمریکا می‌شود، چکار می‌کنند؟ آیا او همه چیز می‌فهمد؟ فقط وقتی فقیه حاکم شد نمی‌فهمد؟ این نگاه صحیح نیست.

اما فرقی با رهبری نظام اسلامی این است که رهبر نظام اسلامی انسانی آگاه است، می‌تواند احکام اسلام را در همه جا بفهمد، آدم شجاع و مدیر و مدبر است، آدمی است که عدالت دارد، خلاف نمی‌کند.

اینهایی دیگران انجام می‌دهند ایراد نیست؟ نظام اسلامی چون اسلامی شد ایراد دارد؟ همه دنیا دارند این کارها را می‌کنند ولی چون پیغمبر گفته است، چون آدم درستی گذاشتند، دیگر نمی‌تواند همه چیز بفهمد! اینها حرف نشد، اگر یک مقدار با چشم باز حرف‌ها و آنچه را در ذهن هست گفته بشود، هیچ شبهه‌ای نمی‌ماند. حالا حرف‌های بالاتر از این را هم داریم، اصل امامت بر حسب اعتقادات ما که روایات متعددی هم برایش آمده، امام در روایت حضرت رضا (علیه السلام)، انتخاب الهی است

عادل است که سر سوزنی خلاف نمی‌کند و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی و تدبیر و قدرت کافی برای رهبری دارد.

شرایط خبرگان رهبری هم خیلی ویژه است. برای اینکه هر کسی که می‌خواهد نامزد مجلس خبرگان رهبری بشود باید کاملاً شناسایی شود. در قانون آمده فقهای شورای نگهبان باید تشخیص بدهند که این شخص صلاحیت دارد و می‌تواند نماینده مجلس خبرگان رهبری بشود یا خیر؛ اگر واقعاً بخواهند که یک ترتیب ارزشمندی پیش بیاید دیگر چه روشی بهتر از این وجود دارد؟ شخصی که می‌خواهد رهبر بشود هم باید این طور باشد، در واقع ناطری هم برای او قرار داده شده که عبارت است از خبرگان رهبری، در اصل صد و یازده که الان خواندم، و خبرگان رهبری هم، برای این که تمام شرایط را داشته باشند، در اصلی در قانون برای تأیید صلاحیت آنها آمده است، باید فقهای شورای نگهبان تشخیص بدهند. اگر یک نفر را فهمیدند ایراد دارد، نمی‌توانند تأیید کنند، این حسابش است.

الحمد لله تعالی امام (ره) یکپارچه اسلام بود، آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) یکپارچه اسلام است و توجه به همه مسائل دارد و مسئله حکومت نیز به اینکه ایشان بخواهند با فکر خودشان کاری انجام بدهند و کار به مسائل واقعی نداشته باشند، اصلاً کشانده نخواهند شد تا این که بگویند که این به استبداد کشانده می‌شود.

شبهه دیگری که در بعضی محافل مطرح می‌شود، این است: نوعی دور بر انتخاب و نظارت بر رهبری حاکم است. شورای نگهبان منتخب رهبری است، از سویی خبرگان باید از فیلتر شورای نگهبان عبور کند؟

یعنی به هم باج می‌دهند! این تصور صحیح نیست. شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

یک، ۶ نفر از فقها؛ ۶ نفر فقیه باید باشد. عادل، که اهل خلافت‌کاری نباشد، و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با

مقام رهبری است.

آنچه به عهده ایشان گذاشته شده است این است که بگردد از بین فقهایی که هستند، اشخاصی که فقیه هستند اولاً از نظر علمی، همه مسائل اسلام را می‌توانند بفهمند و عادل هستند و آگاه به زمان هستند، از میان اینها بیایند انتخاب کنند.

آن وقت اگر بخواهد رهبر کسی را که فقاقت ندارد به عنوان شورای نگهبان انتخاب بکند، خودش زیر سؤال می‌رود که آقا بنا بود شما عادل را انتخاب بکنید، چرا این کسی را که اصلاً نمی‌فهمد فقه یعنی چه؟ اسلام یعنی چه؟ این را انتخاب کردید.

فقهای شورای نگهبان، یعنی علماء عدول آگاه به زمان، این طور آدم‌ها را می‌آیند تعیین می‌کنند، تأیید این اشخاص به دست کسی است که خودش می‌فهمد مطابق قواعد اسلام و فقه هست و سر سوزن هم نباید تخلف کرد.

اگر اختیار ولی امر یک اختیار گسترده بی قاعده بود، ممکن بود که او بیاید چند نفری را که مسلمان نیستند یا سواد ندارند یا آگاه به زمان نیستند، یک چنین افرادی را تعیین بکند تا این افراد هر طور که این او تمایل داشت کار را انجام بدهند، ولی وقتی که ولی امر دارای شرایط عدالت است، امر اینگونه نخواهد بود.

حضرت امیر علیه السلام در خطبه ۲۱۶ از مردم می‌خواهد که بر ایشان نظارت وجود داشته باشد و فرمودند: **فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أَخْطِئَ وَلَا أَمَنْ ذَلِكَ مِنْ فَعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي! سَازُو كَارَ نِظَارَتِ مَرْدَمِ بَرِّ فِقْهِهِ كَهَ جَانِّشِينَ مَعْصُومِ اسْتِ، چيست؟**

ببینید مسئله نظارت بر کار ولی فقیه جامع شرایط بر اساس قانون اساسی به دست خبرگان است؛ در اصل صد و یازده آمده است که هرگاه فقیه بعضی از شرایطش را از دست بدهد یا معلوم بشود از آغاز این شرایط را نداشته از مقام خود برکنار می‌شود. تشخیص این امر به عهده خبرگان است، یعنی خبرگان باید آدم‌هایی باشند که حواس‌شان جمع باشد که آیا ولی فقیه خلاف می‌کند یا خلاف

۶۶ در اصل صد و یازده آمده است که هرگاه فقیه بعضی از شرایطش را از دست بدهد یا معلوم بشود از آغاز این شرایط را نداشته از مقام خود برکنار می‌شود

۶



“  
 قهراً ائمه  
 جماعت که  
 جنبه‌های  
 دینی و زندگی  
 دینی مردم  
 را می‌خواهند  
 اداره کنند،  
 امام جماعت  
 مسجدی باشند،  
 همه مردم  
 دین را آن‌طور  
 باید و شاید  
 نمی‌شناسند،  
 کمی با روی باز  
 با کسانی که  
 به آنها برخورد  
 می‌کنند برخورد  
 کنند و اگر یک  
 خلافتی خدای  
 نکرده دیدند، با  
 اخلاق خوش با  
 آن مواجه شوند  
 ”

بدهند. قهراً ائمه جماعت که جنبه‌های دینی و زندگی دینی مردم را می‌خواهند اداره کنند، امام جماعت مسجدی باشند، همه مردم دین را آن‌طور باید و شاید نمی‌شناسند، کمی با روی باز با کسانی که به آنها برخورد می‌کنند برخورد کنند و اگر یک خلافتی خدای نکرده دیدند، با اخلاق خوش با آن مواجه شوند. قاعده‌اش این است که آدم آنچه که اسلام گفته است، همان را برای مردم بگوید. یعنی اینطور نباشد که یک چیزی را انتخاب بکند که به زور در ذهن مردم فرو کند، باید اسلام را انسان بگوید، همان‌طور که پیامبر اسلام هم اول مطلبی را که تا آخر هم روی آن ایستاد «لا اله الا الله» بود. یعنی آن کس که مؤثر در وجود است، فقط خدا است و کسی که شایسته پرستش باشد، فقط الله است، خدا را در نظر بگیرید، مردم را به این ترتیب که با خدا آشنا بشوند و با پیغمبر آشنا بشوند، اینها را بیاورید جلو. واقع قضیه این است که امام جماعت خودش را هم حرف آخر مطرح نکند؛ چون قضیه به عکس می‌شود. اگر من خودم را انسان مسلمانی به مردم شناساندم، مردم خودشان علاقه‌مند به من خواهند شد، و همین‌طور اگر زندگی کردیم، مردم با ما این‌طور انس گرفتند، رفاقت بین ما و این مردم هم کاملاً برقرار خواهد شد و همه به خیر و سلامت از این مشکلات عبور خواهیم کرد.

نمی‌کند. مردم اگر از طریق خبرگان بخواهند، بله! به این ترتیب یک هیئتی و گروهی که خبرگان قانون اساسی از همان دور اول در نظر گرفتند، هیئت تحقیق بود، چند نفر آدم شایسته از میان خودشان انتخاب کردند و این گروه مسئولیت دارند بر کارهای رهبری نظارت کنند؛ در زمان حضرت امام (ره) هم خدمت حضرت امام می‌رفتند، الان هم خدمت مقام معظم رهبری می‌روند. آدم‌هایی انتخاب شدند برای این مسئولیت که به فلک باج نمی‌دهند. این‌ها نظارت می‌کنند. مردم می‌خواهند و می‌توانند این نظارت را داشته باشند منتها به واسطه کسی که خودش اهل فهم و درک است.

### پیچ در پایان توصیه حضرت تعالی به ائمه جماعت چیست؟

من این‌طور فکر می‌کنم که ائمه جماعت برای این هستند که مردم را هدایت کنند، قرآن شریف هم دارد که «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ» از هر گروه گوناگونی که در جامعه هست، هر کدامشان برای چند نفر نماینده بفرستند که اینها «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» تا تفقه کنند و خودشان آگاهی پیدا کنند در دین، و وقتی برگشتند آگاهی



نگاه

## چون که صد آید، نودهم پیش ماست

زام امور جامعه را تنها به دست کسانی خواهد سپرد که از یک سو، علت سعادت حقیقی جامعه را بهتر از دیگران می‌شناسند و از سوی دیگر، شأن و افتخاری را سزاوار خود می‌دانند که بالاتر از شأن و افتخار زمامداری است.

دانیال نعیمی  
طلبة درس خارج حوزه  
علمیه قم

مجلسی، شیخ بهایی و بسیاری دیگر از مشاهیر عالم تشیع، علاوه بر مرجعیت دینی، مرجعیت سیاسی و اجتماعی مردمان را نیز عهده‌دار بودند.

به مرور و با کنار زدن عالمان توسط برخی حکومت‌ها و خروج فقیهان از عرصه کنش سیاسی، موجب شد که ایفای نقش رهبری جامعه که از صلاحیت‌های فقیهان بود، نادیده گرفته و به دست فراموشی سپرده شود.

این وضعیت به شکلی در آمد که گویی جوامع، تعریف جدیدی از فقه ارائه کردند که اداره امور جامعه و اجتهاد نیازهای سیاسی و اجتماعی آن را شامل نمی‌شد. آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر در توصیف این وضعیت می‌گوید: «این گوشه‌نشینی سیاسی، به تدریج

### ارسطو(۱)

پس از سده چهارم هجری و با پایان دوره امامت و رهبری ائمه معصومین (علیهم السلام) - که بر دو عنصر علم و عصمت استوار بود - جامعه شیعه زندگی سیاسی، اجتماعی و دینی خود را بی حضور امام معصوم آغاز کرد. همین دوره، مولود گفتمان نیابت فقیه است که بنابر آن، فقیهان و عالمان به عنوان مظاهر رهبری فکری و عملی جامعه شناخته شدند و در عمل، نزد مردمان رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه را عهده‌دار بودند.

در حکومت‌های شیعی مانند آل بویه و صفویه، عملاً اداره امورات اجتماعی و گاه سیاسی جامعه، بر عهده فقیهان بود و فقهای نامداری چون سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، علامه

“  
در حکومت‌های  
شیعی مانند  
آل بویه و صفویه،  
عملاً اداره  
امورات اجتماعی  
و گاه سیاسی  
جامعه، بر عهده  
فقیهان بود  
”



دامنه هدف اجتهاد را نزد شیعه تنگ‌تر کرده و رفته رفته این فکر که عرصه عرض اندام آن تنها در حوزه شخصی است، رسوخ یافته است و بدین صورت، اجتهاد در ذهن فقیه با فرد مسلمان و نه «جامعه» گره خورده است.<sup>(۴)</sup>

این اندیشه طی سالیان متمادی در ذهن مردمان و بالطبع متفکران علوم اجتماعی و سیاسی نهادینه شد تا اینکه در ایران و در دوره قاجار، با طلوع نهضت مشروطه و نقش آفرینی مؤثر روحانیت و بالأخص مراجع، دوباره بحث مرجعیت سیاسی و اجتماعی فقیهان مورد توجه قرار گرفت. مجتهدین نامداری مانند آیت‌الله نائینی، شیخ فضل‌الله نوری و بسیاری دیگر از مجتهدین و فقیهان پس از ایشان، به صورتی جدی نقش رهبری سیاسی جامعه شیعه ایران را ایفا نمودند.

### عصر مشروطه

حضور پررنگ فقیهان اصیل در حوادث سیاسی پس از مشروطه اما هنوز نگرش مردمان و عالمان سیاسی را به جایگاه فقه و فقیهان در منصب رهبر جامعه، هنوز تغییر نداده بود و فترت تاریخی فقه و سیاست، هنوز سایه سنگین خود را بر احیای این صلاحیت حفظ نموده بود.

آغاز نهضت انقلاب اسلامی و ظهور فقیه‌ی به نام امام خمینی در عرصه سیاسی ایران و احیای نظریه و لایت فقیه توسط وی، موجب گردید که این گفتمان به شکلی جدی دوباره مطرح شده و فقیه در قامت رهبر سیاسی - اجتماعی جامعه، حیاتی دوباره یابد.

### انقلاب اسلامی

امام خمینی این گفتمان اصیل را - که رهبری یک جامعه اسلامی فقط در صلاحیت یک عالم اسلامی است - تثویز کرده و با معرفی سیاست به عنوان زیر مجموعه فقه، اثبات می نمود: «آنچه مربوط به نظارت و اداره عالی کشور و بسط عدالت بین مردم و برقراری روابط عادلانه میان مردم می باشد، همان است که فقیه تحصیل کرده است.»<sup>(۵)</sup>

اما هم چنان این سؤال تاریخی مطرح بود که با توجه به تخصصی بودن امور، چگونه اداره امور سیاسی و اجتماعی، در صلاحیت یک نفر فقیه است که تخصص امور سیاسی ندارد.

در پاسخ به این سؤال اساسی، امام خمینی سیاست را به هدایت جامعه به سمت و سوی صلاح جامعه و افراد تعریف کرده، می گوید: «سیاست به معنای اینکه جامعه راه برد و هدایت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست. این در روایات ما برای نبی اکرم با لفظ «سیاست» ثابت شده است.»<sup>(۶)</sup> از این روی، ماهیت فقه را سیاسی دانسته و آن دورا در تعامل با یکدیگر معرفی می کند. در نظر وی، اجتهاد سیاسی مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای رفتاری و عملی فرد مسلمان است که در دسته‌بندی علوم از آن به «حکمت عملی» تعبیر می شود.

در تبیین این نظر، امام خمینی با تمسک به حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) علوم را به سه قسم تقسیم می کند: «آیه محکمه یا فریضة عادلّه یا سنت قائمه» «آیه محکمه» علوم عقلی

هستند، «فریضة عادلّه» علم اخلاق و «سنت قائمه» علم ظاهر و علوم آداب قالبیه را شامل می شود.<sup>(۷)</sup>

متکفل علم اول، انبیا و اولیا (علیهم السلام)، فلاسفه و اعظم حکما و اصحاب معرفت و عرفان هستند. متکفل علم دوم، انبیا و اوصیا (علیهم السلام)، علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارفاند و علم سوم که راجع به تربیت ظاهر و ارتیاض آن است، علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مُدُن است که متکفل آن پس از انبیا و اوصیا (علیهم السلام)، علمای ظاهر و فقها و محدثین هستند.<sup>(۸)</sup>

در ادامه، حکمت را به نظری و عملی تقسیم کرده، قسم اول از علوم سه‌گانه را جزء حکمت نظری و قسم دوم و سوم را جزء حکمت عملی قرار می دهد.

امام خمینی در کلامی ساده، حق رهبری بر جامعه اسلامی را برای فقیه دانسته و می گوید: «اینها همچو تبلیغات کرده بودند که اگر یک ملایی وارد می شد در امر سیاسی، راجع به حکومت می خواست صحبت بکند، راجع به مجلس صحبت بکند، راجع به گرفتاری های سیاسی مردم می خواست صحبت بکند، در خود جامعه روحانیت می گفتند که این آدم «سیاسی» است، دیگر به درد نمی خورد! همان خاصیتی که در علی بن ابی طالب بود که یک رجل سیاسی بود. از خطبش معلوم است که مرد سیاست بوده و از کاغذی که به مالک اشتر نوشته و دستورهایی که داده، همه اش دستورهای سیاسی است. ما غفلت کردیم از مبادی امر و از صدر اسلام و از کیفیت سیاست رسول اکرم، امیرالمؤمنین و ائمه (علیهم السلام) - که به صورت تقیه سیاستها را اجرامی کردند - به ما تزیق کردند که شما حق دخالت در این امور را ندارید. اصلاً در شأن شما نیست با این اسم، که ما یک قدری خوشحال بشویم که آقا شما بالاتر از این هستید که در سیاست دخالت بکنید! شما یک رجل روحانی هستید، شما باید مردم را تهذیب اخلاقیان را بکنید، اخلاق برای مردم بگوئید و امثال این حرفها. هم منبرها را از محتوایی که باید داشته باشد - که آن دخالت در امور سیاست مملکت است - و هم مسجدها را و هم سایر طبقات روحانیون را و هم حوزه های علمیه را از آن محتوایی که اسلام از اول می خواسته اینها [داشته] باشند و این کارها را بکنند، [باز داشتند]. در «حوادث واقعه» باید به روحانیین رجوع بشود. «حوادث واقعه» چه چیز است؟ حادثه‌ها همین حوادث سیاسی است. حالا احکام جزء «حوادث» نیست. و اما الحوادث الواقعه رجوع کنید به فقها. حوادث همین سیاست هاست. این «حادثه»ها عبارت از اینهایی است که برای ملت‌ها پیش می آید. این است که باید مراجعه کنند به کسان دیگری که در رأس مثلاً هستند و الا مسئله گفتن و احکام شرعی جزء حوادث نیست.»<sup>(۹)</sup>

تبیین علمی امام خمینی از رابطه سیاست و فقه، شبیه عدم صلاحیت فقیه برای اداره امور سیاسی یک جامعه و به طور کلی به رهبری آن، پاسخی علمی داده و علاوه بر آن اثبات می کند که در یک جامعه اسلامی و شیعی، رهبری جامعه تنها در صلاحیت یک مجتهد و فقیه است و این همان چیزی است که تاریخ صرف نظر از فترتی کوتاه شاهد آن بوده و بر آن مهر تأیید می زند.

“

آنچه مربوط به نظارت و اداره عالی کشور و بسط عدالت بین مردم و برقراری روابط عادلانه میان مردم می باشد، همان است که فقیه تحصیل کرده است

”

### پی نوشت‌ها:

۱. افلاطون: «جمهوری»، کتاب هفتم، ص ۳۷۹.
۲. صدر، سید محمدباقر: «روند آینده اجتهاد»، فقه اهل بیت، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۴، ص ۳۵.
۳. کاشف الغطاء: «نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء»، بی جا: بی تا، ص ۱۸۹.
۴. امام خمینی، روح الله: «صحیفه امام»، ج ۱۳، ص ۴۳۱.
۵. همو: «چهل حدیث»، ص ۳۹۱.
۶. همان، ص ۳۸۷.
۷. همو: «صحیفه امام»، ج ۸، ص ۱۸۶.



# علمای امامیه و ارتباط با حکومت‌ها



نگاه

سید علی آقایی  
طلبه درس خارج حوزه  
علمیه قم

اعتقاد شیعه امامیه بر آن است که حکومت، یکی از شئون مهم امام معصوم (علیه السلام) است و بر این اساس، در زمان حضور امام معصوم، خلافت و سلطنت غیر امام بر مسلمین، حکومتی غاصبانه و جور خواهد بود. از منظر اعتقادی شیعه، مشروعیت حکومت در ارتباط مستقیم با امام خواهد بود. بنابراین حکومت‌های اسلامی، غالباً مورد تأیید شیعیان نبوده‌اند. رابطه شیعیان با حکومت‌ها نیز، دستخوش پیچیدگی‌های فراوانی بوده است؛ از یک طرف حکومت‌های غیر شیعی که بعضاً قیام شیعیان را هم در مقابل خود می‌دیدند و از سویی دیگر، حکومت‌های ظاهراً شیعی که در تفسیر دین، دست به دامان علما می‌شده‌اند.

در لسان روایات برای زمان حضور، هر گاه سخن از سلطان عادل به میان آمده، منظور امام معصوم است که از طرف خداوند، بر مسلمانان ولایت دارد؛ اما در مورد اینکه در عصر غیبت، چه کسی حق حاکمیت و حکومت را خواهد داشت و اینکه آیا این حق ولایت به فقهای امت تفویض شده است، در میان علمای شیعه اختلافاتی وجود دارد.

آنچه در این میان مورد اتفاق است، عهده‌داری برخی از شئون توسط فقیه جامع‌الشرایط در زمان غیبت است. این موضوع در زمان حکومت عباسیان و آل بویه و حضور شیعیان در مناصب حکومتی، بیشتر مورد بحث قرار گرفت و آنچه از نظرات علمای شیعه در قرون ابتدایی آغاز غیبت بر می‌آمد، این بود که مشروعیت قبول مناصب حکومتی، بر اساس ولایت شرعی فقیه خواهد بود که بر پایه روایاتی بوده که فقیه را جانشین امام معصوم معرفی می‌کرده است. به عبارت دیگر، هر چند مجتهد به صورت ظاهری از طرف حاکم جور منصوب شده، اما خودش به عنوان فقیه، صاحب ولایت بوده است. البته دلایل دیگری هم در این زمینه مطرح شده -از جمله اینکه می‌توان ریشه مباحث مربوط به تعامل یا عدم تعامل با دولت‌ها را در تأسیس و استقرار حکومت‌های مستقل شیعی و بعضاً مقتدر در تاریخ اسلام جست‌وجو کرد- که سبب پدید آمدن مباحث جدیدی در حوزه تفکر و اندیشه فقهی و سیاسی علمای شیعه شده است.

با تمام مخالفت‌هایی که در میان علمای امامیه در تعامل با حکام زمان غیبت وجود داشت، در سیره ایشان می‌توان سه دوره را یافت که با حکومت‌ها تعامل و همکاری صورت گرفته است:

۱. تعامل با حکومت آل بویه، با سردمداری بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی و رضی و شیخ الطائفة طوسی، تا اواخر

خلافت عباسی در قرن چهارم و پنجم.

۲. تعامل با مغولان خصوصاً ایلخانیان پس از عباسیان، با حضور علمایی چون خواجه نصیرالدین طوسی، سید بن طاووس، محقق حلی، علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین، در قرن هفتم و هشتم هجری.

۳. تعامل با دولت صفویه، از اوایل قرن دهم هجری تا کنون.

تا پیش از حکومت‌های شیعی، فقهای شیعه عمیقاً درگیر مسئله همراهی با حکام و تعامل با حکومت‌ها نشده بودند؛ اما با تغییر برخی نظام‌های حکومتی از سنی به شیعه، مسایلی هم‌چون خراج، مقاسمه، حدود اختیارات فقیه، نماز جمعه و مباحثی از این دست، به شدت در فقه شیعه مورد توجه قرار گرفت. ظهور دولت صفوی، سرآغاز مجادلات علمی در این مسئله بود. هر چند بسیاری از علمای شیعه با حکومت شیعی صفوی همراه بودند، اما مخالفان قدری هم در آن دوره وجود داشتند که از جمله ایشان می‌توان به شیخ ابراهیم قطیفی، مقدس اردبیلی، ملاصدرا و عبدالحی رضوی اشاره داشت.

مهم‌ترین موضوع مورد نزاع در مسئله تأیید یا عدم تأیید حکومت‌ها در عصر غیبت، بحث «خراج» یا زکات بود که رسایل مختلفی در این زمینه از مخالف و موافق، به رشته تحریر درآمد. تا پیش از حکومت‌های شیعی مسلک، علمای امامیه جز در موارد نادر و اندک، بهره‌چندانی از خراج حکومتی نداشتند، بنابراین حلیت و حرمت این گونه اموال برای آنان در اهمیت نبود. با به قدرت رسیدن شیعیان و تغییر وضع مالیاتی، مسئله خراج به یک موضوع پیچیده مبدل شد. چنان‌که عطایا و مستمریات در بارهای شیعی به علما در جهت پیشبرد اهداف دین، رو به فزونی نهاد و چون مشروعیت گرفتن این خراج اجباری از مردم روشن نبود، محل نزاعی برای فقهای شیعه ایجاد کرد و سبب شد در سده دهم هجری، رسایل زیادی در این باب رد و بدل شود.

یکی از مطرح‌ترین موافقان حلیت استفاده از این خراج، محقق کرکی

## منابع:

- (۱) خاتون آبادی، سید عبدالحسین: «وقایع السنین و الاعوام»، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۲، ص ۴۶۲.
- (۲) گلیو، رابرت: «پژوهش‌های جدید غریبان درباره تاریخ مذهبی ایران عصر صفوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۸ و ۶۹، خرداد ۱۳۸۲، ص ۲۱.
- (۳) رجبی، محمدحسین: «آراء فقیهان عصر صفوی درباره تعامل با حکومت‌ها»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۸-۵۳.
- (۴) جعفریان، رسول: «صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست»، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، صص ۱۱۵ و ۱۴۹.
- (۵) فتاحی اردکانی، محسن: «علل همکاری علمای شیعه با دولت صوفی صفویه»، حکومت اسلامی، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۶۹، صص ۸۵-۱۰۸.
- (۶) مدرس طباطبایی، سید حسین: «زمین در فقه اسلامی»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۳.

# مردم سالاری ولایتی

بررسی رابطه دموکراسی و ولایت فقیه



بود که بر حلیت پذیرش عطایای حاکم از خراج اجباری، اعتقاد داشت، هر چند که حاکم جائز و غاصب باشد. در مقابل بزرگانی چون شیخ ابراهیم قطیفی و مقدس اردبیلی بودند که استفاده از این خراج را حرام دانسته و فقیهانی را که عطایای حکومتی در یافت می کردند، به شدت سرزنش می نمودند.

نکته قابل توجه این است که با ظهور صفویان، بیشترین قدرت قضایی و تولیت امور شرعی تا آن زمان، به مجتهدان سپرده شد که خود مایه اختلافات زیادی در میان ایشان در حیطه اختیارات و حدود آن شد. مسئله دیگری که در این میان باید مورد توجه قرار گیرد، رواج اخباری گری و ظهور اخباری مسلک‌ها در مراکز و محافل دینی و علمی شیعه، در مقابل اجتهادگرایان بود که با تمام مخالفت‌های خود با مجتهدان، در تعامل و همکاری با دولت‌هایی چون صفویه، انعطاف بیشتری از خود نشان دادند.

با تمام توصیفات که گذشت، نوعی بی‌اعتنایی در میان علمای شیعه نسبت به حکومت‌ها بوده است که به انحای مختلف خود را نشان داده است. برخی از محققین غربی، پیرامون نظرات علمای شیعه در قبال حکومت‌ها، مباحث جالبی را مطرح کرده‌اند. از جمله اینکه غالب فقیهان امامیه، حکومت‌های عصر غیبت را غاصب می دانستند و به گونه‌ای بر این اعتقاد استوار بودند که حتی با ظهور صفویان هم، این باور تغییری نکرد و حتی این حکومت را مشروع نمی دانستند. همکاری و تعامل با این حکومت، از باب هدایت حکومت و جمع آوری زکات یا خراج بود و از آن جهت که فقیه را وارث معصوم می دانستند. فقها تلاش کردند که حکام شیعه خود را «امام عادل» نامند و اگر ستایشی در متون فارسی از شاهان هست، بیشتر به دفاع شاه از شریعت بازمی گردد؛ ولی دیدگاه‌های واقعی فقها را می توان در آثار عربی ایشان یافت که شاهان، غاصب حکومت امام معصوم هستند.

تورج روحانی  
طلبه درس خارج حوزه  
علمیه قم

دموکراسی (Democratia) از ریشه یونانی «Demos» به معنای مردم و «Kratos» به معنای حکومت گرفته شده است و به معنای «حکومت مردمی» است.<sup>(۱)</sup> امروزه این واژه به سیستمی از حکومت اطلاق می شود که به وسیله مردم و از طریق نمایندگان برگزیده آنان اداره می شود. نیز به آن گونه تفکرات، که به آزادی اندیشه، گفتار، دین و دیدگاه‌های سیاسی معتقد است و اصل مساوات و برابری در مقابل قانون را شاخصه عدالت اجتماعی می داند و هر گونه فشار و اعمال قدرت جز از طریق قانون را محکوم می شمرد، دموکراسی گفته می شود.<sup>(۲)</sup>

## شاخصه‌های نظام دموکراسی

۱. مهم‌ترین شاخصه نظام دموکراسی، حضور فعال مردم در اداره جامعه است. به عبارت دیگر منشأ قدرت سیاسی، خود مردم هستند.
  ۲. آزادی همه جانبه در موارد مختلف، نظیر قلم، بیان، عقیده، دین، دیدگاه‌های سیاسی و...
  ۳. برابری و مساوات همه افراد ملت در برابر قانون. سایه عدالت، همه احاد ملت را یکسان زیر پوشش خود قرار داده باشد.
  ۴. تأمین مصالح و منافع همگانی. سیاست‌گذاری دولت باید به گونه‌ای باشد که در جهت حفظ منافع ملی حرکت کند.
  ۵. حق انتخاب کارگزاران دولت در هر سه بعد قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی. این حق برای همه افراد ملت به طور مساوی ثابت است، تا هر که را بخواهند و شایسته بدانند، بدون تحمیل، انتخاب کنند.
- این پنج شاخصه در این خلاصه می شود: این نظام بر اراده و خواست مردم استوار است و بر محور منافع مردم حرکت می کند.

“  
این پنج شاخصه  
در این خلاصه  
می شود: این  
نظام بر اراده و  
خواست مردم  
استوار است و  
بر محور منافع  
مردم حرکت  
می کند  
”



نگاه

### شبهه‌نا سازگاری «ولایت فقیه» با «دموکراسی»

یکی از مهم‌ترین مباحث در این خصوص، به ولایت و حاکمیت فقیه و اصول مربوط به حق حاکمیت مردم و جمهوریت نظام برمی‌گردد. در این بحث، پرسش این است که چه رابطه‌ای بین این دو نوع حاکمیت وجود دارد؟ آیا این دو می‌توانند با هم سازگار باشند یا خیر؟

پرسش فوق از این جهت مطرح می‌شود که بر مبنای اصول مربوط به ولایت فقیه، حاکمیت ویژه فقیه است؛ در حالی که بر اساس حق حاکمیت مردم، مشروعیت سیاسی حکومت، منتسب به مردم و آرای آنان است و کسی می‌تواند بر مردم حکم براند که برگزیده خود مردم باشد. عده‌ای معتقدند که پذیرش حاکمیت فقیه، به منزله نفی دموکراسی و حاکمیت مردم است. این عده می‌گویند: «اگر خواهان ولایت فقیه هستیم، دموکراسی باید برود؛ هم چنان که اگر خواهان دموکراسی هستیم، این امر با ولایت فقیه ممکن نیست» (۳).

این سخن به معنای آن است که حکومت فقیه، نمی‌تواند دموکراتیک باشد. همین نویسنده می‌گوید: «با عنایت به دو صفت مشترک و ده ممیزه حکومت ولایی و حکومت جمهوری، این دو حکومت -اگر قرار باشد ضوابط هر دو واقعاً (نه فقط لفظاً) پیاده شود- سازگار نیستند؛ بلکه متعارض‌اند...» (۴)

یکی دیگر از نویسندگان می‌گوید: جمهوری -که در مفهوم سیاسی و لغوی و عرفی خود، جز به معنای حاکمیت مردم نیست- هرگونه حاکمیت را از سوی شخص یا اشخاص یا مقامات خاصی به کلی

منتفی و نامشروع می‌داند و هیچ شخص یا مقامی را جز خود مردم، به عنوان حاکم بر امور خود و کشور خود نمی‌پذیرد. از این رو این قضیه که «حکومت جمهوری و در حاکمیت ولایت فقیه است» یا «حکومت ایران، حکومت جمهوری است و این چنین نیست که حکومت ایران حکومت جمهوری است» معادل می‌باشد و چون رژیم جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن کلاً در این قضیه مرکب -که فرمول تناقض منطقی است- خلاصه می‌شود، به نظر این جانب از همان روز نخستین، از هرگونه اعتبار عقلایی و حقوقی و شرعی خارج بوده و با هیچ معیاری نمی‌تواند قانونیت و مشروعیت داشته باشد. (۵)

### پاسخ شبهه

گذشته از نقدهای متعددی که در امکان وجود عینی دموکراسی به مفهوم پیش گفته وجود دارد، (۶) تنها به بیان پاسخ اشکال موجود می‌پردازیم:

#### ۱. وجود اصول محوری در تمام دموکراسی‌های دنیا

علی‌رغم آنچه از دموکراسی به ذهن می‌آید -که دموکراسی، به معنای آزادی مطلق و بی‌قیدی است- اما باید توجه داشت که هیچ دموکراسی خالی از اصولی وجود ندارد. به عنوان مثال، لیبرال دموکراسی که خود را آزادترین دموکراسی‌ها می‌خواند، به طور قاطع به عنوان یک اصل با حضور دین در عرصه سیاست، مخالف است. جهت روشن شدن موضوع، به اصولی از قوانین اساسی برخی از

“  
لیبرال  
دموکراسی که  
خود را آزادترین  
دموکراسی‌ها  
می‌خواند، به  
طور قاطع به  
عنوان یک اصل  
با حضور دین در  
عرصه سیاست،  
مخالف است  
”

کشورها اشاره می‌شود.

کشور فرانسه، یک حکومت دموکراتیک غیر مذهبی دارد. اصل یکم قانون اساسی فرانسه می‌گوید: «فرانسه یک جمهوری غیر قابل تجزیه، غیر مذهبی، دموکراتیک و اجتماعی است.» مشابه همین اصل در قانون اساسی ایتالیا، کره جنوبی و کشورهای دیگر نیز آمده است. کشور چین، دارای یک حکومت «جمهوری مکتبی» است. حکومت این کشور در عین دموکراتیک بودن، کمونیستی نیز هست. در اصل سوم قانون اساسی چین آمده است: «در جمهوری خلق چین، تمام قدرت از آن خلق است.» در قسمتی از اصل دوم نیز آمده است: «در جمهوری خلق چین، ایدئولوژی راهنما، مارکسیسم لنینیسم اندیشه مائوتسه دون است.» همان طور که دیده می‌شود، در این اصول حکومت چین، جمهوری و دموکراتیک دانسته شد که قدرت از مردم سرچشمه می‌گیرد و در عین حال در این کشور ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم حکومت می‌کند. بنابراین، چین دارای یک حکومت دموکراسی مکتبی است؛ گرچه مکتب مورد قبول آنان غیر الهی است. از آنچه گفته شد، معلوم گردید که مکتبی بودن (اعم از دینی یا غیر دینی) یک حکومت، منافاتی با دموکراتیک بودن آن ندارد؛ البته به شرط آنکه مکتب مورد نظر، انتخابی باشد. ولی اگر مکتبی بر مردم یک کشور تحمیل شود، در آن صورت دیگر این حکومت دموکراتیک نخواهد بود.

## ۲. انتخاب دموکراسی با اصول اسلامی توسط مردم

همان طور که تاریخ گواهی می‌دهد، مردم ایران در یک انتخابات گسترده در دوازدهم فروردین ۱۳۵۹، با بیش از ۹۸ درصد آرا به حکومت جمهوری اسلامی رأی دادند.

به دیگر سخن، هر کجا که تعیین و تحمیل باشد، دموکراسی مفهومی ندارد؛ چه تحمیل رییس حکومت و چه تحمیل قوانین لازم الاجرا. اما اگر مردم خودشان شکل حکومت را انتخاب کنند، رییس حکومت را نیز خودشان برگزینند و قانون‌گذاری نیز بر اساس مکتب انتخابی آنان صورت گیرد، تردیدی نیست که این حکومت، یک حکومت دموکراتیک است. به یقین می‌توان مدعی شد که در یک جامعه مکتبی که مردم آن خواهان اجرای احکام مکتب هستند، حکومت غیر مکتبی، غیر دموکراتیک هم خواهد بود؛ زیرا خواسته مردم، عمل به مکتب است ولی حکومت به مکتب اعتنا نمی‌کند. در این فرض، حکومت، دموکراتیک عمل نکرده است. حکومت دموکراتیک به نوبه خود به مکتبی و غیر مکتبی تقسیم می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران در این تقسیم‌بندی یک حکومت دموکراتیک مکتبی (دینی) است و ماهیتاً با حکومت‌های لیبرال و غیر مکتبی تفاوت دارد. بعضی از روشنفکران معاصر نیز به این واقعیت صریحاً اقرار و اعتراف کرده و گفته‌اند:

«اگر کسی بگوید که هیچ‌گاه و هیچ‌جا حکومت دموکراتیک دینی نمی‌توان داشت، حتی در جامعه دینی، این سخن به قوت محل تردید است. حق این است که حکومت دینی، مسبوق به جامعه دینی و مناسب با آن است و در چنین جامعه‌ای، هر گونه حکومت غیر دینی، غیر دموکراتیک هم خواهد بود. حکومت‌های دینی هم می‌توانند دموکراتیک و هم غیر دموکراتیک باشند.» (۷)

بنابراین جمهوری اسلامی ایران، یک حکومت دموکراتیک دینی است

و حرف کسانی که می‌گویند ما نمی‌توانیم دموکراسی اسلامی داشته باشیم (۸) و این اصطلاح را یک اصطلاح متناقض می‌دانند، به هیچ وجه صحیح نمی‌باشد.

حال که معلوم شد جمهوری اسلامی ایران، یک نظام دموکراتیک مکتبی است، باید به این نکته نیز توجه داشت که دینی بودن یا مکتبی بودن یک حکومت، لوازمی دارد؛ یکی از لوازم مکتبی بودن حکومت، حاکمیت اصول و موازین آن مکتب بر اعمال نهادهای حکومتی و نیز بر روابط حکمرانان با مردم است. در یک حکومت مکتبی، قانون‌گذاری بایستی با توجه به اصول آن مکتب و در چارچوب معیارهای آن، صورت گیرد و از وضع قوانین و مقررات مغایر با موازین مکتب، جلوگیری شود. به همین دلیل در اصل چهارم قانون اساسی تصریح شده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلام باشد.»

هم چنین در اصل ۷۲ تأکید شده است: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایریت داشته باشد.» اگر در یک حکومت مکتبی، قوانینی مغایر با مکتب، تصویب و اجرا شود، در این صورت دموکراسی نقض شده است؛ زیرا فرض بر این است که مکتبی بودن و مکتبی عمل کردن، خواسته اکثریت مردم است.

## ۳. انتخابی بودن ولی فقیه

چگونگی تصدی مقام ولایت امری را اصل یکصد و هفتم این گونه بیان می‌کند: «رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت.» از آنجا که خبرگان انتخاب‌کننده مقام رهبری، برگزیدگان مردم و نمایندگان آنان هستند، رهبر نیز به طور غیر مستقیم، منتخب مردم است. از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فقیه منتخب مردم یا فقیه‌ای که از سوی مردم مورد اقبال عمومی و پذیرش قرار گرفته است، امامت و ولایت امت را برعهده خواهد داشت. از نظر قانون اساسی، ولایت فقیه از رأی مردم جدا نیست و هیچ گونه تعیین و تحمیلی در این مورد وجود ندارد تا با اصل ۵۶ و حق حاکمیت مردم ناسازگار بوده و با جمهوری و دموکراتیک بودن نظام تعارض داشته باشد.

## ۴. ولی فقیه یکی از اصول میثاق ملی یا قانون اساسی

حال که دانسته شد مردم با رأی خود شکلی از حکومت را خواسته‌اند که در آن اصول اسلامی رعایت شود، در طی قانون اساسی کشور، امهات این اصول مبین شده است که یکی از آنها، اصل یکصد و دهم از قانون اساسی است که به حاکمیت ولی فقیه (با خواست و اراده مردم) اختصاص دارد.

## نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، به خوبی روشن می‌گردد که ولایت فقیه در جامعه، نه تنها مغایر با دموکراسی نیست، بلکه چون در اصل تدوین قانون اساسی و در انتخاب ولی فقیه، مردم حضور دارند، عدم وجود ولی فقیه در جامعه، مخل به دموکراتیک بودن آن می‌گردد. لذا وجود ولی فقیه با پشتوانه خواست مردم، نشانه دموکراتیک بودن جامعه است.

## پی‌نوشت‌ها:

(۱) آشوری، داریوش: «فرهنگ

علوم سیاسی»، ص ۸۸.

(۲) فرهنگ آکسفورد،

سال ۱۹۹۷.

(۳) کدیور، محسن: «عنوان

مقاله»، ماهنامه کیان، مرداد و

شهریور ۱۳۷۹، ش ۵۳، ص ۷۴.

(۴) هومو: «حکومت ولایی»،

تهران: نشرنی، چاپ دوم، ۱۳۷۸،

ص ۲۰۸ و ۲۰۹.

(۵) حائری یزدی، مهدی:

«حکمت و حکومت»، لندن:

شادی، چاپ اول، ۱۹۹۵ م،

مبحث معمای لاینحل جمهوری

اسلامی و ولایت فقیه، ص ۲۱۷.

(۶) به عنوان مثال در انتخابات

اخیر آمریکا بر پایه برخی

گزارشات، علی‌رغم اینکه خانم

کلینتون به لحاظ تعداد آرا را

بیشتری از رقیب خود داشت، اما

چون تعداد رای الکتروال کمتر

بوده است، در انتخابات شکست

می‌خورد. حال سؤال اساسی

این است آیا معتبر دانستن رأی

الکتروال، حتی در این صورت،

تأمین‌کننده دموکراسی خواهد

بود؟

(۸) کواکبیان، مصطفی:

«دموکراسی در نظام ولایت

فقیه»، مرکز چاپ و نشر سازمان

تبلیغات اسلامی، چاپ اول،

۱۳۷۰، ص ۳۲.

(۹) ر.ک. مجتهد شبستری،

محمد: «فقده برقرارت رسمی

از دین»، مقاله دموکراسی و

دین‌داری، تهران: طرح‌نو، چاپ

اول، ۱۳۷۹. ایشان مدعی هستند

که دموکراسی، اسلامی و غیر

اسلامی ندارد و سپس پیشنهاد

می‌کنند که به جای اصطلاح

دموکراسی اسلامی، گفته شود

«دموکراسی مسلمانان».



## ولایت فقیه و تفاوت ساختاری با نظام‌های دیکتاتوری

امروزه حق حاکمیت مردم، در قوانین اساسی بیشتر کشورها به رسمیت شناخته شده است؛ حتی کشورهایی که در عمل به حق حاکمیت مردم اعتنا نمی‌کنند و آن را نقض می‌نمایند، اصلی از اصول قانون اساسی خود را به این موضوع مهم اختصاص داده‌اند تا به دیکتاتوری و استبداد متهم نشوند. شبهه‌ای که دربارهٔ همسان‌پنداری نظام ولایت فقیه با حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری مطرح می‌شود، غالباً به دلیل عدم تمییز صحیح شیوه‌های حکومت‌داری در جهان است. دشمنان ما که می‌گویند با قبول اصل ولایت فقیه، اصل دموکراسی زیر پا گذاشته می‌شود، راست می‌گویند؛ اما کدام دموکراسی؟ دموکراسی از نوع غربی که هیچ قید و شرط در آن نیست، یا دیکتاتوری‌های در قالب دموکراسی؟! مسلماً دموکراسی غربی و دیکتاتوری با اصل ولایت فقیه سازگار نیست.

سید محمد مهدی  
رضوی پور  
رشد رشته امامت

ثروت است. یعنی با قدرت گرفتن مالی و تبلیغاتی گروهی به نام مردم، دموکراسی را در مدل‌های مورد نظرشان برای دیگران به ارمان می‌آورند.

۴. نوع دیگر حکومت که آن را «دموکراسی مکتبی» یا «جمهوری مکتبی» می‌نامیم، بر آرای مردم بنیان شده است؛ اما نه به صورت بی‌قید و شرط، بلکه در چارچوب یک مکتب. مردم حق رأی دارند و می‌توانند انتخاب شوند و انتخاب نمایند؛ اما با در نظر گرفتن مقررات مکتب. در این نوع دموکراسی، هر کس را نمی‌توان انتخاب کرد و حکومت را به دست او سپرد، هر قانونی را از مجلس نمی‌توان گذراند و آزادی مطلق وجود ندارد؛ آزادی آنها در چارچوب مکتب است. (۱)

در نظام‌های فرد محور و دیکتاتوری، تمام اختیارات کشور، بدون قید و شرط در دست یک نفر قرار دارد و هر سه رکن قانون‌گذاری، اجرا و قضا، به صورت یک اصل در اختیار حاکم است. تمام کارکنان و متصدیان امور از طرف او اقدام می‌کنند. حاکم مطابق تمایل و خواسته‌های خود تصمیم‌گیری می‌کند و در هر ساعت، ممکن است احساسات او اقتضای اقدامات خاصی باشد که اساساً قابل پیش‌بینی نیست. تمام کشورهای سلطنتی در اروپا قبل از انقلاب کبیر فرانسه، همین وضع را داشتند. در این گونه رژیم‌ها، اولاً قدرت شاه مقید

به طور کلی چهار نوع حکومت داریم:

۱. حکومت فردی بر مبنای زور یا همان دیکتاتوری؛ مانند حکومت پادشاهان و سلطنت‌های فردمحور که بر اساس زور و قدرت نظامی تشکیل می‌شود. یعنی هر کس قلدرتر بود، زمام حکومت را به دست می‌گیرد.

۲. حکومت فرد صالح؛ حکومتی که به وسیلهٔ یک فرد اداره می‌شود، ولی همه یا اکثریت قاطع مردم به این امر راضی هستند که زمام امور خود را به دست او بسپارند. این حکومت فردی است؛ اما حکومت زور نیست. نمونهٔ کامل آن، حکومت پیامبران خدا است. هر چند آنها در ادارهٔ امور با مردم مشورت می‌کردند، ولی تصمیم‌نهایی با خود آنها بوده است. از آنجا که یک فرد عادی، هر قدر صالح باشد باز هم اشتباه می‌کند، این نوع حکومت را منحصر به پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) می‌دانیم.

۳. حکومت مردم بر مردم به صورت آزاد؛ همان شکلی که در غرب معمول است. آنها حکومتی را تشکیل می‌دهند که مبنای آن ظاهر آرای مردم است، ولی هیچ قید و شرطی ندارد. مردم هر کس و هر چیز را پسندیدند، همان است. یک روز ممکن است فیلسوف بسیار بزرگی را برای ریاست جمهوری انتخاب کنند و روز دیگر یک هنرپیشه یا دلکاک را! این نوع حکومت، معمولاً تابعی از تبلیغات و

«  
مردم حق رأی  
دارند و می‌توانند  
انتخاب شوند و  
انتخاب نمایند؛  
اما با در نظر  
گرفتن مقررات  
مکتب  
»

اختیارات ولی فقیه  
در قانون اساسی،  
از ناحیه قوانین  
اسلام و قانون  
اساسی مقید و  
محدود است.  
این محدودیت  
در نظام‌های  
استبدادی وجود  
ندارد

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۶۳، ص ۱۴.  
(۲) برگرفته از «پرسمان دانشجویی» بخش اندیشه سیاسی؛ ولایت فقیه و سایر نظام‌های سیاسی؛ مجله رواق اندیشه، مقاله «تقدیر بر نظریه ناسازگاری دموکراسی با ولایت فقیه»، شماره ۴، ص ۴۰.

به حوزه‌های خاص از مسایل اجتماعی نیست و همه آنچه را که یک حکومت با آن درگیر است، در برمی‌گیرد. اما اعمال قدرت در هر حوزه، باید بر اساس موازین اسلام و قانون باشد.

حکومت ولایت فقیه، از سه ناحیه نظارت می‌شود؛ سه ناحیه‌ای که در نظام‌های استبدادی وجود ندارد.

۱. نظارت درونی: ولی فقیه باید دارای سه شرط فقاقت، عدالت و درایت باشد. هر یک از این سه شرط، او را از درون نظارت می‌کند. «فقاقت» او را از اتکا به غیر قانون الهی باز می‌دارد، «عدالت» او را از اعمال خواسته‌های شخصی و نفسانی باز می‌دارد و «درایت» او را از خودرایی و ترک مشورت با اندیشمندان و متخصصان حفظ می‌کند.

۲. نظارت مستمر نمایندگان مجلس خبرگان: مجلس خبرگان علاوه بر وظیفه انتخاب رهبری، وظیفه نظارت بر استمرار این شرایط و نظارت بر چگونگی اعمال قدرت و رعایت شرایط اسلامی و قانونی در آن را نیز بر عهده دارد.

۳. نظارت مردم بر رهبری: در جمهوری اسلامی، مردم از دو طریق اعمال نظارت می‌کنند:

الف. با انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، به صورت غیرمستقیم بر رهبر نظارت دارند.

ب. آزادی بیان - که در قانون اساسی بدان اشاره شده است - فضای سالمی برای مطبوعات فراهم می‌کند و نظارت افکار عمومی را بر حکومت تشکیل می‌دهد. هر گاه مطبوعات، به راستی برخاسته از افکار عمومی مردم باشد، می‌تواند این وظیفه را به صورت مستقیم در توجه دادن ولی فقیه به خواست مردم و به صورت غیرمستقیم، جهت‌دهی عمومی مردم در انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، به خوبی انجام دهد که این نیز در هیچ یک از شیوه‌های حکومت‌های فردمحور مشاهده نمی‌شود. (۲)

به هیچ قانونی نیست. ثانیاً دستورات و اوامر شامل حال خود او نمی‌شود و تنها مجموعه تحت قدرت او را در برمی‌گیرد. ثالثاً چنین شخصی نسبت به آنچه که انجام می‌دهد، در پیشگاه هیچ مقامی مسئولیت ندارد.

در شیوه ولایت فقیه، طبق قانون اساسی، مردم در تعیین ولی فقیه - از طریق انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان رهبری - دخالت دارند. هم چنین آنان در مجاری قانون‌گذاری و اجرایی حکومت، از طریق انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری نقش دارند.

این سه نحوه دخالت مردم در حکومت، نه تنها در هیچ یک از حکومت‌های استبدادی وجود ندارد، بلکه در مردمی‌ترین نظام‌ها - که معمولاً در غرب وجود دارند - چنین دخالت و مشارکت گسترده مردم مشاهده نمی‌شود.

هم چنین دامنه قدرت ولی فقیه در قانون اساسی، به دو شکل محدود شده است، که به کلی با آنچه در حکومت‌های استبدادی است، متفاوت می‌شود. اول موازین اسلام، که محدود کننده قدرت ولی فقیه و یا - به تعبیر دقیق‌تر - تعیین کننده اختیارات او است و دوم تعهد ولی فقیه در برابر قانون اساسی است. یعنی علاوه بر تعهد الهی خود به اجرای احکام اسلام، با پذیرش منصب ولایت در مجرای قانون اساسی، تعهدی نسبت به قانون اساسی دارد و تخلف او از قانون اساسی، باعث خروج او از عدالت و در نتیجه سلب ولایت از او می‌گردد. پس اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی، از ناحیه قوانین اسلام و قانون اساسی مقید و محدود است. این محدودیت در نظام‌های استبدادی وجود ندارد.

بنابراین مطلقه بودن ولایت فقیه، به معنای بی‌قید و شرط بودن اعمال قدرت او نیست؛ بلکه بدین معنا است که اختیارات او، محدود

## ولایت فقیه؛ ولایت قانون

یکی از شبهاتی که بر مسئله ولایت فقیه بیان می‌شود، مسئله فراقانونی بودن و فراقانونی عمل کردن ولی فقیه است. در حالی که همه کشورهای برای حل بعض معضلات خاص، از چنین جایگاهی بهره می‌برند.

محسن کلیا بگانی،  
طبله درس خارج حوزه  
علمیه قم

### اختیارات عالی‌ترین مقام رسمی برخی کشورها

در کشورهای بزرگ غربی، به‌عنوان کشورهای مطرح بر پایه دموکراسی و پیشرفته‌ترین آنها در زمینه قانون اساسی نیز، عالی‌ترین مقام رسمی کشور، دارای اختیارات ویژه‌ای است که به بررسی آنها خواهیم پرداخت. الف. اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا (۱) به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی این کشور:

۱. تعیین سیاست‌های کنونی و آینده کشور، ۲. نظارت، حراست و پشتیبانی از قانون اساسی و عهدنامه‌ها، ۳. فرماندهی کل قوا و نیروی

انتظامی هر یک از ایالات، ۴. عفو مجرمان و تخفیف مجازات بزهکاران، ۵. عزل و نصب مقامات عالی‌دولت و قوه مجریه، ۶. امضای مصوبات مجالس کنگره نمایندگان و سنا با بر خور داری از حق و تو (۲)، ۷. دخالت در قوه قضائیه با تعیین قضات محاکم فدرال، ۸. دخالت در امور اضطراری از قبیل شورش، اغتشاش صنعتی، بحران اقتصادی، فاجعه و بلای ملی، جنگ (۳) و...

ب. اختیارات رئیس‌جمهور فرانسه (۴) به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی این کشور:

۱. ضامن استقلال ملی، تمامیت ارضی و احترام به پیمان‌نامه‌ها و عهدنامه‌ها و مراقبت از قانون اساسی، ۲. به‌ر فرماندوم گذاشتن برخی از امور کشور، ۳. فرماندهی کل نیروهای مسلح و ریاست شوراهای عالی و کمیسیون‌های دفاع ملی و عزل و نصب فرماندهان لشکری، ۴. حق عفو خصوصی مجرمان، ۵. تجدیدنظر در قانون اساسی، ۶. تعیین نخست‌وزیر و پذیرش استعفا او، ۷. عزل و نصب وزیران، انتخاب

# حکایت فقیر



نگاه

## پی نوشت‌ها:

- (۱) وینسنت، اندرو؛ «پدئولوژی‌های مدرن سیاسی»، ترجمه مرتضی ثاقب، تهران: ققنوس، ۱۳۷۸، صص ۴۱-۸۵.
- (۲) تنک، اندره؛ «حقوق ایالات متحده آمریکا»، ترجمه سیدحسین صفایی، مؤسسه حقوق تطبیقی، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.
- (۳) مرنندی، مرتضی؛ «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، قم: پارسایان، ۱۳۸۲، صص ۱۲۶.
- (۴) خسروپناه، عبدالحسین؛ «گفتمان مصلحت»، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳، صص ۳۵-۳۸.
- (۵) نقیب‌زاده، احمد؛ «سیاست و حکومت در اروپا»، تهران: سمت، ۱۳۷۹، صص ۱۲۷-۱۶۵.
- (۶) مرنندی، پیشین، صص ۱۲۴.
- (۷) نقیب‌زاده، پیشین، صص ۹۲-۹۵.
- (۸) خسروپناه، پیشین، صص ۴۰ و ۴۱.
- (۹) مرنندی، پیشین، صص ۱۲۲-۱۲۴.
- (۱۰) مقدمه قانون اساسی ج.ا.ا. بحث ولایت فقیه عادل.
- (۱۱) اصل ۲ قانون اساسی (بند ۶) و ۵.
- (۱۲) کیلت این اختیارات در اصل ۱۱۰ قانون اساسی ذکر شده است.
- (۱۳) اصل ۱۷۴ قانون اساسی.
- (۱۴) اصل ۵۹ قانون اساسی.
- (۱۶) اصل ۱۲۲ قانون اساسی.
- (۱۷) اصل ۱۷۷ قانون اساسی.

سفرا و فرستادگان ویژه، رؤسای سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مدیران کل، ۸. امضای مصوبات پارلمان فرانسه، ۹. انحلال مجلس ملی کشور، ۱۰. اعلان جنگ و صلح و ۱۱. ریاست شورای عالی قضایی، (۵) ۳. اختیارات پادشاه یا ملکه انگلستان:

عالی‌ترین مقام حکومتی در این کشور، پادشاه یا ملکه است که به صورت وراثتی قدرت را در دست می‌گیرد. عزل و برکناری او در حقوق اساسی انگلستان پیش‌بینی نشده است و هیچ مرجعی به عنوان ناظر و مرجع تشخیص ناتوانی و عزل پادشاه از مقام سلطنت در این کشور وجود ندارد. او اجرای کارهای خود را بر عهده نخست‌وزیر قرار داده است و اختیارات ذیل را داراست (۶):

۱. عزل و نصب نخست‌وزیر، ۲. انحلال پارلمان، دعوت به تشکیل آن و یا تعطیل پارلمان، ۳. فرماندهی کل نیروهای مسلح، ۴. اعلان جنگ در مواقع ضروری، ۵. سیاست خارجه، انعقاد معاهدات و یا فسخ قراردادها بین المللی، ۵. انتصاب اعضای مجلس لردها، ۶. تعیین عالی‌ترین مقام قضایی، ۷. صدور فرمان عفو و ۸. توشیح لوایح یا طرح‌های مصوب پارلمان انگلستان یا رد آنها، (۷) ۴. اختیارات رییس جمهور آلمان:

عالی‌ترین مقام اجرایی که رهبر این کشور محسوب می‌شود، رئیس جمهور است که به وسیله اعضای «کمیسیون فدرال» انتخاب می‌شود. دادگاه قانون اساسی فدرال، مسئولیت نظارت بر حسن انجام وظایف او را بر عهده دارد. اختیارات رییس جمهور عبارتند از:

۱. نصب و عزل دادرسان فدرال، صاحب منصبان و درجه‌داران نظامی، ۲. عفو خصوصی مجرمان، ۳. سیاست خارجی و نمایندگی اتحادیه جمهوری آلمان در روابط بین الملل و انعقاد قراردادها و عهدنامه‌ها با دولت‌های خارجی، ۴. انتخاب صدراعظم آلمان، که عزل صدراعظم نیز به پیشنهاد مجلس فدرال و با پذیرش ریاست جمهوری آلمان امکان‌پذیر است، (۸)

## مقایسه (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، عالی‌ترین مقام در کشورهای ذکر شده، از اختیارات گسترده و مهمی برخوردارند و در این زمینه، شباهت‌های بسیاری بین اختیارات آنان وجود دارد؛ اما در این بین، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود که قابل بررسی است. به عنوان مثال در زمینه شرایط احراز رهبری کشور، معمولاً شرایط خاصی در هیچ کدام از قوانین اساسی کشورهای غربی، لحاظ نشده است و حتی در انگلستان، فقط و فقط عامل وراثت تعیین‌کننده است. در حالی که در اصل ۱۰۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شرایط ویژه‌ای از لحاظ علمی، اخلاقی

و مدیریتی برای ولی فقیه در نظر گرفته شده است. در مورد بازنگری در قانون اساسی، در ایران و فرانسه این وظیفه بر عهده رهبر ایران و رییس جمهور فرانسه است؛ ولی در آمریکا، مجلس نمایندگان و سنا و در آلمان، مجلس فدرال مسئول این مهم است و در انگلستان، اصلاً قانون اساسی مدونی وجود ندارد.

در عزل و برکناری رهبر کشور، در انگلستان، پادشاهی به شکل موروثی و مادام‌العمر است و هیچ مرجعی برای عزل پادشاهی این کشور پیش‌بینی نشده است؛ اما در آمریکا، مجلس سنا با ریاست دیوان عالی کشور، در صورت اقدام رییس جمهوری آمریکا به خیانت و ارتشاء، می‌تواند وی را محاکمه و عزل نماید. در فرانسه، قوه مقننه این کشور، می‌تواند در صورت اقدام رییس جمهوری به خیانت علیه کشور، وی را محاکمه و عزل نماید. در جمهوری اسلامی ایران، مطابق اصل ۱۱۱ قانون اساسی، هرگاه رهبر از اداره کشور ناتوان گردد و فاقد شرایط مطروحه در اصل ۱۰۹ قانون اساسی شود، عزل و برکنار خواهد شد. مجلس خبرگان مرجع تشخیص و مسئول عزل وی است، (۹)

## ولایت قانون

عالی‌ترین مقام در جمهوری اسلامی ایران، رهبری است، که بر اساس قانون اساسی، در اختیار ولی فقیه جامع‌الشرایط قرار گرفته است. نظریه ولایت مطلقه فقیه حضرت امام خمینی (ره) - که مبنای نظام جمهوری اسلامی است - وظایف، شرایط و اختیاراتی را برای ولی فقیه اثبات کرده، که شباهت زیادی با نظام امامت دارد. (۱۰) طبق اصل پنجم قانون اساسی، ولی فقیه ولایت امر و امامت را در عصر غیبت بر عهده دارد و دارای نوعی ولایت و صاحب اختیاراتی در جامعه اسلامی است. (۱۱) وظایف و اختیارات رهبری، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل است (۱۲):

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی (۱۳)، ۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، ۳. فرمان همه‌پرسی (۱۴)، ۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح، ۵. اعلان جنگ و صلح، ۶. عزل و نصب و قبول استعفا، ۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، ۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، ۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، ۱۰. عزل رئیس‌جمهور (۱۵)، ۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین و ۱۲. تجدید نظر در قانون اساسی (۱۶).

در صورتی که رهبری توانایی خود را برای اداره کشور به هر دلیلی از دست بدهد، خودبه‌خود برکنار و عزل می‌گردد. تشخیص این مسئله بر عهده مجلس خبرگان رهبری است.